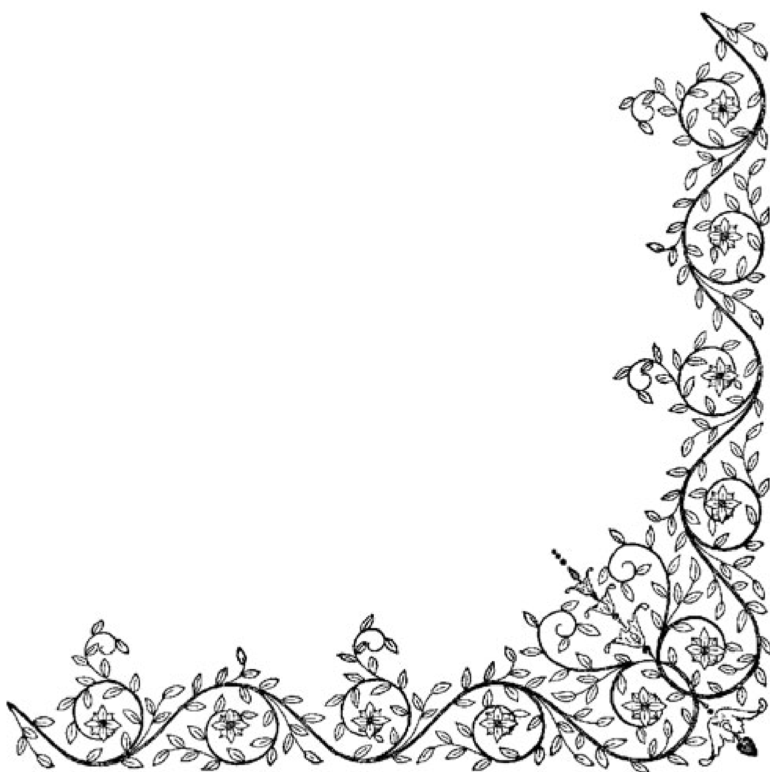
دانشکده مجازی علوم حدیث

فِقهُ الحَدیثِ ۳

حجت الاسلام علی راد



بسم الله الرحمن الرحیم



جلسهٔ اول

آشنایی با جایگاه و آثار روزه در اسلام

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ درس فقه الحدیث (۳)؛
- ✓ جایگاه روزه در اسلام و ادیان توحیدی؛
- ✓ آثار جسمی، روانی و اجتماعی روزه.

درآمدی بر فقه الحدیث (۳)

تاکنون در حوزۀ دانش فقه الحدیث چندین درس ارائه شده است. روش فهم حدیث نخستین درس این دانش، بود که در آن دربارۀ اصول فهم حدیث و فرایند آن سخن گفتیم. از آنجا که احادیث در حوزه‌ها و موضوعهای گوناگونی طبقه‌بندی می‌شوند و هر یک فضا و شرایط خاص خود را دارد، لازم بود که دانشجویان با هر یک از این موضوعها آشنا شوند و به فهم احادیث آنها بپردازند. در درس فقه الحدیث (۳) با روایاتی دربارۀ روزه آشنا می‌شوید و روش کشف و استنباط احکام فقهی در این قلمرو را می‌آموزید. همچنین در این درس فرا می‌گیرید که برای پاسخ دادن به پرسش‌های موجود در این موضوع از چه متونی می‌توان استفاده کرد.

موضوع درس فقه الحدیث (۳)، بررسی فقهی روایات «کتاب الصوم» مبتنی بر روش و اصول استنباط فقه شیعی است. مبنای گزارش روایات «کتاب الصوم» کتاب حدیثی *وسائل الشیعة* شیخ حر عاملی است.

روش درس

در ابتدای هر درس، طرح بحث خواهیم داشت تا بدین وسیله با دورنمای کلی موضوع آن بحث آشنا شویم. سرفصلهای آغازین هر درس گویای این دورنمای کلی است. در هر درس موضوعها به بخشهای جزیی و خرد تقسیم شده است تا فراگیری و آموزش آن آسان‌تر باشد. در هر بخش، در صورت نیاز، به معناشناسی واژگان و اصطلاحات کلیدی موضوع پرداخته‌ایم. همچنین به دنبالۀ هر عنوان به روایات مرتبط با آن و احکام و نکات فقهی استخراج شدۀ آن اشاره می‌شود. در بخش ساختارشناسی بیانی احکام در روایات با تکیه دانسته‌های اصولی چگونگی دلالت روایت بر احکام روزه را به بحث نشاندیم. شایان ذکر است گاه به ضرورت مطالب لازم را در لابه‌لای مباحث گنجانده‌ایم.

پیش‌نیازها

برای فراگیری بهتر این درس لازم است، دست‌کم باید در روش فهم حدیث، اصول فقه، اصطلاحات فقهی و احادیث صوم، اطلاعات سودمند و کارامدی داشته باشیم تا به هدف این درس که آشنایی با چگونگی تحلیل و استنباط حکم به وسیلهٔ توسط فقیهان از گزاره‌های شرعی است، نزدیک‌تر شویم.

بنابراین بهتر است دانشجویان پیش از هر جلسه، روایات مربوط به آن جلسه را به اجمال مطالعه کنند تا با معنا و مفهوم کلی روایات اندکی آشنا شوند. همچنین با این مطالعه دانسته‌های پیشین اصولی آنها نیز مرور می‌شود.

سیر اجمالی مباحث

در درس فقه الحدیث (۳) به مباحثی چون معناشناسی صوم، تشریع روزه در کتاب و سنت، احکام ماه مبارک رمضان، آداب روزه‌داری، مفطِرات روزه، بررسی روایات کراهت حجامت برای روزه، روزهٔ عاشورا و تاسوعا، روزه‌های مستحبی، روزهٔ مسافر و قضای روزه خواهیم پرداخت.

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ کاربرد و کارآمدی داده‌های اصول فقه در روایات به شکل عینی؛
- ✓ روش استدلال و شیوهٔ استنباط فقیهان از گزاره‌های دینی؛
- ✓ دانسته‌های فقهی، حُکمی، اخلاقی و ... روزه؛
- ✓ افزایش دامنهٔ آگاهی از احادیث صوم به شکل موضوعی.

پژوهش و پرسش

در پایان هر درس تعدادی پرسش از متن درس وجود دارد که دانشجویان پس از فراگرفتن درس باید به آنها پاسخ بدهند. همچنین در پایان درس پژوهشهایی مطرح می‌شود که فرد باید با مراجعه به متن *وسائل الشیعه* و دیگر کتب روایی و فقهی دربارهٔ آنها تحقیق و پژوهش کند. شایان ذکر است، مجموعهٔ پژوهشها به افزایش توان استنباط فقهی و کاربردی نمودن دانسته‌های اصولی و روش فهم حدیثی دانشجو کمک خواهد کرد.

چند تذکر

فقاهت فراتر از دانسته‌های معمولی اصولی و فقهی است؛ از این رو مهارت و تخصص ویژه می‌طلبد. که این امر به مطالعات و تجارب علمی سالیان طولانی فقیه در حوزه‌های گونه‌گون علمی وابسته است و بدین وسیله فقیه به روح شریعت و مقصود اصلی شارع نزدیک می‌شود. بنابراین دانستن تنها چند اصطلاح اصولی برای استخراج حکم شرعی کافی نیست و استنباط حکم، نیازمند مطالعات میان‌رشته‌ای پی‌گیر و دقیق است که

تعداد اندکی از افرادی به این جایگاه علمی دست می‌یابند. از این رو بسنده کردن به دانسته‌های جزئی در استنباط کار علمی و معتبر کافی نخواهد بود.

شایان ذکر است نکاتی که در ادامهٔ روایات به عنوان حکم آمده است، به معنای حکم قطعی و نهایی نیست؛ زیرا ممکن است این حکم در رویارویی با دیگر گزاره‌ها تغییر یابد. آنچه در این مسائل بیشتر مد نظر بوده است، آشنایی دانشجویان با چگونگی استنباط فقیهان از گزاره‌های شرعی است.

معناشناسی صوم در لغت و اصطلاح

برای دانستن تعریف «صوم» باید با معنای لغوی و اصطلاحی آن آشنا شویم.

صوم در لغت

الف) ترک و امساک

واژهٔ «صیام» و «صوم» از نظر ساختار صرفی، مصدر و برابر با نهاد است. معنای لغوی آن در فارسی «خودداری از انجام عمل» و در زبان عربی «امساک و تَرک» است. واژه‌شناسان چیره‌دستی چون فراهیدی خودداری از خوردن و ترک خوردن و سخن گفتن[1] و ابوعبیده «خودداری از سخن گفتن»[2] و ابن‌منظور «ترک آمیزش جنسی با همسر و ترک آشامیدن»[3] را در معانی «صوم» آورده‌اند. دقت در معنای لغوی «صوم»، بیانگر این نکته است که حوزهٔ معنایی این واژه، پرهیز از رفتارها و کردارهایی است که نفس آدمیان همواره بدان مشتاق است. در زبان فارسی اصطلاح «روزه» در برابر «صوم» قرار دارد.

ب) ایستایی از حرکت

در برخی از کتب لغت عربی به معنای دیگر صوم، یعنی ایستایی از حرکت، اشاره شده است. ابن درید در کتاب لغت خود معنای دیگر صوم را «کلُ شیءٍ سَکَنَتْ حرکتُه فَقَد صامَ صَوْماً».[4] یعنی باز ایستادن شی از حرکت طبیعی‌اش می‌داند. شاید بتوان با جمع‌بندی معنای نخست صوم و این معنا چنین گفت که لازمهٔ پرهیز از انجام یک عمل، ایستایی از حرکت به سوی آن است که در حقیقت این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

---

۱. الفراهیدی، *العین*، ج ۷، ص ۱۷۱.

۲. جوهری، *صحاح*، ج ۵، ص ۱۹۷۰.

۳. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۲، ص ۳۵۰.

٤. ابن‌درید، جمهرة *اللغه*، ج ۲، ص ۸۹۹.

صوم در اصطلاح فقه

گفتیم که «صوم» در اصل لغت، به معنای خودداری از خصوص اعمالی است؛ اما بعدها این معنا در شرع، دربارهٔ خودداری و پرهیز از کارهای معینی به کار رفته و حوزهٔ معنایی ویژه‌ای یافته است و به اصطلاح دانشیان اصول فقه، حقیقت شرعیه شده است. دربارهٔ اصطلاح شرعی صوم در کتابهای فقهی به تعابیر گوناگونی اشاره شده که این امر بر اساس شرایط و احکام روزه ارائه شده است. گوناگونی تعابیر به معنای اختلاف و عدم اشتراک و اتحاد در تعریف اصطلاحی صوم نیست؛ بلکه از ذوق و سلیقهٔ مختلف فقیهان ناشی می‌شود. فقیهان بر اساس آیات و روایاتی که در بار صوم هست، تعاریفی را ارائه کرده‌اند. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از:

ـ صوم عبارت است از تروک بسیار مشروط به نیت، محدود به فجر و غروب.[۵]

ـ هو الکفُّ عن المُفطِراتِ مع النیةِ؛[۶] روزه خودداری از مفطرات همراه آن دو است.

ـ ترک الأکل والشرب وغیرِهما رأساً؛[۷] روزه ترک ابتدایی خوردن، آشامیدن و همانند آن دو است.

ـ إن الصَّومَ الحقیقی هو الکفُّ عن المفطِراتِ حقیقةً أو حُکماً؛[۸] روزه خودداری از مفطرات به گونهٔ حقیقی یا حکمی است.

ارکان سه‌گانهٔ تعریف صوم

در تعاریف بیان‌شده، قیدهایی چون مفطِرات و تروک، نیت و زمان از عناصر اصلی تعریف صوم هستند. بر اساس این تعاریف، ارکان روزه بر سه گونه است؛ روانی، عملی و زمانی.

رکن اول؛ همانند نیت که مربوط به جنبهٔ ارادی و روانی روزه است و مقصود از آن قصد قربتی است که باید پیش از امتثال روزه به عمل آید. **رکن دوم؛** همانند امساک که اقدام عملی به شمار می‌آید و از جنبه‌های عملی روزه است. هر چند که این رکن از جنبه‌های سلبی و عدمی است و از آن به پرهیز از مفطرات و تروک صوم یاد می‌شود.[۹]

نیت و امساک باید در ظرف زمانی خاصی تحقق یابد تا اطلاق روزه به آن صحیح باشد؛ از این رو زمان از ارکان و شرایط روزه به شمار می‌آید. این ظرف زمانی خاص در صوم منحصر در روز شرعی است؛ یعنی متعلق نیت و امساک در صوم، روز شرعی است نه زمان. غیر از روز که شب باشد یا تلفیقی از شب و روز. مقدار زمانی صوم همان‌گونه که در تعریف نخست نیز بدان اشاره شده از فجر تا غروب است.

۵. میرزا قمی، *جامع الشتات* (فارسی)، ج ۱، ص ۲۳۶.

۶. *شرایع الإسلام*، ج ۱، ص ۱۸۷؛ حلی، *المختصر النافع*، ص ۶۵.

۷. شیخ انصاری، *کتاب الصوم*، ص ۱۷.

۸. همان، ص ۱۸.

۹. مراد از مفطرات و تروک مجموعه‌ای از کردارها و گفتارهایی است که سبب تباهی و فساد عمل روزه می‌شوند، که به تفصیل دربارهٔ آن بحث خواهیم کرد.

برخی از تعاریف صوم بدون در نظر گرفتن وقوع روزه در زمان خاص آن ارائه شده است. یکی از توجیهات یادنکردن از شرط زمان در تعریف صوم آن است که این نکته یعنی عنصر زمانی، روز شرعی، در تعریف صوم آنچنان معروف و مشهور است که فقیهان آن را مفروغٌ‌عنه گرفته‌اند.[۱۰]

روزه در آیین اسلام و ادیان توحیدی

روزه یکی از آموزه‌های دین مبین اسلام است و بر دو قسم واجب و مستحب است. اصل روزه در آیات قرآن[۱۱] و روایات گوناگون بیان[۱۲] شده است. در این میان روزهٔ ماه مبارک رمضان یکی از عبادتهای بسیار مهم مسلمانان به شمار می‌آید و همگی فرق اسلامی در وجوب آن بر شخص مکلّف، بر یک عقیده هستند.

مطابق مبانی هستی‌شناسی اسلامی، که مبتنی بر نگرهٔ عقلانی استوار و متقنی است، خداوند بر همه چیز دانا و از همه چیز آگاه است و نقص و نیازی در ذات متعال او نیست که از اعمال سودی بخواهد یا از زیانی بهراسد. خدای مهربان خیر محض است و برای بندگان خود، جز خیر و سعادت نمی‌خواهد؛ پس اگر او انسان را به چیزی فرمان می‌دهد؛ قطعاً خیر و سعادت انسان در آن امر است و کمال و تعالی او بدان بستگی دارد. همچنین او انسان را از چیزی نهی می‌فرماید که برای او زیان‌بخش است و به مصالح مادی و معنوی او آسیب می‌رساند. روزه نیز یکی از احکام انسان‌ساز خداوند حکیم و رحمان است که در اسلام با رعایت مصالحی به سود بندگان بیان شده است.

روزه در آیین یهود و مسیح

اصل آموزهٔ روزه تنها به اختصاص ندارد؛ بلکه در بیشتر ادیان آسمانی به گونه‌ای وجود داشته است. مفسران در تفسیر آیهٔ «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَمَا کُتِبَ عَلَى الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»[۱۳] نگاشته‌اند که منظور از «الذین من قبلکم» امتهای گذشتهٔ پیش از اسلام همانند امت موسی، امت عیسی و غیر ایشان است. هر چند این آیه در مقام بیان این نکته نیست که تمامی امتها روزه داشته‌اند یا روزهٔ اسلام همانند روزهٔ امتهای پیشین است؛ بلکه تنها اصل روزه‌داری در امتهای پیشین را ثابت می‌کند.

مراد از جملهٔ: «الذین من قبلکم» امتهای پیشینی هستند که دین‌دار بوده‌اند و نه همهٔ آنها. هر چند قرآن کریم این امتها را مشخص نکرده است؛ اما از ظاهر جملهٔ «کما کُتِبَ ...» چنین برمی‌آید که امتهای نامبرده اهل ملت و دین بوده‌اند که روزه داشته‌اند. از تورات و انجیل موجود در دست یهود و نصارا هیچ دلیلی بر واجب‌بودن روزه در میان این دو ملت دیده نمی‌شود؛ تنها در فرازهایی از این دو کتاب روزه مدح شده است. و اما یهود و نصارا عصر حاضر در طول سال چندین روز را به اشکالی مختلف روزه می‌گیرند. آنها یا از خوردن

---

۱۰. شیخ انصاری، *کتاب الصوم*، ص ۱٦.

۱۱. بقره/ ۱۸۷ ـ ۱۸۳.

۱۲. ر.ک: جلسهٔ دوم، بخش احکام ماه مبارک رمضان.

۱۳. بقره/ ۱۸۳.

گوشت و شیر و یا به طور کلی از خوردن و نوشیدن خودداری می‌کنند. و در قرآن کریم نیز دربارهٔ داستان روزهٔ زکریا و روزهٔ مریم سخن به میان آمده است.

مسئلهٔ روزه، جز در قرآن، از اقوام بی‌دین نیز نقل شده است؛ مثلاً مصریان قدیم، یونانیان، رومیان قدیم و حتی وثنی‌های هندی هر یک برای خود روزه‌ای داشته و دارند. بر این اساس می‌توان گفت روزه وسیله‌ای برای عبادت و تقرب است که فطرت آدمی به آن حکم می‌کند.[۱۴] با استناد به سخن علامه طباطبایی در *المیزان* می‌توان چنین گفت که روزه حکمی بر اساس فطرت آدمی است که در شریعتهای آسمانی و الهی بر آن تأکید شده است.[۱۵]

روزه گرفتن از عبادات یهودیان و مسیحیان نیز به شمار می‌آید و چندین بار در کتب مقدس آنان بدان اشاره شده است. موسی پیش از دریافت الواح عهد از یَهُوِه، چهل شبانه‌روز در کوه سینا روزه گرفت و از خوردن و آشامیدن پرهیز کرد.[۱۶] داود در هنگام بیماری پسرش از بیوهٔ اُوریای شهید که همسر وی شده بود، روزه گرفت.[۱۷] یهُوشافِط پس از پیروزی یهودیه بر مُوآبیها و عَمونیان چهل روز، روزه گرفت.[۱۸] یوئِیل[۱۹] و یونس[۲۰] نیز برای دور کردن خشم خدا به مردم دستور روزه گرفتن دادند. مَردخای و اَستَر نیز از دیگر شخصیتهای عهد عتیق هستند که پس از فرمان هامان وزیر اَخشُورش برای قتل‌عام یهودیان چندین شبانه‌روز روزه گرفتند.[۲۱] یهودیان همچنین در روز تِیشاب‌آوِیا (نهمین روز از ماه عبری آو) که در آن روز معبد اورشلیم دو بار (در سالهای ۵۸۶ قبل از میلاد و هفتاد میلادی) تخریب شد، روزه می‌گیرند.

بر اساس عهد جدید، فَریسیان و پیروان یحیی روزه می‌گرفتند؛ اما شاگردان عیسی روزه نمی‌گرفتند. در انجیل متی آمده است:

> و شاگردان یحیی نزد وی آمده، او را گفتند که چون است که ما و فریسیان روزه می‌داریم و شاگردان تو روزه نمی‌گیرند.[۲۲]

با این حال عیسی در بیابان، چهل شبانه‌روز روزه گرفت[۲۳] و یحیی تعمیددهنده، پیوسته روزه می‌گرفت.[۲۴] متی از عیسی نقل کرده است که دیو جز به دعا و روزه از جسم انسان بیرون نمی‌رود.[۲۵] اما عیسی روزهٔ ریاکاران را نکوهش می‌کرده است؛

> و چون روزه می‌گیرید چون ریاکاران کشیده‌رو نباشید که چهرهٔ خویش را در هم می‌کشند تا در نظر مردم روزه‌دار نمایند، به درستی به شما می‌گویم که ایشان اجر خود

---

۱۴. علامه طباطبایی، *المیزان*، منشورات جامعة مدرسین قم، ج ۲، ص ۸ ـ ۷.
۱۵. همان، ص ۸.
۱٦. *خروج*، باب ۳۴، آیهٔ ۲۹.
۱۷. *دوم سموئیل*، باب ۱۲، آیهٔ ۱۵.
۱۸. *دوم تواریخ*، باب ۲۰، آیهٔ ۳.
۱۹. یوئیل، باب ۱۱، آیهٔ ۲۱.
۲۰. یونس، باب ۳، آیهٔ ۷.
۲۱. *استر*، باب ۴، آیهٔ ۲۱.
۲۲. *انجیل متی*، باب ۹، آیهٔ ۱۵.
۲۳. *متی*، باب ۴، آیهٔ ۲؛ *لوقا*، باب ۴، آیهٔ ۲.
۲٤. *لوقا*، باب ۳، آیهٔ ۴.
۲۵. *متی*، باب ۱۷، آیهٔ ۲۱.

را گرفته‌اند. لیکن تو هرگاه روزه می‌گیری، سر خود را چرب کن و روی خویش را بشوی تا در نظر مردم روزه‌دار ننمایی؛ بلکه در نظر پدر خود [روزه‌داری کن]، که پدر تو نهان را می‌داند و آشکارا تو را جزا خواهد داد.[۲۶]

با دقت در بخشهای کتب مقدس کنونی می‌توان چنین استنباط کرد که نسبت به روزه، تنها توصیه شده و از سیرهٔ روزه‌داری پیامبران یهود و مسیح سخن گفته است؛ اما دربارهٔ وجوب آن، حکم صریحی دیده نمی‌شود.

تشریع روزه در قرآن

در قرآن آیهٔ یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ * أَیاماً مَّعْدُوداتٍ فَمَنْ کَانَ مِنْکُم مَّرِیضاً أَوْ عَلَی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَیامٍ أُخَرَ وَ عَلَی الَّذِینَ یُطِیقُونَهُ فِدْیةٌ طَعَامُ مِسْکِینٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَیراً فَهُوَ خَیرٌ لَّهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَیرٌ لَّکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ...[۲۷] به اصل تشریع آموزهٔ روزه در اسلام، حکمت تشریع و برخی از شرایط کلی آن پرداخته است. بخش «کُتِبَ علیکم الصیامُ» به حکم وجوبی روزه و بخش «لعلکم تَتَّقُونَ» به حکمت تشریعی آن اشاره دارد. «کَتَبَ» از واژگانی است که در تشریع احکام وجوبی از آن استفاده می‌شود.

تقوا؛ حکمت قرآنی تشریع روزه

بت‌پرستان پیش از اسلام برای نزدیکی به خدایان خود و خشنودی آنان و همچنین به سبب خاموش کردن آتش خشم خدایان در هنگام ارتکاب گناه، روزه می‌گرفتند. همچنین آنها برای برآورده شدن حاجت خود روزه می‌گرفتند و در حقیقت این‌گونه روزه نوعی معامله و مبادله بوده است؛ زیرا عابد با روزه گرفتن رضایت معبود را فراهم می‌کرده است تا معبود هم حاجت عابد را برآورد. ولی در اسلام روزه معامله و مبادله نیست و نتیجهٔ خوب عبادت تنها از آنِ بنده است. همچنان‌که اثر بد و ناپسند گناهان نیز به خود بندگان فرد بازمی‌گردد. آیهٔ مبارک إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا[۲۸] به این معنا اشاره دارد. قرآن کریم در آموزه‌هایش به انسان که سراسر فقر و نیاز است، می‌آموزد که آثار اطاعتها و نافرمانیها به انسان باز می‌گردد و در جایی دیگر قرآن در این‌باره می‌فرماید: یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ.[۲۹]

---

۲۶. *انجیل متی*، باب هفتم، آیات ۱۹ ـ ۱۷.

۲۷. بقره/ ۱۸۵ ـ ۱۸۳: ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود، شاید باتقوا شوید و این روزهایی چند است، پس هر کس از شما مریض یا مسافر باشد باید ایامی دیگر به جای آن روزه بگیرید و اما کسانی که به هیچ وجه نمی‌توانند روزه بگیرند، عوض روزه برای هر روز یک مسکین طعام دهند و اگر کسی عمل خیری را داوطلبانه انجام دهد، برایش بهتر است و اینکه روزه بگیرید، برایتان خیر است ... .

۲۸. اسراء/ ۷.

۲۹. فاطر/ ۱۵.

در قرآن در بخشی از آیهٔ ۱۸۵، سورهٔ بقره لعلکم تتقون به صراحت بیان شده است که فایدهٔ روزه همانا تقوا است و این سود از آن خودِ انسان می‌شود. هر انسان پاک‌سرشتی حقیقت تقوا را درک می‌کند و هرگاه کسی بخواهد به عالم طهارت و رفعت متصل شود و به مقام برتر کمال دست یابد؛ نخست باید از افسارگسیختگی نفس خود جلوگیری کند، از لذتهای جسمی و شهوانی چشم بپوشد، خود را بزرگ‌تر از آن بداند که تنها به زندگی مادی سرگرم باشد و کوتاه سخن آنکه خود را از هر آنچه که از پروردگارش دور می‌سازد، بیزاری جوید. چنین تقوایی تنها با روزه گرفتن و خودداری از شهوات به دست می‌آید. هرگاه اهل دنیا برای مدتی از خوردن، آشامیدن و شهوت جنسی پرهیز کنند اندک اندک نیروی خویشتنداری از گناهان در آنان قوت می‌گیرد و به تدریج بر ارادهٔ خود چیره می‌شوند، آن‌گاه در برابر هر گناهی عنان اختیار از کف نمی‌دهند و نیز در تقرب به خدای سبحان نیز به سستی دچار نمی‌شوند، زیرا آن کس امر خداوند را در اجتناب از خوردن، نوشیدن و شهوت، که امری مباح است، را اجابت می‌کند، بی‌تردید در دوری گزیدن از گناهان و نافرمانیها شنواتر و مطیع‌تر خواهد بود، این است معنای «لعلکم تتقون».[۳۰]

جایگاه روزه در آینهٔ روایات

معصومان (علیهم السلام)، به سبب اهمیت عبادی روزه در اسلام، در تبیین جایگاه، هدف، نقش تربیتی و اصلاحی روزه در مسیر هدایت و کمال انسان اهتمام زیادی داشته‌اند؛ از این رو در روایات برای تبیین جایگاه و ابعاد گوناگون روزه، اوصاف زیادی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

ـ ستونی از پایه‌های پنج‌گانهٔ اسلام؛[۳۱]
ـ آزمونی برای سنجش اخلاص؛[۳۲]
ـ یادآور سختیها و تنگناهای روز رستاخیز و سنجش روز قیامت؛[۳۳]
ـ زکات بدن؛[۳۴]
ـ سپری برای آتش جهنم؛[۳۵]
ـ سببی از اسباب استعانت معنوی[۳۶] و استجابت دعا؛[۳۷]

۳۰. علامه طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۹ ـ ۸.

۳۱. قال الباقر (علیه السلام): بُنِيَ الإسلامُ علی خَمسةِ أشیاءَ، علی الصلوةِ والزکاةِ والحجِ والصومِ والولایه؛ *فروع کافی*، ج ٤، ص ٦٢.

۳۲. قال أمیرُ المؤمنین (علیه السلام): فَرَضَ اللهُ ... الصیامَ ابتلاءً لِإخلاصِ الخلق؛ *نهج البلاغه*، حکمت ۲۵۲.

۳۳. قال الرضا (علیه السلام): إنَّما أمَروا بِالصوم لِکي یَعرِفوا ألَمَ الجُوعِ والعَطَشِ فَیَستَدِلُّوا عَلی فَقْرِ الآخَرِ؛ *وسائل الشیعه*، ج ٤، ص ٤، ح ٥؛ *علل الشرایع*، ص ۱۰.

۳٤. قال رسولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله): لِکُلِّ شیءٍ زکاةٌ وزکاةُ الأبدانِ الصیام؛ *الکافی*، ج ٤، ص ٦٢، ح ۳.

۳۵. قال رسولُ الله (صلی الله علیه وآله): الصومُ جُنَّةٌ مِن النّارِ؛ *الکافی*، ج ٤، ص ١٦٢.

۳٦. عن الصادق (علیه السلام) في قول الله عزّ وجل: (واستعینوا بالصبر و الصلوة)، قال: الصبرُ الصومُ؛ *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ٤۳، ح ۱.

۳۷. قال الکاظمُ (علیه السلام): دَعوةُ الصائمِ تُستَجابُ عندَ إفطارِهِ؛ *بحار الأنوار*، ج ۹۲، ص ۲۵۵، ح ۳۳.

ـ زمینه‌ساز مواسات میان فقیر و غنی؛[۳۸]
ـ نوعی جهاد[۳۹] و ... .

در تبیین ابعاد و گسترهٔ روزه چنان تصویرسازی و دقت بیانی به عمل آمده است که در یک کلام کوتاه می‌توان گفت که از دیدگاه معصومان، روزه‌دار حقیقی کسی است که با تمام وجود، یعنی جوارح و جوانح، ظاهر و باطن از غیر خداوند امساک نموده باشد. از این رو در روایات از روزهٔ نفس،[٤٠] روزهٔ قلب،[٤١] روزهٔ گوش، چشم، مو و پوست،[٤٢] روز، زبان و جوارح،[٤٣] روزهٔ دوری کردن از حرامها[٤٤] و ... نیز یاد شده است. بر اساس روایاتِ گزارش‌شده از معصومان؛ روزه افزون بر شرایط صحت که بیشتر مربوط به جنبهٔ ظاهری آن است، شرایطی دیگر نیز دارد که به جنبهٔ باطنی و ملکوتی آن مربوط است. از این رو روزه‌دار باید همواره بر رعایت آنها اهتمام داشته باشد که در غیر این صورت به فرمودهٔ علوی چیزی جز گرسنگی و تشنگی از آن او نخواهد شد و از هدف روزه، که رسیدن به قرب الهی است، بهره‌ای نخواهد یافت؛

> کَمْ مِن صائمٍ لَیس لَه مِن صیامِه إلا الجوعُ والظَّمْأُ؛ وَکَم مِن قائمٍ لیس له مِن قیامِه إلا السَّهْرُ والعَناءُ.[٤٥]
>
> چه بسا روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای ندارد و چه بسا شب‌زنده‌داری که از نمازش جز بی‌خوابی و سختی سودی نمی‌برد.

آنچه به عنوان شرایط کمال روزهٔ صحیح مطرح است، بیشتر در قالب مستحبات و مکروهات روزه تجلی می‌یابد که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

دربارهٔ پاداش روزه نیز می‌توان سخنانی روشن در لابه‌لای روایات یافت؛ اختصاص یکی از درهای بهشت به نام «ریان» برای ورود روزه‌داران حقیقی؛[٤٦] لقای پروردگار (وقت مردن یا در قیامت)؛[٤٧] برخوردار از نعمتهای بهشتی.[٤٨]

---

۳۸. قالَ الصادقُ (علیه السلام): إنَّما فَرَضَ اللهُ الصیامَ لِیَستوِيَ به الغَنُيُّ والفقیرُ؛ *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ٤۳، ح ۱.

۳۹. قال رسولُ الله (صلی الله علیه وآله): الصومُ في الْحَرِّ جِهادٌ؛ *بحار الأنوار*، ج ۹٦، ص ۲۵۷.

٤٠. قال أمیرُ المؤمنین (علیه السلام): صَومُ النفسِ عن لذّاتِ الدنیا أنْفَعُ الصیامِ؛ *غرر الحکم*، ج ۱، ص ٤۱٦، ح ٦٤.

٤۱. قال أمیرُ المؤمنین (علیه السلام): صومُ القلبِ خیرٌ مِن صیامِ اللسانِ وَصومُ اللسانِ خیرٌ مِن صیامِ البَطنِ؛ *غرر الحکم*، ج ۱، ص ٤۱۷، ح ۸۰.

٤۲. قال الصادقُ (علیه السلام): إذا صُمْتَ فَلْیَصُمْ سَمعُکَ وبَصَرُکَ وَشَعْرُکَ وَجَلْدُکَ؛ *الکافی*، ج ٤، ص ۸۷، ح ۱.

٤۳. عن فاطمةَ الزهراء (علیها السلام): ما یَصْنَعُ الصائمُ بِصیامِه إذا لَمْ یَصُنْ لسانَه وسَمْعَه وبَصَرَه وجوارِحَه؟! روزه‌دار چه بهره‌ای از روزه‌اش می‌برد، اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را نگه ندارد؟!؛ *بحار*، ج ۹۳، ص ۲۹۵.

٤٤. قال أمیرُ المؤمنین (علیه السلام): الصیامُ اجتنابُ المحارمِ کما یَمتَنِعُ الرجلُ مِن الطعامِ والشراب؛ *بحار*، ج ۹۳، ص ۲٤۹.

٤۵. *نهج البلاغه*، حکمت ۱٤۵.

٤٦. قال رسولُ الله (صلی الله علیه وآله): إنَّ للجَنَّةِ باباً یُدعَی الریَّانَ، لا یَدخَلُ مِنه إلا الصائِمون؛ *وسائل الشیعه*، ج ۷، ص ۲۹۵، ح ۳۱؛ *معانی الأخبار*، ص ۱۱٦.

٤۷. قال الصادقُ (علیه السلام): لِلصائمِ فَرْحَتانِ، فَرْحَةٌ عندَ إفطارِه وفرحةٌ عندَ لِقاءِ ربِّه؛ *وسائل الشیعه*، ج ۷، ص ۲۹۰، ح ٦؛ همان، ص ۲۹٤ و ۲٦.

٤۸. قال رسولُ الله (صلی الله علیه وآله): مَن مَنَعَه الصَوْمُ مِن طعامٍ یَشْتَهِیه کانَ حقّاً عَلَی اللهِ أنْ یُطْعِمَه مِن طعامِ الجنةِ ویَسْقیه مِن شرابِها؛ *بحار الأنوار*، ج ۹۳، ص ۳۳۱.

در میان این روایات، حدیث قدسی «الصَّومُ لي وأنا أجزي به»[٤٩] شاه‌بیت این منظومهٔ روایی است. مفسر ژرف‌بینی چون علامه طباطبایی دربارهٔ نکته‌های فقه الحدیثی این روایت، که رهگشای منزلت و جایگاه روزه نزد خداوند کریم است، چنین می‌نویسد:

> وجه اینکه روزه برای خدای سبحان می‌باشد، این است که روزه تنها عبادتی است که از امور عدمی تشکیل می‌شود، به خلاف عبادتهای دیگر، از قبیل نماز و حج و امثال آن، که از امور وجودی ترکیب می‌یابند و یا حداقل امور وجودی هم در آنها دخالت دارند، و معلوم است که فعل وجودی نمی‌تواند محض و خالص در اظهار عبودیت عبد و ربوبیت رب سبحان باشد، چون خالی از نقایص مادی و آفت محدودیت و اثبات آنانیت نیست و ممکن است در انجام آن قصد غیر خدا هم به میان آید و سهمی از آن را برای غیر خدا انجام دهد. چنان‌که در موارد ریا، سُمعه و سجده برای غیر خدا، این آفتها مشاهده می‌شود، به خلاف عملی که همه‌اش نفی است همانند روزه که عبارت است از نخوردن، ننوشیدن، و ... . روزه‌دار خودش را بالاتر از اسارت در برابر مادیات می‌بیند و با خویشتنداری خود را از لوث شهوات نفس پاک نگه می‌دارد و این امور عدمی چیزی نیست که غیر خدا هم سهمی از آن یا در آن داشته باشد؛ زیرا امری است تنها میان بنده و پروردگارش و طبعاً کسی جز خدا از آن با خبر نمی‌شود و اینکه فرموده: و «أنا أجزي به» اگر کلمهٔ «أجزي» را به صیغهٔ معلوم بخوانیم؛ یعنی من جزای آن را می‌دهم آن وقت دلالت می‌کند بر اینکه در دادن اجر به بنده، کسی میان او و خدا فاصله و واسطه نمی‌شود، همان‌طور که بنده هم در بندگی و عبادت خدا به وسیلهٔ روزه کسی را دخیل قرار نداد و نگذاشت کسی از روزه‌داری‌اش باخبر شود، چنان‌که دربارهٔ صدقه آمده است: صدقه را تنها خدا می‌گیرد و بین صدقه‌دهنده و خدا کسی واسطه نیست. در قرآن نیز آمده است است: أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ [٥٠] و اما اگر «أجْزي» را به صیغهٔ مجهول بخوانیم (أُجزَی)، معنایش این می‌شود: «خود من جزای روزه قرار می‌گیرم» که در این صورت کنایه از نزدیکی روزه‌دار به خدای تعالی خواهد بود.[٥١]

آثار جسمی، روانی و اجتماعی روزه

روزه هم فواید دنیوی و اخروی او است و هم فواید جسمی و روحی فراوانی برای انسان دارد. روزه شفابخش جسم و توان‌بخش جان است، پاک‌کنندهٔ آدمی از رذایل حیوانی است. همچنین، در ساختن فرد صالح و اجتماع بسامان بسیار مؤثر است و در تهذیب و تزکیهٔ نفس و رهاندن انسان از روزمرگی و واماندگی در نیازهای تن تأثیر به سزایی دارد. فواید طبی و بهداشتی روزه، که از سودمندیهای کوچک این فریضهٔ انسان‌ساز است، به

٤٩. *وسائل الشیعه*، ج ۷، ص ٢٩٤، ح ١٥.

٥٠. توبه/ ١٠٤.

٥١. *المیزان*، ج ۲، ص ٢٦ ـ ٢٥؛ برای آگاهی از تحلیلی دیگر ر.ک: ری‌شهری، *ماه خدا*، ص ۱۰۸.

اندازه‌ای است که شاید نیاز به توضیح و تکرار نداشته باشد و بیشتر مردم کم و بیش از آن آگاه هستند. معده و دستگاه گوارش از اندام پرکار بدن آدمی است، با خوردن سه وعدهٔ غذا، تقریباً دستگاه گوارش در تمامی ساعات به هضم، تحلیل، جذب و دفع مشغول است. روزه سبب استراحت این اعضا و مصون ماندن از فرسودگی آنها می‌شود. همچنین با روزه گرفتن از میزان ذخایر چربی که زیانهای مهلکی دارند، کاسته می‌شود.

سلامتی جسم

در روایات اسلامی حتی به فواید جسمی روزه نیز اشاره شده است تا برخی از سست‌عنصران، اگر نه با ایمان کامل دست‌کم با توجه به فواید بهداشتی روزه، این فریضهٔ ثمربخش را به جای آورند و از سودمندیهای گوناگون آن بهره‌مند شوند.

پیامبر گرامی اسلام در این‌باره فرموده‌اند: «صُومُوا تَصِحُّوا»؛[52] روزه بگیرید تا سالم بمانید. پیشوایان گرامی اسلام در روایات بسیاری، فرموده‌اند: «معدهٔ آدمی، خانهٔ بیماریهای او است و پرهیز از غذا درمان آن است». بدیهی است آن‌گاه فواید بهداشتی روزه بهتر به دست می‌آید که روزه‌دار امساک روز را با زیاده‌روی در شب تلافی نکند، که پرخوری خود سبب زیانهای چشمگیری برای دستگاه گوارش است. با پیشرفت دانش پزشکی، برخی از پزشکان و متخصصان دریافته‌اند که امساک از خوردن و آشامیدن، عالی‌ترین روش درمانی است. طرح درمان به وسیلهٔ روزهٔ بسیار معجزه‌آسا است؛ به گونه‌ای که با به کار بستن آن مسیر، طرحها و برنامه‌های طب عملی و جراحی را تغییر خواهد داد. زیرا روزه راه تازه‌ای به روی دانش پزشکی می‌گشاید و ابزار مفیدی برای مبارزه با بیماریها است.

روزه هنگامی در بهبود بیماریها مؤثر است که با اعتدال و میانه‌روی همراه باشد و در هنگام سحر و افطار در خوردن و آشامیدن زیاده‌روی نشود. بررسی فواید بهداشتی و طبی روزه در این بیان اندک نمی‌گنجد و علاقه‌مندان می‌توانند به کتابهایی که در این زمینه تألیف شده است، مراجعه کنند. باید توجه داشت، بر خلاف تصور کوتاه‌اندیشان، روزه هیچ‌گونه زیانی برای افراد سالم مکلف ندارد. اما شایان ذکر است که فرد بیماری که نتواند روزه بگیرد می‌تواند پس از بهبودی قضای آن را به جای آورد. گاه روزه بیماری فرد را بیشتر می‌کند؛ از این رو چنین فردی باید از روزه گرفتن خودداری کند زیرا سبب فعل حرامی می‌شود.

فواید برتر روزه به جنبه‌های معنوی آن مربوط می‌شود. فواید جسمی روزه با اثرات معنوی آن که نقش مهمی در سازندگی تربیت و تزکیهٔ انسان دارد، قابل مقایسه نیست. اگرچه همان فواید طبی هم گواهی بر اصالت اسلام است زیرا این آیین فطری و آسمانی، چهارده قرن پیش با ژرف‌بینی و احاطه‌ای که تنها از آن خدای متعال است، در محیط جاهلیت عرب برای انسانها دستوراتی بنیان نهاده است که دانش پزشکی انسان متمدن عصر ما با پیشرفت خود، تنها به گوشه‌هایی از حکمت آن پی برده است.

۵۲. ری‌شهری، *میزان الحکمه*، ج ۲، ص ۱۸۶۸.

روزه و بازدارندگی از گناه

روزه انسان را از گناه بازمی‌دارد. روزه، به ویژه روزهٔ ماه مبارک رمضان که بر تمام مسلمانان مکلف واجب است. عامل مؤثر در ایجاد و تقویت روحیهٔ تقوی و پرهیزکاری است.

پیامبر بزرگوار (صلی الله علیه و آله) در خطبه‌ای فضیلتهای ماه رمضان را برای مسلمانان بیان فرمود؛ حضرت علی (علیه السلام) پرسید: بهترین اعمال در این ماه چیست؟ پیامبر پاسخ دادند: «الورعُ عنْ محارمِ الله»؛ اجتناب و پرهیز از گناهان است.

روزه‌دار با به کار بستن این دستور الهی، که شرط کمال روزه است، روح تقوی را در خود زنده می‌کند و این مراقبت ثمربخش در ماه مبارک رمضان و در حال روزه بسیار آسان‌تر است؛ زیرا گرسنگی، تشنگی و دیگر محدودیتهای روزه شعله‌های سرکش غرایز حیوانی و هوسها را به اندازهٔ چشمگیری خاموش می‌سازد و حتی اگر موقت هم باشد، گریبان عقل و جان را از چنگال شهوت رها می‌سازد و برای روزه‌دار زمینه‌ای آماده برای تمرین تقوی و پرهیزکاری فراهم می‌شود. نیروی بازدارنده در فرد روزه‌دار با مراقبت و تمرین پیاپی در یک ماه شکل می‌گیرد و رشد می‌کند و چنین فردی توفیق می‌یابد که پس از ماه روزه نیز پرهیزکار باقی بماند. بر این اساس چنین فردی به مقام پرارج تقوی، که به تعبیر قرآن و فرمودهٔ پیشوایان معصوم (علیهم السلام) کرامت انسان بدان وابسته است، برای همیشه دست می‌یابد.

روزه در تقویت ارادهٔ انسان نقش زیادی دارد. حکومت غرایز و شهوات بر انسان خطرناک‌ترین حکومتها است و آدمی را اسیر و بی‌اختیار می‌سازد و به پستی و رذالت می‌کشاند. مبارزه با سلطهٔ شهوات نفس که در اسلام جهاد اکبر نامیده می‌شود، به پایمردی و اراده‌ای استوار نیاز دارد. انسان با روزه‌داری که، پرهیز از خوردن، آشامیدن و برخی دیگر از اعمال است؛ در حقیقت با خواهشهای نفسانی خویش می‌جنگد و در برابر غرایز خود مقاومت می‌کند. این عمل قدرت اراده و تصمیم انسان را نیرومند می‌سازد و جان را از وابستگی حکومت و سلطهٔ هوسها و خواهشها می‌رهاند.

پیشوایان اسلام فرموده‌اند: «أفضَلُ الناسِ مَن جاهَدَ هَواه وأقوَی الناسِ مَن غَلَبَ هَواه»؛[۵۳] بهترین مردم کسی است که با هوای نفس مبارزه کند و نیرومندترین آنان کسی است که بر آن پیروز شود. پس روزه‌داران بهترین درمان هستند؛ زیرا با خواسته‌های نفسانی خویش مبارزه کرده‌اند. حال اگر با مراقبت و کوشش بتوانند بر نفس خود نیز چیره شوند از نیرومندترین مردمان نیز خواهند بود.

روزه و تقویت صبر

روزه سبب تقویت روحیهٔ صبر در فرد روزه‌دار می‌شود. «صبر» از ویژگیهایی است که در اخلاق اسلام بر آن بسیار تأکید شده است. انسان مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خویش در راه هدفهایی مبارزه می‌کند که بدون بهره‌مندی از خصلت صبر، پیروزی بر مشکلات و رسیدن به هدفها آسان نیست. صبر و مقاومت بر نیروی پایداری انسان می‌افزاید و ارادهٔ او را توانا می‌سازد. اگر جامعه‌ای تحمل ناگواریها را نداشته باشد نمی‌تواند بر مشکلات و بر دشمنان خویش پیروز گردد. با صبر و مقاومت است که می‌توان با ستمگران پیکار کرد و دست آنان را کوتاه نمود. روزه، به ویژه در روزهای گرم و طولانی تابستان که فشار تشنگی طاقت‌فرسا

۵۳. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق: سید حسین حسینی بیرجندی، دارالحدیث، ص ۱۳۱.

می‌شود، به گونه‌ای چشمگیر بر صبر و مقاومت انسان می‌افزاید و تحمـل رنـج و سـختی را بـر آدمـی آسـان می‌سازد.

قرآن کریم با توجه به همین اثر است که از روزه به صبر تعبیر کرده است و فرموده:

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ ؛[54] از صبر (روزه) و نماز کمک بگیرید.

امامان معصوم (علیهم السلام) در تفسیر این آیه فرموده‌اند کـه مـراد از صـبر همـان روزه اسـت. پیـامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) نیز ماه رمضان را ماه صبر نامیده است؛ «شهرُ الـصَّبرِ وإنَّ الـصبرَ ثوابُـه الجنـةُ»؛ رمضان ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است.

و امام صادق (علیه السلام) نیز به این ویژگی روزه اشاره فرموده است؛ هرگاه برای کسی حادثه‌ای جانکاه پیش آمد، روزه بگیرد که خدا فرموده است: وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ .[55]

روزه و قناعت

روزه با قناعت نیز ارتباط دارد. اسلام بر خلاف مکاتب مادی شرق و غرب، نعمتهـای مـادی دنیـا را وسـیله‌ای برای تکامل معنوی و رسیدن به سعادت جاوید می‌داند. به همین دلیل فرهنگ اسلام، فرهنـگ لـذت‌جـویی و مصرف نیست؛ بلکه فرهنگ قناعت و ایثار است. در روشهای مادی تن آدمی و خور و خـواب او اصـالت دارد و حرص و آز گریبانگیر افراد است؛ اما در اسلام اصالت با معنویـت انـسان اسـت و قناعـت، ایثـار و فـداکاری از راههای رسیدن به مراتب برتر انسانیت به شمار می‌آید. روزه فریضه‌ای است که مسلمانان را از غرق شـدن در دریای آز و حرص بازمی‌دارد و به او می‌آموزد که چگونه بر خواهشهای جسمانی خویش چیره شود و به انـدازهٔ نیاز مصرف کند و از اسراف و تبذیر بپرهیزد.

روزه مسلمانان را به مناعت و قناعت دعوت مـی‌کنـد. ارزش ایـن صـفات و تـأثیر آن در ایجـاد صـفات برجسته، همچون زهد، جود و بخشش بسیار است. مرد قانع، از دیگران بی‌نیاز است و تـن بـه ذلـت و خـواری نمی‌دهد. جامعه‌ای که روح قناعت در آن رشد یافته باشد، بر خـود متکـی خواهـد بـود و بـا دوری از مـصرف بی‌رویّه می‌تواند از بیگانگان بی‌نیاز باشد.

روزه و همدردی با فقیران

پیشوایان گرامی دین ماه رمضان را ماه مواسات نامیده‌اند. از نتایج آشکار روزه، همدردی کردن با مـستمندان و همنوعان تنگدست است. آنان که زندگی آسوده‌ای داشته‌اند و هرگز رنج فقر و طعم گرسـنگی را نچـشیده‌انـد، ممکن است از حال مستمندان بی‌خبر باشند و روزه وسیله‌ای است برای بیداری آنهـا از خـواب غفلـت و آنهـا بدین وسیله می‌آموزند که چگونه از مستمندان فقیر دستگیری کنند.

در ماه مبارک رمضان به احسان، اطعام و انفاق به مستمندان بسیار سفارش شده است همچنین گرسنگی و تشنگی روزه سبب درک رنج انسان مستمند می‌شود و بر این اساس ثروتمنـد بـه فقیـر نزدیـک مـی‌شـود و احسان و انفاق فزونی می‌یابد. مواسات در لغت به معنای یاری رساندن به یکدیگر است و مـاه رمـضان بـدین

---

٥٤. بقره/ ٤٥.

٥٥. همان.

سبب ماه مواسات نامیده شده است تا مسلمانان نسبت به یکدیگر به احسان بپردازند و با تمرین بر این صفت ارزندهٔ انسانی، جامعه را از حقد و کینه برهانند و برادروار در کنار هم از نعمتهای الهی بهره بگیرند. شایسته است، روزه‌داران به تمام نکات انسانی روزه توجه کنند و چنان‌که سزاوار این ماه است، عمل کنند تا همگان از برنامه‌های سازندهٔ اسلامی بهره‌ور شوند.

از حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام) پرسیدند: «چرا روزه واجب شده است» فرمودند: «تا ثروتمند درد گرسنگی را دریابد و به فقیر توجه کند.»[٥٦] هشام از امام صادق (علیه السلام) علت روزه را پرسید، امام فرمود:

> خداوند روزه را واجب کرد تا غنی و فقیر با هم مساوی باشند و بدان جهت که غنی رنج گرسنگی را لمس نکرده است تا به فقیر رحم کند و هر وقت چیزی خواسته قدرت به دست آوردن آن را داشته است، خدا خواسته است که میان بندگانش یکنواختی به وجود آورد و خواسته است، ثروتمند طعم گرسنگی را بچشد و اگر جز این بود، ثروتمند بر مستمند و گرسنه ترحم نمی‌کرد.[٥٧]

نظم و انضباط

وقت‌شناسی و نظم و انضباط از مظاهر تمدن انسانی و از عوامل مهم توفیق و پیشرفت است. برخی افراد گمان می‌کنند که نظم و انضباط از ویژگیهای زندگی غربیان و تمدن آنها است؛ آموزه‌های اصیل اسلامی انسانها را بارها به آن سفارش فرموده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نخستین فرازهای وصیتش به فرزند خود چنین می‌فرماید:

> أوصيكُما وَجميعَ وُلدِي وَأهلي ومَن بَلَغَه كتابي بِتَقوى اللهِ وَنَظْمِ أمرِكم.[٥٨]
>
> شما و همهٔ فرزندان و بستگانم و هر کسی که وصیت من به او برسد، به تقوی و نظم در کارها سفارش می‌کنم.

در فرایض اسلامی نظم و انضباط مشاهده می‌شود. هر یک از نمازهای پنج‌گانه را باید در وقت مخصوص آن به جای آورد و حتی یک دقیقه نیز نمی‌توان از حدود آن تجاوز کرد. مراسم حج نیز باید در وقت و مکان مخصوص به خود انجام شود. همچنین روزهٔ ماه مبارک رمضان نیز با دیدن هلال ماه رمضان شروع و با دیدن هلال ماه شوال پایان می‌یابد و نیز روزهٔ هر روز از سپیده‌دم آغاز و در مغرب پایان می‌پذیرد. با توجه به اینکه ماه رمضان ماه قمری است، طبعاً به سبب فصلها زمان ماه رمضان تغییر می‌کند. یعنی گاه ماه رمضان در روزهای بلند تابستان و گاه در روزهای کوتاه زمستان قرار می‌گیرد. از این رو باید به لحظه و دقیقهٔ شروع سپیده‌دم و آغاز مغرب توجه کرد. روزه‌دار به هیچ وجه نمی‌تواند از نظام آن سرپیچی کند و این خود درسی برای مسلمانان است که باید با دقت و نظم امور خویش را در زندگی نیز تنظیم کنند.

برای آگاهی بیشتر از آثار و فواید روزه در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی به منابع زیر مراجعه کنید:

الف) *روزه درمان بیماریهای روح و جسم*، سید حسین موسوی راد؛

---

٥٦. *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ٤٣، ح ۱.

٥٧. همان. ص ٧٣، ح ١٧٦٦.

٥٨. *نهج البلاغه*، نامهٔ ٣١.

ب) *روزه روش نوین برای درمان بیماریها*، آلکس سوفورین، ترجمۀ محمدجعفر امامی؛
ج) *راز روزه: کاوشی در آثار جسمی، روانی و اجتماعی روزه*، محمدجواد شیخ شعاعی؛
د) *آثار الصوم فی دار الدنیا*، هاشم موسوی جزایری؛
ه) *ماه خدا* (پژوهشی جامع دربارۀ ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث)، محمدی ری‌شهری.

چکیده

- ✓ موضوع درس فقه الحدیث (۳)، بررسی فقهی روایات «کتاب الصوم» مبتنی بر روش و اصول استنباط فقه شیعی است. مبنای گزارش روایات «کتاب الصوم» کتاب حدیثی *وسائل الشیعۀ* شیخ حر عاملی است.
- ✓ در درس فقه الحدیث (۳) به مباحثی چون معناشناسی صوم، تشریع روزه در کتاب و سنت، احکام ماه مبارک رمضان، آداب روزه‌داری، مفطِرات روزه، بررسی روایات کراهت حجامت برای روزه، روزۀ عاشورا و تاسوعا، روزه‌های مستحبی، روزۀ مسافر و قضای روزه خواهیم پرداخت.
- ✓ صوم در لغت به دو معنا است؛ الف) ترک و امساک؛ ب) ایستایی از حرکت. با جمع‌بندی این دو معنا چنین برمی‌آید که لازمۀ پرهیز از انجام یک عمل، ایستایی از حرکت به سوی آن است.
- ✓ صوم در اصطلاح شرع در خصوص خودداری از کارهای معینی استعمال شده و حوزۀ معنایی خاص یافته است و به اصطلاح دانشیان اصول فقه حقیقت شرعیه شده است.
- ✓ بر اساس آیۀ «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ»، اصل آموزۀ روزه تنها به اسلام اختصاص ندارد و در همگی یا بیشتر ادیان آسمانی به گونه‌ای وجود داشته است.
- ✓ در قرآن آیات ۱۸۳ تا ۱۸۵ سورۀ بقره به اصل تشریع آموزۀ روزه در اسلام، حکمت تشریع و برخی از شرایط کلی آن پرداخته است که بخش «کُتِبَ علیکم الصیامُ» به حکم وجوبی روزه و بخش «لعلکم تَتَّقُونَ» به حکمت تشریعی آن اشاره دارد.
- ✓ معصومان (علیهم السلام) به سبب اهمیت عبادی روزه در اسلام، در تبیین جایگاه، هدف، نقش تربیتی و اصلاحی روزه در مسیر هدایت و کمال انسان اهتمام زیادی داشته‌اند؛ از این رو در روایات برای تبیین جایگاه و ابعاد گوناگون روزه، اوصاف زیادی وارد شده است.
- ✓ روزه آثار جسمی، روانی و اجتماعی فراوانی دارد که می‌توان به برخی از آثار آن اشاره کرد؛ سلامتی جسم، روزه و بازدارندگی از گناه، روزه و تقویت صبر، روزه و قناعت، روزه و همدردی با فقیران، نظم و انضباط.

جلسهٔ دوم

آشنایی با برخی از احکام ماه مبارک رمضان

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ احکام ماه مبارک رمضان؛
- ✓ معیارهای رؤیت هلال ماه رمضان.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، پس از تبیین موضوع درس فقه الحدیث (۳) به معناشناسی صوم پرداختیم و سپس به جایگاه و آثار آن در اسلام اشاره نمودیم. اکنون در این درس با برخی از احکام ماه مبارک رمضان آشنا خواهیم شد.

احکام ماه مبارک رمضان

مفهوم و نمونه

مقصود از احکام ماه مبارک رمضان، مجموعه مسائلی است که پیرامون ساحت بیرونی این ماه در روایات با صبغهٔ فقهی مطرح شده است و به تبع آن فقیهان نیز در آثار خود بدانها پرداخته‌اند. ماه مبارک رمضان در چنین مباحث فقهی، به عنوان یک موضوع کلی ـ فراجزئی ـ تحلیل می‌شود؛ همانند ادلهٔ وجوب روزهٔ ماه رمضان، نشانه‌های تشخیص فرارسیدن ماه مبارک رمضان، امکان ۲۹ روز بودن ماه رمضان و ... . این مباحث در پیرامون یا به دیگر سخن در ساحت بیرونی این ماه مطرح هستند و همانند احکام داخلی و جزئی آن نیستند که معمولاً پس از تحقق و تثبیت موضوع کلی دربارهٔ آن بحث پیدا می‌شود. در این جلسه دربارهٔ برخی از احکام پیرامونی یا بیرونی مهم این ماه سخن می‌گوییم.

وجوب قرآنی ـ روایی روزهٔ ماه رمضان

جستجو از پیشینه قرآنی مسئله یا آموزه، یکی از گامهای نخستین استنباط فقهی در مرحلهٔ گردآوری گزاره‌های شرعی است. در این راستا باید به سؤالهای زیر پاسخ گفت؛ نظر تشریعی قرآن چیست؟ قرآن در رد یا اثبات مسئله چه حکمی دارد؟ و ... .

فقیه برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی به قرآن مراجعه می‌کند، نظر نهایی قرآن را به دست مـی‌آورد و در نهایت آن را سنگ محک و معیار سنجش، گزاره‌های غیرقرآنی قرار می‌دهد.

در جلسهٔ نخست دربارهٔ وجوب قرآنی روزهٔ ماه رمضان بر این نکته تأکید شد که عبـارت کُتِـبَ عَلَـيْكُمُ الصِّيامُ از آيهٔ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [۵۹] کنایه از واجب شدن عمل روزه بر مسلمانان است. در روایتی نیز «كُتِبَ» در این آیه به «فُـرِضَ» بـه معنـای وجـوب، تفسیر شده است.[۶۰] اما آنچه در این جلسه بررسی می‌شود، ادلهٔ روایـی روزهٔ مـاه رمـضان و چگـونگی دلالـت وجوبی آنها بر این عمل است. شایان ذکر است که روایات این باب نسبت به آیات قرآنـی وجـوب روزه، جنبـهٔ تفسیری و تأییدی دارند.

معناشناسی «فرض» و «وجوب»

سه مادهٔ «كَتَبَ»، «فَرَضَ» و «وَجَبَ» از واژگانی پرکاربرد هستند که در قرآن و روایات در بـاب بیـان وجـوب روزهٔ ماه رمضان و دیگر آموزه‌های وجوبی اسلام، از آنها استفاده شده است. تبیین قلمـرو معنـایی «فـرض» و «وجوب» که در لسان آیات و روایات بیشترین کاربرد را دارند و تأثیر تفاوت معنایی آنها با یکدیگر در به دست آوردن حکم آموزه‌های شرعی، از دانسته‌های بنیادی و گامهای نخستین در فقه الحدیث است.[۶۱] آنچه در اینجا به اختصار می‌توان بدان اشاره کرد، اشتراک معنایی سه واژهٔ پیش‌گفته در حوزهٔ معنـایی «الـزام» و «وجـوب» است. در این میان دلالت «كَتَبَ» بر الزام و وجوب مجازی خواهد بود. یکی از معانی «فَـرَضَ»، بنـا بـر گفتـهٔ واژه‌پژوهان چیره‌دستی چون فراهیدی[۶۲] و جوهری،[۶۳] «ایجاب و وجوب» اسـت. جـوهری در ایـن بـاره گفتـه است: «فَرَضَ اللهُ علينا: أوجَبَ؛ وَفرائضُ اللهِ: حدودُه»؛[۶۴] فریضه هم اسم است بـر هـر آنچـه کـه خداونـد بـر بندگانش واجب نموده است و حدود و نشانه‌های خاص خود را دارد.[۶۵]

وجوب در اصل به معنای «سقوط و از بالا به زیر شدن» است؛ مثال ابوهلال گویـای ایـن معنـا اسـت؛ «وَجَبَ الحائطُ وَجْبَةً أي سَقَطَ»؛[۶۶] یعنی دیوار از بالا فرو ریخت. با بهره گرفتن از این معنا، استعمال واجـب در شرعیات اشارتی است به خاستگاه صـدوری حکـم از ناحیـهٔ شـارع کـه در اندیـشهٔ اسـلامی جایگـاهی والا و بلندمرتبه دارد.

---

۵۹. بقره/ ۱۸۳.

۶۰. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

۶۱. برای فهم و درک دقیق این بخش از درس می‌توانید به پیوست شمارهٔ (۱) مراجعه کنید.

۶۲. فراهیدی، *العین*، ج ۷، ص ۲۹.

۶۳. جوهری، *الصحاح*، ج ۳، ص ۱۰۹۷.

۶۴. همان.

۶۵. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۳۸۶.

۶۶. أبوهلال عسکری، *فروق اللغویه*، ص ۴۰۰.

سنخ‌شناسی حکم روزه، در آینهٔ روایات

ادلهٔ روایی صوم صراحت در این معنا دارند[۶۷] که حکم روزه در میان احکام از نوع وجوب است و بر مکلّفان است که این عمل را در مدت معینی با شرایطی خاص به جای آورند و هرگاه روزه را بدون عذر شرعی ترک کنند، در دنیا و در آخرت به تناسب نوع و مقدار ترک آن مجازاتی خاص در انتظارشان خواهد بود.[۶۸]

برای روشن شدن چگونگی دلالت روایات بر وجوب، لازم است از اقسام فعل انسانی و اصطلاحات شرعی به کار رفته دربارهٔ آنها، آگاهی داشته باشیم.[۶۹]

در این میان حکم روزه، از نوع سوم افعال انسانی یعنی وجوب است و الزام آن از ناحیهٔ شرع و به طور دقیق‌تر از سوی خداوند است که به طور مستقیم در کتاب و با واسطهٔ پیامبر اسلام و خلفای برحقش در سنت، تشریع و ابلاغ شده است. افزون بر آیات قرآنی، روایات فراوانی در باب وجوب روزه از معصومان صادر شده است که در بخش بعد دربارهٔ آنها سخن خواهیم گفت.[۷۰]

ساختارشناسی بیانی وجوب روزه در روایات

نکتهٔ دیگر در مباحث اجتهادی، که فقیهان نیز به آن توجه می‌کنند، شناخت ساختارهای بیانی، گزاره‌های شرعی است که برای تشریع و ابلاغ احکام از آنها استفاده شده است. از دیدگاه کلی این ساختارها به دو قسم کلیدواژه و اسلوب تقسیم می‌شوند. مباحث الفاظ و مفاهیم اصول فقه، ساختارهای بیانی در حوزهٔ تشریع را تبیین می‌کنند؛ از این رو باید، دانسته‌های فعالی از این مباحث، به هنگام تحلیل گزاره‌های شرعی، در ذهن فقیه باشد.[۷۱] برای بیان حکم وجوب روزه، از ساختارهای گوناگونی در روایات استفاده شده است؛ به این معنا که از هر دو ساختار پیش‌گفته در تشریع و ابلاغ، حکم وجوبی و الزامی روزه استفاده شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

کلیدواژه

مقصود از کلیدواژه، استفاده از واژگان و اصطلاحات بنیادینی است که در زبان و عرف شرعی، مفهوم تشریعی خاصی دارند و بنا بر نوع حکم متغیر هستند.

الف) فرض

ـ «... وصیامُ شهرِ رمضانَ فریضةٌ.»[۷۲]

---

۶۷. به اصطلاح اصولی نص هستند.

۶۸. به اصطلاح اصولی، نص هستند؛ زیرا احتمال معنای دیگری غیر از وجوب، از این روایات به ذهن متبادر نمی‌شود.

۶۹. برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در این زمینه به پیوست شماره (۲) مراجعه کنید.

۷۰. برای آگاهی بیشتر از متن آنها ر.ک: *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۴۸ ـ ۲۳۹.

۷۱. برای کسب آگاهیهای بیشتر ر.ک: عبدالهادی مسعودی، *روش فهم حدیث*، ص ۱۰۷ ـ ۷۳.

۷۲. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۴۲.

ـ «... إنَّ شهرَ رمضانَ فریضةٌ مِن فرائضِ اللهِ عزّ وجلّ.»[۷۳]

ب) واجب

ـ «أمّا الواجبُ فَصیامُ شهرِ رمضانَ.»[۷٤]

ـ «الصَّومُ علی أربعینَ وَجهاً: فَعَشْرَ أوجَهٍ مِنها واجبةٌ کَوُجوبِ شهرِ رمضانَ.»[۷٥]

ج) امر

«وإنَّما أمَرُوا بِصومِ شهرِ رمضانَ، لا أقَلَّ مِن ذلکَ ولا أکثرَ.»[۷٦]

د) کَلَّفَ

ـ «... وذَکَرَ الفَرائضَ ثم قال: إنَّما کَلَّفَهم صیامَ شَهرٍ مِن السنةِ وهم یُطیقُونَ أکثرَ مِن ذلک.»[۷۷]

«فرض»، «امر»، «واجب» و «کَلَّفَ»، نص در وجوب روزه هستند. در این باره، حدیثی مشهور از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است که از سوی امامان شیعه روایت شده است. پیامبر اکرم در بخشی از خطبهٔ خود در آخرین جمعهٔ ماه شعبان چنین می‌فرماید:

> أیها الناسُ، إنَّه قد أظَلَّکم شهرٌ فیه لیلةٌ خیرٌ مِن ألفِ شهرٍ، وهو شهرُ رمضانَ، فَرَضَ اللهُ صیامَه.[۷۸]
>
> ای مردمان آگاه باشید که بر شما ماهی رو کرده است که در آن شبی است بهتر از هزار شب و آن ماه رمضان است که خداوند روزهٔ آن را واجب کرده است.

فراز پایانی این بخش از حدیث (فَرَضَ اللهُ صیامَه)، نص در تشریع الهی روزهٔ به گونهٔ وجوب است. از واژهٔ «فَرَضَ» می‌توان به وجوب آن پی برد.

اسلوب بیانی

منظور از اسلوب هم، نوع سبک بیانی گزاره است که برای انتقال معنا و مفهومی خاص به شکل گسترده، در گزاره‌های شرعی از آن استفاده شده است.

پرسشی ـ تکلیفی

برخی از روایات نیز از ساختار پرسشی ـ تکلیفی برای بیان حکم وجوبی روزه استفاده کرده‌اند. در این روایات به این نکته اشاره شده است که از بندگان به جز نماز و زکات، دربارهٔ روزهٔ ماه رمضان نیز در رستاخیز سؤال

---

۷۳. همان، ص ۲٤٦.

۷٤. همان، ص ۲٤۱.

۷٥. همان.

۷٦. همان، ص ۲٤۲.

۷۷. همان، ص ۲٤۷.

۷۸. همان، ص ۲۳۹.

می‌شود. این روایات تلویحاً، وجوب روزه را می‌رسانند؛ زیرا مطابق مبانی کلامی تکلیف، پرسش خداوند در برابر تکالیف واجب است نه مستحبی. برخی از این روایات چنین است:

ـ «لا یَسألُ اللهُ العبدَ عن صلاةٍ بعدَ الخَمس، ولا عن صومٍ بعدَ رمضانَ.»[۷۹]

ـ «لا یَسألُ اللهُ عبداً ... عن صدقةٍ بعدَ الزكاة، ولا عن صومٍ بعدَ شهرِ رمضانَ.»[۸۰]

همچنین با استفاده از وحدت ملاک، می‌توان وجوب روزه را از روایات اشاره‌شده استنباط کرد. با این توضیح که در این روایات، انجام نماز همانند امتثال روزه، ملاک و معیاری مشترک و واحد دارد که بر اساس آن معیار، دربارهٔ آن واحد پرسش می‌شود. آن معیار واحد در نماز وجوب است، پس در روزه نیز همان معیار، حاکم و مورد عمل خواهد بود و دربارهٔ هر دو عمل، بدان سبب که تکلیف واجب هستند، سؤال می‌شود. از طریق اشتراک حکم عاطف و معطوف نیز می‌توان به چنین استنباطی دست یافت.

شایان ذکر است که روایات اشاره‌شده در صدد شمارش به گونهٔ حصریِ موارد پرسش در قیامت نیستند؛ به سخن دیگر جهت بیانی این گونه روایات، شمارش کامل تکالیف واجب نیست؛ بلکه معصوم از باب تمثیل، وجوب روزه را به وجوب نماز و زکات پیوند داده است.

رؤیت هلال

نشانه‌های تشخیص فرارسیدن و پایان یافتن ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مبتلا به دورهٔ معصومان بوده که در ادوار بعدی نیز تا دورهٔ معاصر همواره از اهمیتی خاص برخوردار بوده است. اهمیت ویژهٔ آن بدان سبب است که روزهٔ ماه رمضان، میان حکم وجوب در آغاز و حرمت در پایان، به علت حرمت روزهٔ اول شوال (عید فطر)، قرار دارد و امتثال کامل حکم، دقت خاصی را می‌طلبد. آشنا شدن با روایات این بحث و نوع تعامل فقهی فقیهان با روایات معصومان در این مسئله، ضروری است.

معیارهای روایی تشخیص آغاز و پایان ماه رمضان

روایات در باب نشانه‌های تشخیص فرارسیدن و پایان یافتن ماه رمضان، برخی معیار کیفی ـ حسی و برخی دیگر معیار کمّی ـ عددی را ملاک عمل قرار داده‌اند. منظور از معیار کیفی، دیدن هلال ماه رمضان است که به معیار رؤیت هلال معروف است. منظور از معیار کمّی هم سپری شدن سی روز کامل از ماه یا شهادت دو مرد عادل بر رؤیت و ... است. با تحقق یکی از این دو معیار، ماه مبارک رمضان فرا رسیده است و روزه بر مکلفان دارای شرایط واجب می‌شود و هنچنین با تحقق یکی از این دو معیار دربارهٔ هلال ماه پسین رمضان (شوال) زمان روزه به پایان می‌رسد و وجوب ماه پیشین مبنی بر امساک، از عموم مکلّفان برداشته می‌شود. این امر نشانهٔ آن است که ماه رمضان پایان یافته و وجوب عمل به روزه تمام شده است و مکلفان باید افطار کنند.

---

۷۹. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲٤۸.

۸۰. همان، ص ۲٤۷.

تواتر معنوی روایات رؤیت هلال

در باب رؤیت هلال ۲۸ روایـت در *وسائل الشیعه* به اسناد مختلف از امامان معصوم (علیهم السلام) با مضمون مشترک گزارش شده است که شاید بتوان گفت متواتر معنوی هستند؛ هر چند تواتر لفظـی آنهـا نیـز قابـل طرح است. متن برخی از این روایات چنین است:

ـ فإذا رأيتَ الهلالَ فَصُمْ، وإذا رأيتَه فَأَفْطِرْ.

ـ إذا رأيتُم الهلالَ فَصُوموا، وإذا رأيتُموه فأفطِروا، وليس بالرأي ولا بِالتَّظَنِّي ولكن بِالرؤيةِ.

ـ الصومُ لِلرؤيةِ والفَطْرُ للرؤيةِ.

ـ صُوموا للرؤيةِ وأفطِروا للرؤيةِ.

ـ لا تَصُمْ إلا للرؤيةِ.

ـ صيامُ شهرِ رمضانِ بِالرؤيةِ وليسَ بِالظنِّ.

ـ إذا رأيتُم الهلالَ فَأفطِروا ... .

ـ وصيامُ شهرِ رمضانَ فريضةٌ، يُصامُ للرؤيةِ ويُفطَرُ للرؤيةِ.

بقیهٔ روایات نیز با این مضمون و در بیشتر موارد با تکرار همین الفاظ گزارش شده‌اند.[۸۱]

تقدم رتبه‌ای معیار رؤیت بر عدد

رؤیت هلال (دیدن اول هلال ماه رمضان و شوال) در وجوب امساک یا وجوب افطار، تقـدم رتبـه‌ای بـر معیـار عددی (سی روز) دارد و حاکم بر آن است. به این معنا که با رؤیت هلال ماه، به حـصول معیـار کمّـی نیـازی نیست؛ زیرا دیده شدن هلال ماه جدید، کاشف از پایان ماه پیشین است. گاهی دیده شـدن هـلال مـاه جدیـد ممکن است؛ روز بیست و نهم آن ماه اتفاق بیفتد در این هنگام نیز دیده شدن یک روز زودتر هلال ماه، دلیـل بر پایان ماه جاری و فرارسیدن ماه جدید خواهد بود. این قاعدهٔ نجومی به مانند دیگر ماههای سـال در آغـاز و پایان ماه مبارک رمضان هم ساری و جاری بوده و مدار احکام این ماه مبتنی بر آن است.

بیست و نه روز بودن ماه رمضان

دربارهٔ امکان دیده شدن هلال ماه رمضان، در روز بیست و نهم آن ماه، هـیچ توجیـه علمـی و منطقـی وجـود ندارد که پیش‌فرض ما این باشد که همهٔ ماههای مبارک رمضان باید سی روزه باشند و مکلفان باید بر اسـاس معیار عددی امساک و افطار کنند، آن‌گونه که برخی بر این باور هستند. اما آنچه در روایات و آیات بر آن تأکید شده است؛ امساک و افطار بر اساس معیار رؤیت است که ممکن است بر اساس شرایط خاص نجومی و جـوّی رؤیت هلال ماه تازه به موقع یا اندکی دیرتر دیده شود. حال اگر در آغاز ماه رمضان، هلال آغازین رؤیت نشود و از ماه پیشین (شعبان) سی روز سپری شده باشد، به طور قطع روز بعدش، اول ماه رمضان است هر چند کـه هلال آن رؤیت نشده باشد؛ زیرا بیشترین عدد یک ماه سی روز است. در پایان ماه رمضان نیز بـه همـین‌سـان عمل خواهیم کرد.

۸۱. برای آگاهی از اسناد و متن کامل روایات بنگرید: *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲٦۰ ـ ۲۵۲.

امکان رؤیت هلال ماه رمضان در روز بیست و نهم، افزون بر اینکه، یک مطلب مسلّم نجومی است، در این‌باره روایت هم گزارش شده است. هر چند در روایات، ضرورتی در حصر تعداد روزهای این ماه در عدد سی، بیان نشده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین آمده است:

إذا صُمتَ لِرؤيةِ الهلالِ وأفطَرْتَ لرؤيتِهِ فَقَدْ أكمَلْتَ صيامَ شهرِ رمضانَ؛ وإنْ لَم تَصُمْ إلا تِسعَةَ وعشرينَ يوماً. فَإنَّ رسولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله) قال: الشهرُ هكذا وهكذا وهكذا، وأشارَ بيدِهِ إلى عشرةٍ وعشرةٍ وتسعةٍ.

اگر با رؤیت هلال رمضان روزه گرفتی و با رؤیت هلال شوال افطار نمودی به حتم روزهٔ ماه مبارک رمضان را به طور کامل درک نموده‌ای، هر چند که تعداد روزه‌هایی که روزه گرفتی بیش از ۲۹ روز نباشد. همانا رسول خدا فرموده است: ماه چنین و چنان و چنین است و حضرت با دستانش اشاره کرد: ده، ده و نه.[۸۲]

نکات هفت‌گانهٔ فقه الحدیثی روایت امام صادق (علیه السلام)

از میان روایات باب رؤیت هلال ماه رمضان، روایتی از امام صادق (علیه السلام) گزارش شده که در آن به هر دو معیار اشاره شده است. اینک این روایت را بررسی می‌کنیم:

عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: في كتاب عليٍّ (عليه السلام): صُمْ لرؤيتِه، وأفطِر لرؤيتِه، وإياكَ والشكَ والظنَّ، فإنْ خُفِيَ عليكم فَأتِمُّوا الشهرَ الأولَ ثلاثينَ.[۸۳]

امام صادق (علیه السلام) فرمود: که در کتاب علی (علیه السلام) آمده است: با دیده شدن هلال ماه مبارک رمضان روزه بدار و با رؤیت هلال شوال افطار کن (روزهٔ ماه را به پایان رسان) و از شک و گمان بپرهیز. اگر هلال ماه بر شما در خفا ماند، ماه قبلی را سی روز تمام کنید.

تحلیل فقهی روایت عبارت‌اند از:

۱ـ مراد از ضمیر «ـه» در «صُمْ لرؤيته»، هلال ماه رمضان و در «أفْطِرْ لرؤيته» هلال ماه شوال است. همچنین مقصود از «الشهرَ الأول» نیز ماه شعبان و رمضان است.

۲ـ وجوب روزه گرفتن ماه مبارک و افطار آن مشروط به رؤیت هلال ماه رمضان و شوال است و این به صراحت از عبارت «صُم لرؤيته، وأفطِر لرؤيته» به دست می‌آید. هر دو امر «صُم» و «أفطِر» شرط مشترک دارند و آن رؤیت است.

۳ـ رؤیت از لحاظ فرد رؤیت‌کننده، تعداد افراد رؤیت‌کننده، چگونگی رؤیت (مستقیم یا با واسطهٔ ابزار) مقیّد به قید و حال خاصی نشده است و از این رو اطلاق دارد.

٤ـ در رؤیت حصول علم و یقین شرط است و احتمال و حدس کافی نیست. از این رو با «و إياكَ» ـ از صیغ نهی ـ از عمل به هر گونه ظن و گمان در مسئلهٔ رؤیت ماه، همانند سخن منجمان، پیش‌بینی تقویمها، نهی شده است. در روایاتی دیگر نیز به گونه‌های مختلف به این معنا تأکید شده است؛ همانند:

۸۲. همان، ص ٢٥٦.

۸۳. *وسائل الشيعه*، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

ـ «... وليسَ بالرأيِ ولا بِالتَّظَنِّي ولكن بِالرؤية.»[٨٤]
ـ «صيامُ شهرِ رمضانَ بالرؤيةِ وليسَ بالظن.»[٨٥]
ـ «إنَّ شهرَ رمضانَ فريضةٌ مِن فرائضِ اللهِ فلا تُؤَدُّوا بِالتَّظَنِّي.»[٨٦]

۱ـ در صورت عدم رؤیت هلال رمضان، معیار عددی جایگزین آن می‌شود و آن معیار در اینجا سپری شدن سی روز کامل از ماه پیشین است. به بیانی روشن و ساده اگر هلال ماه رمضان پنهان ماند و رؤیت نشد، ملاک عمل برای وجوب روزه، سپری شدن سی روز کامل از ماه شعبان است. عمل به این معیار واجب است و وجوب آن از فعل امر «فَأتِمُّوا» در عبارت «فأتِمُّوا الشهرَ الأولَ ثلاثينَ» استنباط می‌شود.

۲ـ همچنین اگر هلال ماه شوال رؤیت نشد، ملاک عمل برای وجوب افطار (پایان یافتن مدت وجوب روزهٔ ماه رمضان) سپری شدن سی روز کامل از ماه رمضان خواهد بود. عمل به این معیار واجب است و وجوب آن از فعل امر «فأتموا» در عبارت «فأتموا الشهر الأول ثلاثين» استنباط می‌شود.

۳ـ پیش‌فرض نجومی دو حکم پیشین چنین است که حداکثر زمانی یک ماه سی روز است و معمولاً پس از به پایان رسیدن سی روز، ماه نو فرا می‌رسد و هلال آغازین آن در افق پدیدار می‌شود، اما هرگاه پیش از تمام شدن سی روز (روز بیست و نهم) هلال ماه جدید دیده شود، باید روز بعد آن، امساک یا افطار کرد. زیرا اولاً رؤیت، بر عدد تقدم رتبی داشته و کاشف به پایان رسیدن ماه پیشین است؛ ثانیاً در برخی از موارد امکان رؤیت هلال ماه در پایان روز ۲۹ آن ماه نیز وجود دارد. این نکته در روایتی از امام صادق (علیه السلام) به درستی و دقت تمام، چنین آمده است:

> إذا صُمْتَ لرؤيةِ الهلالِ وأفطَرْتَ لرؤيته فَقَدْ أكمَلْتَ صيامَ شهرِ رمضانَ؛ وإنْ لَمْ تَصُمْ إلا تسعةَ وعشرينَ يوماً فَإنَّ رسولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله) قال: الشهرُ هكذا وهكذا وهكذا، وأشارَ بيده إلى عشرةٍ وعشرةٍ وتسعةٍ.[٨٧]

امام در این روایت تأکید دارند که امساک و افطار بر اساس رؤیت، در امتثال روزهٔ ماه رمضان کافی است؛ هر چند که رؤیت هلال ماه شوال در روز ۲۹ رمضان اتفاق افتاده باشد.

پیوست (۱)

معناشناسی «فرض» و «وجوب»

«فرض» معانی مختلفی دارد. یکی از معانی آن به گفتهٔ واژه‌پژوهان چیره‌دستی چون فراهیدی،[٨٨] جوهری[٨٩] و

٨٤. همان، ص ٢٥٢.
٨٥. همان، ص ٢٥٣.
٨٦. همان، ص ٢٥٦.
٨٧. حر عاملی، *وسائل الشيعه*، ج ١٠، ص ٢٥٦.
٨٨. فراهیدی، *العين*، ج ٧، ص ٢٩.
٨٩. جوهری، *الصحاح*، ج ٣، ص ١٠٩٧.

ابوهلال عسگری،[۹۰] طریحی[۹۱] «ایجاب و وجوب» است. جوهری گفته است: «فَرَضَ اللهُ علینا: أوجَبَ؛ والفرائضُ الله: حدودُه».[۹۲] «فریضه» اسم است بر هر آنچه که خداوند بر بندگانش واجب نموده است و حدود و نشانه‌های خاص خود را دارد.[۹۳]

«فَرَضَ» به معنای «أوجَبَ» با مشتقاتش در قرآن به کار رفته است.[۹۴] در آیهٔ الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ ؛[۹۵] یعنی حج در ماههای معینی است. پس هر کس در این [ماه]ها، حج را [بر خود] واجب گرداند، در این آیه «فرضَ» به معنای تعیین وقت (التوقیت أي وقته أو أوجبه) است.

در آیهٔ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ [۹۶] «فَرَضَ» به معنای «أوجَبَ علیکَ تلاوتَه بِتبليغِه والعملِ بِما فيه» است.[۹۷]

«وجوب» در اصل به معنای سقوط است؛ «وَجَبَ الحائطُ وَجْبَةً أي سَقَطَ»؛[۹۸] دیوار از بالا فرو ریخت.

تفاوت «فرض» با «وجوب» در این است که مفروض (شیء فرض‌شده) اقتضا دارد، فارضی (فرض‌کننده) داشته باشد؛ اما در واجب چنین اقتضایی لازم نیست. زیرا گاهی یک چیز به تنهایی و بدون ایجاب موجبی، واجب می‌شود و از این رو است که خداوند ثواب و عقاب بر آن مترتب می‌کند مانند وجوب و الزام ذاتی. از این رو لازم نیست در این موارد، اصطلاح فرض به کار رود.

مبتنی بر تفاوت پیشین، فریضهٔ اخص از واجب است. فرض آن است که خداوند (شارع) بندگانش را به انجام آن امر نموده است؛ همانند نماز و روزه و همانند آن دو، اما وجوب، چنین اختصاصی به امر الهی ندارد.[۹۹] به دیگر سخن «فرض» جز از سوی خداوند صادر نشود؛ ولی ایجاب هم از سوی خدا (شارع) و غیر ایشان امکان صدور دارد.[۱۰۰] همچنین «فرض» در عقلیات به خلاف واجب آن کاربردی ندارد. گاه فرض و واجب در شرعیات معنای مشترک دارند؛ همانند: «صلاةُ الظهر واجبةٌ وفَرْضٌ»[۱۰۱] که به معنای امر وجوبی است.

«فرض» به معنای ایجاب، در اوامر کاربرد دارد و این ویژگی سبب بازشناختن فرض از «حتم» می‌شود که در احکام و قضایا نیز به کار می‌رود.[۱۰۲]

همگی فرایض، پشتوانه‌ای نصی دارند و در دلالت بر حکم از چنان زلالی معنا و استواری برخوردار هستند که اجتهاد به معنای خاص در تحلیل گزاره‌های آن راه ندارد. از این رو کاربرد واژگانی چون «فریضه» و «کتاب» به معنای مأمورٌبه واجب، در کتابهای فقهی اجتهادی محض متأخران کم یا ناپیدا است. تاریخ فقه

---

۹۰. أبوهلال عسکری، *الفروق اللغویه*، ص ۱۷۵.
۹۱. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۳۸٦.
۹۲. جوهری، پیشین.
۹۳. طریحی، پیشین.
۹٤. حج/ ۱۹۷؛ قصص/ ۸٦؛ احزاب/ ۳۸؛ تحریم/ ۲.
۹۵. بقره/ ۱۹۷.
۹٦. قصص/ ۸۵.
۹۷. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۳۸٦.
۹۸. أبوهلال عسکری، *فروق اللغویه*، ص ٤۰۰.
۹۹. همان، ص ٤۰۲.
۱۰۰. همان، ص ٤۰۰.
۱۰۱. همان، ص ٤۰۱.
۱۰۲. همان، ص ۱۷۵.

نیز گواه روشنی است بر استعمال نشدن این واژه در بیان و زبان فقیهان در دوره‌ای که فقه، اجتهادی شد و از حالت فقه مأثور کامل به در آمد.

پیوست (۲)

سنخ‌شناسی فعل انسانی در اصطلاحات شرعی

در یک تقسیم‌بندی، فعل انسانی به حصر عقلی محصور در دو نوع کلی است:

الف) نوعی که صدور آن از شخص قرین اراده، قصد و علم نیست؛ همانند فعل شخص خوابیده؛ این قسم، حکمی افزون بر وجود فعل ندارد.

ب) نوعی که همراه با اراده، قصد و علم پیشین از فرد صادر می‌شود و خود به اقسام زیر تقسیم می‌شود:

۱ـ فعلی که فاعل از انجام آن قصد به دست آوردن سودی را ندارد و در مقابل فعلش چیزی برای او نیست. به این فعل انسانی «مباح» گفته می‌شود.

۲ـ فعلی که فاعل آن را به خاطر غایتی نیک به جا آورد و در صورت انجام ندادن آن زیانی متوجه فاعل نشود. به این قسم در حوزهٔ ادبیات دینی و شرعی، «نَدْب و نَفْل و تَطَوُّع» اطلاق می‌شود و اگر متعلق آن امر شرعی نباشد، «تفضّل و إحسان» گویند.

۳ـ فعلی که فاعل، الزام بر انجام آن دارد و در صورت عدم اتیان عمل، دچار زیان می‌شود. به این قسم «واجب و فرض» و گاهی «حتم و لازم» هم گویند.

٤ـ فعلی که فاعل، بر عدم انجام آن الزام دارد و در صورت اتیان عمل، دچار ضرر می‌شود. به این قسم «قبیح، محظور و حرام» گویند.

٥ـ فعلی که انجام آن ناخوشایند عرف یا شارع است؛ اما بر انجام یا عدم آن ثواب و عقابی مترتب نیست و تنها، بازدارندگی اخلاقی محض دارد. به این قسم «مکروه» گویند.

چکیده

- ✓ مقصود از احکام ماه مبارک رمضان، مجموعه مسائلی است که پیرامون ساحت بیرونی این ماه بیان شده است. در این مباحث، ماه مبارک رمضان به عنوان یک موضوع کلی ـ فراجزئی ـ تحلیل می‌شود.
- ✓ سه مادهٔ «کتب»، «فرض» و «وجب» از واژگان پرکاربرد هستند که در قرآن و روایات در باب بیان وجوب روزهٔ ماه رمضان و دیگر آموزه‌های وجوبی اسلام، از آنها استفاده شده است. تبیین قلمرو معنایی و تأثیر تفاوت معنایی آنها با یکدیگر در به دست آوردن حکم آموزه‌های شرعی، از دانسته‌های بنیادی و گامهای نخستین در فقه الحدیث است.
- ✓ از دو ساختار کلیدواژه و اسلوب بیانی در تشریع و ابلاغ حکم وجوبی و الزامی روزه استفاده شده است.

- ✓ روایات در باب نشانه‌های تشخیص فرارسیدن و پایان یافتن ماه رمضان برخی معیار «کیفی ـ حسی» و برخی دیگر معیار «کمّی ـ عددی» را به عنوان ملاک عمل ارائه کرده‌اند. تواتر معنوی یا تواتر لفظی این روایات قابل طرح است.
- ✓ رؤیت هلال (دیدن اول هلال ماه رمضان و شوال) در وجوب امساک یا وجوب افطار تقدم رتبه‌ای بر معیار عددی (سی روز) دارد و حاکم بر آن است.

جلسهٔ سوم

آشنایی با آداب روزه‌داری در اسلام (۱)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ آداب روزه‌داری و انواع آن؛
- ✓ برخی آداب روزه‌داری ظاهری؛ مانند: کتمان روزه، سحری خوردن و خوابیدن.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، با برخی احکام ماه مبارک رمضان از جمله وجوب قرآنی ـ روایی روزهٔ ماه رمضان، رؤیت هلال و معیارهای روایی تشخیص آغاز و پایان ماه رمضان آشنا شدیم. در این جلسه به آداب روزه‌داری در اسلام می‌پردازیم.

آداب روزه‌داری

مفهوم‌شناسی آداب روزه‌داری و انواع آن

آداب روزه‌داری، اعمال و رفتارهایی است که جهت زمینه‌سازی برای کمال بهره‌مندی از آثار و برکات و تحقق غایت روزه در جسم و جان شخص روزه‌دار، رعایت آن سفارش شده است. در زمان روزه‌داری آداب، نمود عینی یک سری بایسته‌های اعتقادی، شایست‌ها، ناشایست‌های اخلاقی و رهیافتهای نگرشی‌ای است که جنبهٔ درونی و روانی دارند و در لباس عمل هویدا می‌شوند. از این رو می‌توان آداب روزه‌داری را به آداب ظاهری و آداب باطنی تقسیم کرد. در این جلسه با برخی از اقسام هر دو نوع آشنا خواهیم شد.

کارکرد و حکم

برخی از آداب روزه‌داری جنبهٔ پیشگیری و بازدارندگیِ اخلاقی دارند و برخی به عملگرایی و اقدام در موقعیتهای ویژه اشاره دارند. از جنبهٔ مخاطب‌شناسی هم برخی آداب به تعامل رفتاری شخص روزه‌دار با خود و

برخی به تعامل او با دیگران، چه خداوند و چه افراد انسانی، ارتباط پیدا می‌کنند. از نظر موضوعی نیز بیشتر جنبهٔ عبادی، اخلاقی دارند و کامل‌کنندهٔ روزه هستند. برخی نیز به جنبه‌های روانی و بالینی روزه‌دار مربوط است. حکم آداب روزه‌داری در میان احکام پنج‌گانهٔ فقهی، مستحب، مستحب مؤکّد، و مکروه است.

کتمان روزه

پوشیده داشتن روزه از دیگران از جمله آداب روزه‌داری است. این ادب از روایاتی که خواهد آمد فهمیده می‌شود. دربارهٔ کتمان روزه دو روایت در منابع حدیثی شیعه گزارش شده است که روایت نخست در *کافی*[۱۰۳] و *تهذیب الأحکام*[۱۰۴] و دیگری تنها در *تهذیب الأحکام*[۱۰۵] آمده است. هر دو روایت را به ترتیب سکونی و عبید بن زراره از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند.

۱ـ عن السكوني عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: مَن كَتَمَ صومَه قال اللهُ عزّ وجلّ لملائكته: عبدي اِستَجارَ مِن عذابي فَأجيرُوه، وَوَكَّلَ اللهُ عزّ وجلّ ملائكتَه بِالدّعاء للصائمينَ، وَلَمْ يَأمُرْهم بِالدعاء لِأحدٍ إلا اسْتَجابَ لَهم فيه.

۲ـ عن السكوني عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: مَن كَثُرَ صومُه قال اللهُ عزّ وَجلَّ لِملائكتِه: عبدي استجارَ مِن عذابي فأجيروه، ووكَّلَ اللهُ عزّ وجلّ ملائكتَه بِالدعاءِ للصائمينَ، ولم يأمرْهم بِالدعاءِ لأحدٍ إلا استجابَ لهم فيه.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس روزهٔ خود را ـ از دیگران ـ پوشیده نگه دارد (حدیث دوم: هر کس فراوان روزه بگیرد) خداوند دربارهٔ او به فرشتگان خودش چنین خطاب می‌کند: بنده‌ام از عذاب من به دنبال پناهگاهی است پس او را پناه دهید. همچنین خداوند فرشتگانش را به دعای برای روزه‌داران گماشته است و خداوند فرشتگان را به دعای در حق کسی امر نکرده است مگر آنکه دعای آنان را در حق آن شخص اجابت کرده است.

در هر دو روایت در امان ماندن از عذاب الهی در سایه‌سار روزه و دعای مستجاب فرشتگان در حق روزه‌دار از آثار روزه ذکر شده است و این دو روایت به کارکردهای معنوی روزه اشاره دارند.

نکات فقه الحدیثی روایات کتمان

الف) احتمال تصحیف یا تنوع

در روایت *کافی* عبارت «كَتَمَ صومَه» آمده است، اما در *تهذیب الأحکام* طوسی به جای آن عبارت «كَثُرَ صومُه» گزارش شده است و بقیهٔ روایت در هر دو مشترک است. با دقت در آثار روزه که در متن روایت به آن

۱۰۳. *الكافی*، ج ٤، ص ٦٤، ح ۱۰.
۱۰٤. *التهذیب*، ج ٤، ص ۱۹۰.
۱۰۵. همان، ص ۳۱۹.

اشاره شده است، احتمال وجود عبارت «کثر صومه» قوی‌تر به نظر می‌آید[۱۰۶] هر چند روایت می‌تواند هر دو معنا را دربرگیرد. شاید هم بتوان گفت که دو روایت متنوع و مختلف الموضوع هستند. ممکن است این اشکال مطرح شود که اختلاف جزئی بخش آغازین متن روایات احتمال تصحیف در یکی از آن دو را تقویت می‌کند، اما اینکه کدام اصلی و دیگری تصحیف شده باشد روشن نیست. محدثانی چون شیخ حرّ عاملی احتمال اصالت عبارت «کتم» را پسندیده‌اند. از عنوان انتخابی او بر روایات این باب «استحبابُ کَتْمِ الصوم ...» این نکته به خوبی هویدا است.[۱۰۷]

ب) خروج موضوعی روزهٔ واجب از شمول روایات کتمان

ادب پوشیده داشتن روزه از دیگران بیشتر دربارهٔ روزهٔ مستحبی مطرح است و این موضوع در روزهٔ واجب، به ویژه روزهٔ ماه مبارک رمضان، طرح‌کردنی نیست؛ زیرا فرض اوّلی و اصل حاکم در برخورد با یک فرد مسلمانِ مکلّف در ماه مبارک رمضان، روزه‌دار پنداشتن او است مگر بر پایهٔ قراینی خلاف آن ثابت شده باشد. از این رو در روزهٔ ماه مبارک رمضان مطرح کردن روزه‌داری و یا کتمان آن از سوی روزه‌دار استحباب یا کراهتی را دربر نخواهد داشت حتی اظهار آن نیز از باب بیان امتثال واجب خالی از وجه نخواهد بود همانند برپا داشتن نماز واجب به جماعت و یا فُرادا در مسجد و در انظار دیگران که به گونه‌ای اظهار امتثال واجب است. از این رو روایات کتمان صوم موضوعاً به روزهٔ واجب، به ویژه روزهٔ ماه مبارک رمضان، اشاره ندارد. به بیان دانشیان اصول فقه روزهٔ واجب موضوعاً از حکم خارج است که در اصطلاح «تخصص» خوانده می‌شود؛ هر چند که در نگاه نخست اطلاق ظاهری روایات کتمان مطلق روزه، حتی روزهٔ واجب را هم شامل می‌شود، اما این اطلاق ابتدایی است و با درنگ در گسترهٔ موضوع به نکتهٔ مذکور خواهیم رسید. به دیگر سخن، با آنکه واژهٔ صوم هر دو گونهٔ صوم واجب و مستحب را شامل می‌شود، اما با توجه به آنچه گذشت این روایت تنها ویژهٔ صوم مستحبی است و امام به هر دو گونهٔ صوم اشاره ندارد. شیخ حر عاملی به این نکتهٔ دقیق فقه الحدیثی شیخ حر عاملی توجه داشته و آن را در عنوان این باب «استحباب کتم الصوم المندوب»[۱۰۸] آورده است که قید مندوب بعد از کلمهٔ صوم اشاره به روزه‌های مستحبی است.

ج) جایز نبودن پنهان کردن حالت روزه در صورت پرسش

کتمان روزه از دیگران نباید به دروغ‌گویی شخص روزه‌دار بینجامد. به دیگر سخن، استحباب کتمان روزه تا زمانی است که از روزه‌داری شخص روزه‌دار پرسیده نشود وگرنه باید به پرسش مطرح‌شده پاسخی واقع‌گرایانه دهد و نمی‌تواند به بهانهٔ استحباب کتمان به شخص پرسشگر دروغ بگوید. روایت این موضوع چنین است:

> عن عبیدِ بن زرارة، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: الرجلُ یکونُ صائماً فَیُقالُ لَه: أصائِمٌ أنتَ؟ فَیَقولُ: لا، فَقَال أبو عبد الله (علیه السلام): هذا کِذبٌ.[۱۰۹]

---

۱۰۶. روشن است که در این صورت استناد به این روایت از محل بحث ما خارج خواهد بود.

۱۰۷. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۳۵.

۱۰۸. همان.

۱۰۹. همان، ص ۱۳۶.

عبید بن زراره می‌گوید مسئله‌ای را نزد امام مطرح کردم: به مردی که روزه‌دار است گفته می‌شود: آیا روزه هستی؟ در پاسخ مرد می‌گوید: نه. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: این دروغ است.

این روایت از روایات پرسمانی[۱۱۰] است و راوی آن نیز از جمله راویان دقیق النظر در فقه است. گویی این مسئله برای شخص عبید بن زراره یا پرسشگر اصلی شبهه بوده است. روایت نشان می‌دهد که این شبهه در اطلاق کذب به کتمان روزه بوده است نه پرسش از حکم کذب. به دیگر سخن، شبههٔ اصلی این است که آیا کتمان روزه جزء مصادیق و داخل در مفهوم کذب هست یا خیر؟ و پاسخ دقیق و کوتاه امام با به کار بردن اسم اشارهٔ «هذا» بر پیش‌فرض پرسشگر و همسانی پاسخ حضرت با مراد اصلی پرسشگر از طرح این مسئله دلالت دارد پرسشگر با این پیش‌فرض که شاید پنهان داشتن روزهٔ مستحبی از اطلاق کذب خارج است. از امام این‌گونه می‌پرسد. دلیل این احتمال آن است که بسیار بعید است یک مسلمان عادی نداند سخن خلاف واقع یا اخبار غیرمطابق حال کذب است و از امام دربارهٔ حقیقت کذب بپرسد، چه رسد به راوی‌ای چون عبید بن زراره. شاید هم پیش‌فرض پرسشگر این بوده است که آیا می‌توان برای رعایت اخلاص بیشتر در روزه‌داری آن را از دیگران پوشیده نگه داشت که با پاسخ منفی امام و جایز نبودن آن به دلیل دروغ بودنش روبه‌رو می‌شود.

شیخ حر عاملی روایت مذکور را هم‌مضمون دو روایت پیشین دانسته و در عنوان باب با جمع‌بندی محتوایی هر دو قسم روایت چنین آورده است: «بابُ استحبابِ کتْمِ الصومِ المندوبِ إلا أنْ یُسَألَ فلا یجوزُ الکذبُ»؛ باب استحباب پوشیده نگه داشتن روزهٔ مستحبی تا زمانی که از روزهٔ وی سؤال شود که در این صورت دروغ، خلاف واقع، گفتن روا نیست. به باور شیخ حر عاملی در روایات به این حکم در غیر روزه و در تمامی عبادات همانند زکات و صدقه تأکید شده است.[۱۱۱] با جمع‌بندی روایات کتمان فهمیده می‌شود که اصل پوشیده داشتن روزهٔ مستحبی از دیگران تا زمانی که به دروغ نینجامد مستحب است. به دیگر سخن، با توجه به تقدم اصل دوری از حرام بر انجام مستحب و مشروع نبودن اضرار مستحبات (روزهٔ مستحبی و لوازم آن) به واجبات (دروغ نگفتن) کتمان روزه نباید به انجام هیچ حرامی بینجامد.

سحری خوردن

معناشناسی سَحور و تسحّر

«سَحور» و «تسحّر» به معنای سحرخیزی و خوردن غذا پیش از طلوع خورشید است. ابن‌منظور «سَحور» را «طعام السَحَرِ وشرابه»؛ خوردنی و نوشیدنی در وقت سحر، معنا کرده و ابن‌اثیر گفته است: «سحور» به فتح

۱۱۰. مقصود از اصطلاح روایات پرسمانی گزاره‌های حدیثی هستند که با ساختار پرسش و پاسخ و طرح مسئله از سوی راوی به دست ما رسیده‌اند. پیش‌زمینه‌های معنایی حاکم در این‌گونه روایات مسئله‌دار بودن موضوع در میان عوام یا خواص جامعهٔ عصر شارع را که به طرح موضوع در محضر امام انجامیده است، گزارش می‌کنند. از این فضای معنایی به پرسمان تعبیر کرده‌ایم؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید: عبدالهادی مسعودی، *روش فهم حدیث*، ص ۱۲۳ ـ ۱۲۱.

۱۱۱. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۳۶.

«سین» اسم است برای هر خوردنی و نوشیدنی‌ای که در وقت سحر خورده می‌شود و به ضم (سُحور) مصدر است. این واژه در روایات بیشتر به فتح (سَحور) آمده است، اما بر پایهٔ قولی شکل درست‌تر آن، در روایات، ضم است؛ زیرا به شکل فتح به معنای طعام و برکت است نه عمل؛ وانگهی اجر و ثواب بر فعل سحری خوردن مترتب است نه بر طعام.[۱۱۲]

«تسحّر» نیز به معنای خوردن سحری است. ابن‌اثیر در معنای تسحّر می‌نویسد: «أكلُ السَّحور». ازهری نیز می‌گوید: «وقد تسحّر الرجلُ ذلك الطعامَ أي أكَلَه» و بدین معنا فراوان در روایات آمده است. همو گفته است: «سحور» یعنی هر غذا، شیر یا شربتی که هنگام سحر خورده می‌شود. «سحور» اسمی است که برای هر آنچه وقت سحر خورده می‌شود، وضع شده است.[۱۱۳]

این واژه‌ها پس از ظهور اسلام و وجوب فریضهٔ روزه بر مسلمانان با حفظ اصالت معنای واژگانی در عرف مسلمانان بار معنایی ویژه‌ای پیدا کرد. این دو واژه در اسلام به سحرخیزی در ماه مبارک رمضان و خوردن مقدار غذایی برای توانایی در روزه گرفتن در روز به کار رفت. در ادبیات روایی نیز به همین معنا به کار رفته‌اند.

ساختارشناسی استحباب سحری خوردن در روایات

الف) امر

استحباب سحری خوردن را می‌توان از امر به آن در روایات زیر به دست آورد. روشن است که امر در اینجا امر مولوی به معنای وجوب نیست در این روایت آمده است:

ـ «فَلْيَتسحّر أحدُكم ولو بِشُربةٍ من ماءٍ».[۱۱۴]

ـ «تسحّروا ولو بِجُرعِ الماءِ».[۱۱۵]

ب) نهی

استحباب سحری بلند شدن تا حدی زیاد است که در برخی روایات ترک آن نهی شده است. روایات زیر به این نص اشاره دارند:

ـ «لا تَدَعْ أمتي السَّحورَ ولو على حَشَفَةٍ».[۱۱۶] امت من سحری خوردن را ترک نکنند گرچه با خوردن یک خرمای ناچیز باشد.

ـ «وقد يَستحبُّ للعبدِ أنْ لا يَدَعَ السَّحورَ».[۱۱۷] برای بندهٔ خدا مستحب است که سحری را ترک نکند.

---

۱۱۲. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ٤، ص ۳٥۱.

۱۱۳. همان.

۱۱٤. همان، ج ۱۰، ص ۱٤٦.

۱۱٥. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱٤٤.

۱۱٦. همان. «حشفة» در روایت، به معنای خرمای کم‌گوشت و لاغر است. بنگرید: طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۱، ص ٥۹۷.

۱۱۷. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱٤۳.

ج) گزاره‌های تلویحی ـ ترغیبی

در برخی روایات برای سحرخیزی، به ویژه در سحرهای ماه مبارک رمضان، آثار و فوایدی ذکر شده است. این آثار و فواید به طور تلویحی مخاطب را به سحرخیزی ترغیب می‌کند؛ همانند روایات زیر:

ـ «السَّحور برکةٌ»؛ غذای سحری مایهٔ برکت است.[۱۱۸]

ـ «ألا صلواتُ اللهِ علَی المُتسحّرین»؛ درود خداوند بر کسانی باد که سحری می‌خورند.[۱۱۹]

ـ «تَعاوَنوا بِأكلِ السَّحورِ علی صیامِ النهارِ»؛ برای روزه گرفتن با خوردن سحری توان برگیرید.[۱۲۰]

در پاره‌ای روایات معصومان به گونه‌ای علاقه‌مندی خود را به سحرخیزی نشان داده‌اند؛ همانند روایات زیر:

ـ «وأما في شهرِ رمضانَ فإنّه أفضَلُ أنْ يَتسحّر، نُحِبُّ أنْ لا يُتْرَكَ في شهر رمضانَ».[۱۲۱]

ـ «أما في شهرِ رمضانَ فإنَّ الفضلَ في السَّحورِ».[۱۲۲]

شیخ مفید در جمع‌بندی خانوادهٔ احادیث این موضوع، استحباب سحرخیزی را چنین آورده است: «رُوِيَ عن آلِ محمدٍ (علیهم السلام) أنّهم قالوا: يَستحبُّ السَّحورُ ولو بِشِربَةٍ مِن الماءِ».[۱۲۳]

سحری خوردن در روزهٔ مستحبی

استحباب سحری خوردن بیشتر دربارهٔ روزهٔ ماه مبارک رمضان و روزهٔ واجب مطرح است. در روایات دربارهٔ سحری خوردن در روزهٔ مستحبی تأکیدی دیده نمی‌شود. روایات این موضوع، شخص را میان بلند شدن برای سحری و بلند نشدن مخیر گذاشته‌اند. در این موضوع روایت سماعه رهگشا است. سماعه می‌گوید از امام (علیه السلام) دربارهٔ سحری بلند شدن برای کسی که قصد روزه گرفتن را دارد پرسیدم. امام در پاسخ فرمودند: اگر روزهٔ ماه مبارک رمضان باشد فضیلت در سحرها است هر چند به نوشیدن یک لیوان آب باشد اما در روزهٔ مستحبی اگر به سحری خوردن علاقه داشت انجام دهد و اگر هم برای سحری برنخیزد اشکالی ندارد.[۱۲٤] در این روایت شخصی که قصد روزهٔ مستحبی دارد در سحری خوردن مخیّر است و انجام آن به

---

۱۱۸. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «السحور برکة»؛ همان.

۱۱۹. رُوِيَ عن أميرِ المؤمنين (علیه السلام)، عن النبي (صلی الله علیه وآله) أنه قال: إنَّ اللهَ ـ تبارک وتعالی ـ وملائكتَه يُصَلُّونَ على المُتَسَحِّرينَ والمُستغفرينَ بالأسحارِ فَلْيَتَسَحَّرْ أحدُكم ولو بِشربةٍ مِن ماءٍ؛ همان، ص ١٤٦. قال رسولُ الله (صلی الله علیه وآله): تَسَحَّروا ولو بِجُرعِ الماءِ؛ ألا صلواتُ اللهِ على المُتَسَحِّرين؛ همان، ص ١٤٤.

۱۲۰. قال رسولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله): تَعاوَنوا بِأكلِ السَّحورِ علَى صيامِ النَّهارِ وبِالنَّومِ عندَ القيلولةِ على قيامِ الليل؛ أبی عبد الله (علیه السلام) قال: لو أنَّ الناسَ تَسَحَّروا (ولَمْ يُفطروا إلا على ماءٍ قَدَرُوا عَلَى) أنْ يَصُومُوا الدهرَ؛ همان، ص ١٤٥.

۱۲۱. ابوبصیر (یحیی بن قاسم) می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ حکم سحری خوردن برای کسی که می‌خواهد روزه بگیرد پرسیدم که آیا واجب هست یا خیر؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اگر خواست سحری نخورد اشکالی ندارد ولی در ماه مبارک رمضان بسیار نیکو است که سحری بخورد. ما (اهل بیت) دوست داریم که در ماه مبارک این عمل ترک نشود؛ همان، ص ۱٤۳.

۱۲۲. همان، ص ١٤٤.

۱۲۳. از آل محمد (علیهم السلام) روایت شده است که سحری خوردن ولو به نوشیدن یک مقدار آب هم که باشد، مستحب است؛ به نقل از *المقنعه*؛ همان، ص ١٤٧.

۱۲٤. عن سماعةَ قال: سألتُه عن السَّحورِ لمَن أرادَ الصومَ؟ فقال (علیه السلام): أمّا في شهرِ رمضانَ فإنَّ الفضلَ في السَّحورِ ولو بشربةٍ مِن ماءٍ وأمّا في التَّطَوُّعِ فمَن أحَبَّ أنْ يَتسحَّرَ فَلْيَفعلْ ومَن لم يفعَلْ فلا بأسَ؛ *وسائل الشيعه*، ج ۱۰، ص ١٤٤.

تمایل ایشان بستگی دارد. به دیگر سخن، حکم این عمل در روزهٔ مستحبی اباحه است و دو طرف آن از حیث نوع حکم مساوی هستند.

غذای سحری سفارش‌شده در روایات

به سفارش روایات، بهتر است غذای سحری خرما (رطب و تمر) و کشمش به همراه آب[۱۲۵] حلوا و یا نوشیدنی معروف عرب «سَویق» باشد.[۱۲۶] در برخی روایات فضیلتی نیز بر آنها ذکر شده است؛ همانند روایت امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: «أفضلُ سَحورِکم السَّویقُ والتمرُ»[۱۲۷] و در روایتی غذای پیامبر در سحرگاهان «أسودان» (خرما و کشمش) گزارش شده است.[۱۲۸] شیخ مفید در بیان استحباب یا فضیلت استفاده از این خوردنیها در سحر به سیرهٔ نبوی در سحرها استناد کرده است:

«وَرُوِیَ أنَّ أفضلَه التمرُ والسویقَ لِمَوضعِ استعمالِ رسولِ اللهِ (صلی الله علیه وآله) ذلكَ في سَحورِه».[۱۲۹]

شیخ حر عاملی نیز با درنگ در مضامین این روایات از استحباب این خوردنیها در وقت سحر سخن گفته است. این نکته در عنوان بابی که برای این دسته از احادیث انتخاب کرده یعنی «بابُ استحبابِ التسحّر بِالسَّویقِ والتمرِ والزَّبیبِ والماء»، آشکار است.[۱۳۰] هر چند این روایات بیشتر به غذای رایج زمان صدور روایات و عرف غذایی اعراب اشاره دارد، اما در تحلیل علمی، این مجموعه خوردنیها نیروافزا هستند، ویتامینهای ضروری و سودمندی دارند، به سرعت جذب بدن می‌شوند، برای سیستم گوارشی بدن خاصیت درمانی دارند و عمده نیازهای جسمی بدن را تا ساعاتی تأمین می‌کنند. فراتر از آن ماندگاری انرژی برخی از آنها مانند خرما و کشمش نیز بیش از چند ساعت است.

خوابیدن

سفارش تلویحی به خواب در حال روزه

خوابیدن روزه‌دار در طول روز از دیگر آداب روزه‌داری است که روایات بر آن تأکید دارد. پیامبر اسلام و پیشوایان دین به این ادب سفارش کرده‌اند. در روایت نبوی افزون بر تأکید تلویحی بر استحباب خواب روزه‌دار، به پاداشی بس بزرگ به درازای لحظات خواب روزه‌دار و تعداد نفسهای وی نیز اشاره شده است.

---

۱۲۵. در اصطلاح روایات، خرما و کشمش به «أسودان» (دو سیاه) معروف هستند.

۱۲۶. «سَویق» که عناوین و اقسام مختلفی دارد به نوشیدنی‌ای گفته می‌شود که از گندم و جو به عمل می‌آید. ابن‌منظور این معنا را چنین گزارش کرده است: «السَّویق ما يُتَّخَذُ مِن الحِنْطَةِ والشَّعیر»؛ ر.ک: ابن‌منظور، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

۱۲۷. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱٤٦.

۱۲۸. عن جابر قال سمعتُ أبا جعفر (علیه السلام) يقول: كان رسولُ الله (صلی الله علیه وآله) يُفطِرُ على الأسوَدَين، قلت: رَحِمَكَ اللهُ وما الأسودانِ؟ قال: التمرُ والماءَ والزبيبُ والماءَ، ويَتَسَحَّرُ بهما؛ همان.

۱۲۹. شیخ مفید، *المقنعه*، ص ۵۰.

۱۳۰. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱٤٦.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): نومُ الصائمِ عبادةٌ ونَفَسُه تسبيحٌ.[۱۳۱]

خواب روزه‌دار عبادت و نفس کشیدن او تسبیح است.

عبادت و تسبیح دو اثر خواب روزه‌دار است. روشن است که منظور این روایت، عبادت و تسبیح لسانی بسان دیگر آموزه‌های تشریعی نیست، بلکه مراد آن است که شخص روزه‌دار در تمامی لحظات روزه، چه بیداری و چه خواب، در حال امتثال و اطاعت امر الهی است. این معنا در بیان نورانی رازشناس حقایق روزه، پیامبر خاتم، به زیبایی آمده است:

الصائمُ في عبادةٍ وإنْ كان نائماً على فَراشِهِ ما لَمْ يَغْتَبْ مسلماً؛[۱۳۲]

شخص روزه‌دار در حال عبادت است هر چند در بستر خود خوابیده باشد تا زمانی که غیبت مسلمانی را نکرده باشد.

راز سفارش به خواب روزه‌دار

شاید راز سفارش به خواب روزه‌دار آن باشد که از سویی روزه در نوع انسانها، به ویژه در نیمهٔ دوم روز، به ضعف جسمانی و حالت سستی بینجامد و از سوی دیگر اختصاص دادن تمام شبهای ماه مبارک رمضان به خواب، پسندیده و مقبول شارع نیست؛ از این رو برای جبران ضعف جسمانی روزه‌دار و ایجاد آمادگی بیشتر برای بهره‌مندی از برکات معنوی شبهای ماه مبارک رمضان مقدار کوتاهی خواب در روز برای شخص روزه‌دار سفارش شده است. در روایتی دیگر این معنا به بیانی روشن‌تر و با مصادیقی خاص آمده است:

قال أبو الحسن (عليه السلام): قيلوا فإنَّ اللهَ يُطعِمُ الصائمَ ويَسقيه في منامِه؛[۱۳۳]

خواب قیلوله به جا آورید؛ همانا خداوند شخص روزه‌دار را در خواب با غذا و نوشیدنی پذیرایی می‌کند.

پذیرایی با خوردنی و نوشیدنی در خواب کنایه از نیرو گرفتن روزه‌دار در اثر خواب است. خواب کوتاه نیم‌روزی در ادبیات روایی و در سخنان فقیهان به خواب «قیلوله» معروف است.

استحباب تبعی خواب روزه‌دار

روشن است که خوابیدن به تنهایی و بدون حالت روزه برکت و معنویت گفته‌شده در روایات را ندارد، اما به دلیل وقوع هدفمند آن در حالت روزه چنین ویژگیهایی را کسب کرده است. این نکته از اضافهٔ «نوم» به «الصائم»، خوابیدن در حال روزه، استنباط می‌شود که آن را استحباب تبعی می‌نامیم.

۱۳۱. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

۱۳۲. همان.

۱۳۳. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

ساختارشناسی استحباب خواب روزه‌دار

روایات به چند گونه بر استحباب خواب روزه‌دار دلالت دارد:

الف) امر

همانند روایت «قِيلوا إنَّ اللهَ يُطعِمُ الصائمَ ويَسْقيه في مَنامِه»، که از نظر اصولی امر در این روایات ارشادی و به معنای استحباب است نه مولوی و به معنای وجوب.

ب) مفهوم وصف

مفهوم وصفی «نوم الصائم» در روایت «نوم الصائم عبادة ونفسه تسبيح» بر این نکتهٔ ظریف دلالت دارد که تنها خوابیدن روزه‌دار چنین استحبابی دارد. خواب شخص غیرروزه‌دار گرچه در طول روزهای ماه رمضان هم باشد چنین آثاری ندارد و مستحب نیست، چه رسد به اینکه در غیر ماه رمضان باشد همانند خوابهای عادی و روزانه که دلیلی بر استحباب آن وارد نشده است.

ج) گزاره‌های تلویحی ـ ترغیبی

این دسته از روایات دلالتی تلویحی بر استحباب روزه دارند و روزه‌دار را برای رسیدن به آثار معنوی روزه به خوابی هدفمند و معناگرا سفارش می‌کنند و او را به گونه‌ای بر این کار برمی‌انگیزند. در این روایات لازم شرعی[۱۳۴] (نه منطقی و عقلی) خواب روزه‌دار واقعی عبادت و تسبیح برشمرده شده است. برای نمونه روایت زیر به این موضوع اشاره دارد:

ـ «الصائم في عبادة وإن كان نائماً على فراشه ...».

چکیده

- ✓ آداب روزه‌داری، اعمال و رفتارهایی است که جهت زمینه‌سازی برای کمال بهره‌مندی از آثار و برکات و تحقق غایت روزه در جسم و جان شخص روزه‌دار، رعایت آن در زمان روزه‌داری سفارش شده است.
- ✓ برخی از آداب روزه‌داری جنبهٔ پیشگیری و بازدارندگیِ اخلاقی دارند و برخی به عملگرایی و اقدام در موقعیتهای ویژه اشاره دارند.
- ✓ ادب پوشیده داشتن روزه از دیگران در روزهٔ مستحبی مطرح است و در روزهٔ واجب، به ویژه روزهٔ ماه مبارک رمضان، طرح‌کردنی نیست؛ زیرا فرض اوّلی و اصل حاکم در برخورد با یک فرد مسلمانِ مکلّف در ماه مبارک رمضان، روزه‌دار پنداشتن او است مگر بر پایهٔ قراینی خلاف آن ثابت شده باشد.

---

۱۳۴. از این جهت که شارع این آثار را جزء لازم خواب روزه‌دار برشمرده و در روایات از آن خبر داده است.

- ✓ کتمان روزه از دیگران نباید به دروغ‌گویی شخص روزه‌دار بینجامد و مکلّف نمی‌تواند بـه بهانـهٔ اسـتحبابِ کتمان به پرسشگر دروغ بگوید.
- ✓ استحباب سحری خوردن بیشتر در روزهٔ ماه مبارک رمضان و روزهٔ واجب مطـرح اسـت. در روایـات دربـارهٔ سحری خودرن در روزهٔ مستحبی تأکیدی دیده نمی‌شود. روایات این موضوع، شخص را میـان بلنـد شـدن برای سحری و بلند نشدن مخیر گذاشته‌اند.
- ✓ از حیث علمی، مجموعهٔ خوردنیهـای سـفارش‌شـده در روایـات نیروافـزا هـستند، ویتامینهـای ضـروری و سودمندی دارند، به سرعت جذب بدن می‌شوند، برای سیستم گوارشی بدن خاصیت درمانی دارنـد و عمـده نیازهای جسمی بدن را تا ساعاتی تأمین می‌کنند.
- ✓ خوابیدن به تنهایی و بدون حالت روزه آثار معنوی ندارد، اما به دلیل وقوع هدفمند آن در حالت روزه چنـین ویژگیهای را کسب کرده است که آن را استحباب تبعی می‌نامیم.

جلسهٔ چهارم

آشنایی با آداب روزه‌داری در اسلام (۲)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ آداب افطاری دادن به عنوان یکی از آداب ظاهری روزه‌داری؛
- ✓ آداب باطنی روزه‌داری.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، با برخی آداب ظاهری روزه‌داری در اسلام آشنا شدیم. در این جلسه در ادامهٔ آداب ظاهری روزه‌داری «افطاری دادن» را مطرح می‌کنیم و سپس به آداب باطنی روزه می‌پردازیم.

افطاری دادن

افطاری دادن شخص روزه‌دار به ویژه در ماه مبارک رمضان از جمله آداب اسلامی است که در میان آداب روزه اهمیت فراوانی دارد و بر آن بسیار تأکید شده است. روایات پرشماری از پیامبر اسلام و دیگر معصومان در این‌باره صادر شده است که برخی از آنها ترجمان سیرهٔ عملی آن راهبانان طریق هدایت و مشعلداران مسیر سعادت است. در فرهنگ روایات از این عمل با عباراتی چون «تَفْطیر» و «مَنْ فَطَّرَ» یاد شده است.

تبیین اخلاقی و آثار معنوی افطاری دادن

از نظرگاه اخلاق افطاری دادن، که همان شریک کردن دیگری در غذای خود است، گونه‌ای ایثار و نمود سخاوت فردی به شمار می‌رود. این عمل فی‌نفسه حسن ذاتی دارد و از مظاهر خیرخواهی نسبت به دیگران است نیکوییِ افطاری دادن در زمانی که افطارشونده مزیتی ایمانی داشته یا شارع به اهمیت مقام و شرایط او سفارش کرده باشد، همانند فقیران، ناداران و همسایگان، دو چندان است.

در فرهنگ روایات برای افطاری دادن آثاری چون: همسانی با آزادی یک بردهٔ در بند و بخشودگی گناهان گذشته،[۱۳۵] کسب ثواب همانند روزه‌دار[۱۳۶] و گاه برتر و بزرگ‌تر از روزه‌داری خود فرد و ثواب آن،[۱۳۷] مستجاب شدن دعا برای افطار یک ماه مبارک رمضان،[۱۳۸] زمینه‌ساز بهشتی شدن فرد،[۱۳۹] گماشتن هفتاد فرشته برای تقدیس فرد افطاردهنده،[۱۴۰] یکی از سه زمینهٔ شادمانی مؤمن در دنیا،[۱۴۱] و ... ذکر شده است که همگی به عظمت و منزلت والا و بالای این آموزه در میان سایر عبادات اشاره دارند. همراه کردن مؤمنان و هم‌سفره ساختن ضعیفان،که به حکمت روزه نیز نزدیک‌تر است، به هنگام افطار که چشمهای منتظرشان به دنبال لقمهٔ نانی است چنان بستر تقرّبی ایجاد می‌کند و بدان‌سان از بُرد تکامل معنوی نزد خداوند بنده‌نواز برخوردار است که همسنگ آن در میان عبادات فردی نایاب یا کمیاب است.

ملاک افطاری دادن

در افطاری دادن میزان و کیفیت غذا به توان و آمادگی افطاردهنده بستگی دارد. در نگاه روایات مهم رفع گرسنگی و تشنگی روزه‌دار به هنگام افطار است؛ یعنی لقمه‌ها و جرعه‌های آغازین که شخص روزه‌دار کام خود را به شکرانهٔ توفیق به جا آوردن امر خداوند بدان شیرین می‌کند و از لحظات ماندگار و خاطره‌ساز معنوی او به شمار می‌آید. هیچ ضرورتی ندارد افطاری دادن را به ارائهٔ غذای آماده منحصر کنیم بلکه ملاک در افطاری دادن فراهم ساختن مقدمات غذا و لوازم متعارف افطار یک شخص روزه‌دار در حد عرف است که گاه با دعوت به مهمانی حاصل می‌شود و گاه با تهیهٔ مواد مورد نیاز یا غذای آماده و تقدیم آن به روزه‌داران. البته افطاری دادن به شکل مهمانی خانگی، هم‌سفره ساختن مؤمنان و فقیران یا پذیرایی ساده در مساجد استحباب بیشتری خواهد داشت و عموم متشرعان از افطاری دادن همین معنا را برداشت کرده‌اند، اما سیرهٔ متشرعه در این مسئله سبب حصر مفهوم افطاری دادن در معنای غالب عرفی آن نیست بلکه به مصداق غالب و معهود انصراف دارد و حتی در میان متشرعان مصداق دوم افطاری دادن هم رواج دارد.

---

۱۳۵. عن أبي جعفر (عليه السلام) ـ في حديثٍ ـ إنَّ رسولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله) قال: وَمَنْ فَطَّرَ فيه ـ أي في شهرِ رمضانَ ـ مؤمناً صائماً كان لَه بِذلك عندَ اللهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ، وَمَغفرةٌ لِذنوبِه فيما مَضَى؛ *وسايل الشيعه*، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

۱۳۶. عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: مَن فَطَّرَ صائماً فَلَه مِثلُ أجرِه؛ همان.

۱۳۷. عن أبي الحسنِ موسى (عليه السلام) قال: فَطْرُكَ أخاكَ الصائمَ أفضلُ مِن صيامِكَ؛ همان. وعن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: فَطْرُكَ لِأخيكَ وَإدخالُكَ السُّرورَ عليه، أعظمُ مِن أجْرِ صيامِكَ؛ همان، ص ۱۴۱.

۱۳۸. قال الباقرُ (عليه السلام): أيُّما مؤمنٍ فَطَّرَ مؤمناً ليلةً مِن شهرِ رمضانَ، كَتَبَ اللهُ له بذلك مِثلَ أجرِ مَن أعْتَقَ نَسَمَةً. قال: وَمَن فَطَّرَه شهرَ رمضانَ كلَّه كَتَبَ اللهُ له بذلك أجرَ مَن أعتَقَ ثلاثينَ نَسَمَةً مؤمنةً، وكان له بذلك عندَ اللهِ دَعْوَةٌ مُستَجابَةٌ؛ *وسايل الشيعه*، ج ۱۰، ص ۱۳۹. «نَسَم» به معنای انسان یا شخص دارای روح و حیات گویند؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۲، ص ۵۷۳.

۱۳۹. عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: مَن فَطَّرَ مؤمناً كان كفارةً لِذَنبِه إلى قابِلٍ وَمَن فَطَّرَ اثنَينِ كان حقاً على اللهِ أنْ يَدخُلَ الجنةَ؛ همان.

۱۴۰. عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: مَن فَطَّرَ صائماً مؤمناً وَكَّلَ اللهُ بِه سَبعينَ مَلَكاً يُقَدِّسُونه إلى مثلِ تلكَ الليلةِ مِن قابلٍ؛ همان.

۱۴۱. عن جعفرِ بنِ محمد (عليه السلام)، عن آبائه (عليهم السلام) ـ في وصيةِ النبي (صلى الله عليه وآله) لعليٍّ (عليه السلام) ـ قال: يا عليُّ! ثلاثُ فرحاتٍ للمؤمنِ في الدنيا: لقاءُ الإخوانِ، وتَفطيرُ الصائمِ، والتَّهجدُ في آخِرِ الليلِ؛ همان.

هر دو معنا از افطاری دادن در روایات آمده است. در روایات به معنای نخستِ عرفی یا مصداق غالب افطاری دادن، یعنی پذیرایی از شخص روزه‌دار در منزل، اشاره شده و از فحوای روایت امام باقر (علیه السلام) چنین برمی‌آید که ایشان به این نوع افطاری علاقه داشته‌اند؛

لَأَنْ أَفطَرَ رجلاً مؤمناً في بيتي أحبُّ إليَّ مِن أنْ أعْتقَ كذا وكذا نَسَمَةً مِن وُلدِ إسماعيل.[١٤٢]

فرد مؤمنی را در خانهٔ خویش افطاری دهم، برای من از آزاد ساختن چندین تن از نسل اسماعیل (علیه السلام) محبوب‌تر است.

در روایت زیر نیز در معنای دوم افطاری گویا است:

عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كانَ عليُّ بنُ الحسينِ (عليه السلام) إذا كان اليومُ الذي يَصومُ فيه أمَرَ بِشاةٍ فَتُذبَحُ وتُقَطَّعُ أعضاؤه وتُطبَخُ، فإذا كان عندَ المساءِ أكَبَّ على القُدُورِ حتّى يَجِدَ ريحَ المَرَقِ وهو صائمٌ، ثم يقول: هاتوا القِصاعَ، اِغْرِفُوا لِآلِ فلانٍ، اِغرِفُوا لآلِ فلان، ثم يُؤتَى بِخُبزٍ وتَمرٍ فَيكونُ ذلك عَشاءُه.[١٤٣]

امام صادق (علیه السلام) در توصیف سیرهٔ امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: روزی که روزه داشتند دستور می‌دادند که گوسفندی ذبح و تکه تکه شود و از گوشت آن غذایی آماده سازند، چون‌که غروب نزدیک می‌شد با حالت روزه بر سر دیگها می‌آمد تا ببیند بوی خورش چگونه است؛ سپس می‌فرمود: ظرفها را بیاورید و از غذا پر کنید و به آل فلان و آل فلان رسانید. آن‌گاه پس از تقسیم غذا می‌نشست و با نان و خرمایی افطار می‌کرد.

رعایت ادب افطاری دادن مؤمن به ویژه در روزهٔ ماه مبارک رمضان چنان مهم است که پیامبر اسلام به انجام آن هر چند با نوشاندن جرعه‌ای آب، کاسه‌ای شیر یا چند عدد خرما تأکید کرده است.[١٤٤] با توجه به بافت معنایی این روایات می‌توان چنین برداشت کرد که در نگرهٔ شریعت مهم رعایت اصل آموزهٔ افطاری دادن مؤمنان است گرچه با غذایی اندک این کار عملی شود.

شایان ذکر است که غذای اندک اشاره‌شده در روایات از باب مثال و نمونه بوده و به گونه‌ای در توان مالی بیشتر مسلمانان معاصر دورهٔ نبوی بوده و امروزه نیز هست؛ از این رو ناتوانی مالی برای تهیهٔ غذاها و نوشیدنیهای رنگین و گونه‌گون ترک این کار را روا نمی‌دارد؛ زیرا روایات بسیاری بر به جا آوردن این عمل خداپسند و مورد علاقهٔ پیامبر و امامان (علیهم السلام) با مقدار اندک، تأکید دارند و جای خرده‌گیری و توقع افطاریهای رنگینِ مؤمنان از همدیگر روا نیست. روشن است که اگر شخص فقیر و مسکین باشد و توان مالی برای تهیهٔ غذای اندک را نداشته باشد از دایرهٔ حکم خارج خواهد بود.

---

١٤٢. همان، ج ١٠، ص ١٣٩.

١٤٣. *وسایل الشیعه*، ج ١٠، ص ١٣٨. در سیرهٔ امامان معصوم (علیهم السلام) به نکات ظریفی در این مسئله دقت شده است که پژوهشگر فقه می‌تواند با دقت و جمعبندی موارد مشابه و به عبارت دقیق‌تر خانوادهٔ حدیث، به اخلاق روزه‌داری معصومان (علیهم السلام) نزدیک شود و الگویی عینی از سیرهٔ معصومان در این مسئله استخراج کند.

١٤٤. عن أبي جعفرٍ (عليه السلام) ـ في حديثٍ ـ إنَّ رسولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله) قال: وَمَن فَطَّرَ فيه ـ أي في شهرِ رمضانَ ـ مؤمناً صائماً كانَ لَه بِذلك عندَ الله عتقُ رَقَبَةٍ، ومَغفرةٌ لِذُنوبه فيما مَضَى. قيل: يا رسولَ الله! ليسَ كُلُّنا يَقدِرُ عَلى أنْ يُفَطِّرَ صائماً؟ فَقال: إنَّ اللهَ كريمٌ يُعطِي هذا الثوابَ لِمَن لَم يَقدِرْ إلا على مَذْقَةٍ مِن لَبَنٍ يُفَطِّرُ بِها صائماً، أو شَربَةٍ مِن ماءٍ عَذبٍ، أو تَمَراتٍ، لا يَقدِرُ على أكثرَ مِن ذلك؛ همان. «مَذقَة» به شیر رقیق‌شده با آب گویند؛ *معجم الوسیط*، ذیل مادهٔ «مذق».

ساختارشناسی استحباب افطاری دادن

سیرۀ عملی معصوم

سیرۀ عملی معصومان (علیهم السلام) ترجمان عینی پیشاهنگی آنان در افطاری دادن مؤمنان و ناداران است. این نیک‌سیرتان و پاک‌سرشتان علاقه‌مندی پایدار و مستمری به افطاری دادن داشتند و این عمل را کاری پسندیده و دوست‌داشتنی می‌دانستند. روایاتی که در ادامه می‌آید، بدون هیچ اسنادی گویای این ادعا است؛

ـ لَأنْ أُفَطِّرَ رجلاً مؤمناً في بيتي أحبُّ إليَّ مِن أنْ أعْتقَ كذا وكذا نَسَمَةً مِن وُلدِ إسماعيل.

ـ كانَ عليُّ بنُ الحسينِ (عليه السلام) إذا كان اليومُ الذي يَصومُ فيه أمَرَ بِشاةٍ فَتُذبَحُ وتُقَطَّعُ أعضاؤه ... .

هر چند از نظر اصولی نهایت دلالت سیره جواز یا اباحه است، اما استمرار و تأکید بر آن در فعل و قول معصوم نشان از استحباب آن دارد.

گزاره‌های تلویحی ـ ترغیبی

از روایاتی که در بخش آثار معنوی افطاری دادن گذشت، به دست می‌آید که شارع اسلامی برای این عمل امتیازات ویژه‌ای در نظر گرفته است که بیشتر آهنگی تشویقی و کارکردی ترغیبی برای نهادینه‌سازی این آموزه در فرهنگ عمومی جامعۀ اسلامی دارد، اما چون شرایط مالی مکلفان یکسان نیست از تشریع وجوبی آن برای عموم تن زده و به استحباب بسنده کرده است. مجموعۀ این گزاره‌ها به طور تلویحی بیانگر این نکته است که افطاری دادن نزد شارع اهمیت و محبوبیت بالایی دارد؛ از همین روست که این همه آثار معنوی برای آن در نظر گرفته است و به شکل غیرمستقیم مکلفان واجد شرایط را به انجام آن تشویق کرده است.

سیرۀ متشرعه

متشرعان، چه در دورۀ حضور شارع و چه پس از آن، افطاری دادن را از سنتهای اسلامی انگاشته و در ماه مبارک رمضان جزء سیرۀ عملی بیشترینۀ آنان بوده و هست. به گواهی تاریخ اسلام و عرف رایج در کشورهای اسلامی، مسلمانان به این عمل به عنوان یک عمل مستحب و دارای ثواب می‌نگریستند و امروزه نیز همین برداشت از افطاری دادن در میان تمامی مسلمانان جهان اسلام حاکم است. از آنجا که پیشینۀ تاریخی سیرۀ متشرعه هم‌زمان با عصر شارع و برگرفته از قول و فعل شارع بوده است می‌توان آن را یکی از دیگر دلایل استحباب افطاری دادن برشمرد.

کارکردهای اجتماعی افطاری دادن

با دقت در روایات می‌توان کارکردهای اجتماعی‌ای چون: تحکیم روابط اجتماعی مؤمنان، تقویت روحیۀ صلۀ ارحام، ایجاد و رشد پیوندهای روحی و عاطفی میان مؤمنان، بسترسازی برای رفت و آمد بیشتر خانواده‌ها، کمک به نیازمندان مالی و کارکردهای فردی مانند تقویت روحیۀ ایثار، سخاوت و همیاری در شخص مسلمان را برای افطاری دادن برشمرد.

دعا هنگام افطار

لحظات افطار در نگاه عارفان واقعی یکی از لحظات دلخوشی مؤمن در دنیا و از مواقع استجابت دعـای مـؤمن در بارگاه بنده‌نواز الهی[۱۴۵] و وسیله‌ای برای آمرزش گناهان است.[۱۴۶] معـصومان (علـیهم الـسلام) بـرای آگـاه شدن مؤمنان راستین از این مهم و پاسداشت منزلت لحظات افطار، بر این نکته تأکید کرده و مـسلمانان را بـه دعا هنگام افطار سفارش نموده و خود دعاهایی را در این‌باره آموزش داده‌اند.

ساختارشناسی استحباب دعا هنگام افطار

سیره

در سیرهٔ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) گزارش شده است که آنان هنگام افطار، پیش از خوردن غذا دعاهایی را عارفانه زمزمه می‌کردند. امام صادق (علیه السلام) به اِسـناد پـدران بزرگوارشـان نقـل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام افطار چنین دعا می‌کردند:

اللهُمَّ لَكَ صُمْنا، وعَلَى رِزقِكَ أَفْطَرْنا فَتَقَبَّلْه مِنّا؛ ذَهَـبَ الظَّمَـاءُ، وَابْتَلَّـتِ العُـروقُ، وبَقِـيَ الأجرُ.[۱۴۷]

پروردگارا! به خاطر تو روزه گرفتم و با روزی تو افطـار نمـودم پـس آن را از مـا بپـذیر؛ [خدایا] تشنگی رفت و رگها آبدار شدند ولی پاداش آن بر جای ماند.

امر

ابوبصیر روایت می‌کند که امام صادق (علیه السلام) به من فرمود هنگام افطار در ماه مبارک رمضان چنین دعا می‌کنی:

الحمدُ لله الذي أعانَنَا فَصُمْنا ورَزَقَنا فَأَفْطَرْنا؛ اللهمَّ تَقَبَّـلْ مِنّـا وَأَعِنَّـا عليـه وَسَـلِّمْنا فيـه وتَسلَّمْهُ مِنّا في يُسْرٍ مِنكَ وعافيةٍ. الحمدُ للهِ الذي قَضَى عنَّا يوماً مِن شهرِ رمضانَ.[۱۴۸]

سپاس خدایی را که ما را یاری کـرد و روزه گـرفتیم و روزی‌مـان داد و افطـار کـردیم. پروردگارا! از ما بپذیر و ما را بر روزه‌داری یاری فرما و در حال روزه تندرست بدار و روزهٔ

---

۱۴۵. قال الصادق (علیه السلام): يُستَجابُ دعاءُ الصائمِ عندَ الإفطارِ؛ *وسایل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۴۸. عن موسی بن جعفر (علیـه السلام)، عن آبائه (علیهم السلام): إنَّ لِكلِّ صائمٍ عندَ فُطورِه دَعوةً مُستجابَةً، فإذا كان أولُ لقمةٍ فَقُلْ: «بِسمِ اللهِ، يا واسِعَ المغفـرةِ اِغْفِرْ لي»؛ همان، ص ۱۴۹.

۱۴۶. عليُّ بنُ موسى بنِ طاووس في *الإقبال* عنه [أي عن الإمام الصادق] (علیه السلام) قال: ما مِـن عبـدٍ يَـصومُ فَيقـولُ عنـدَ إفطارِه «يا عظيمُ يا عظيمُ، أنتَ الهي لا إلهَ لي غيرُكَ؛ اِغفِرْ لي الذنبَ العظيمَ؛ إنَّه لا يَغفِرُ الذنبَ العظيمَ إلا العظيمُ» إلا خَرَجَ مِـن ذُنوبِه كَيَومٍ وَلَدَتْه أمُّه؛ همان.

۱۴۷. *وسایل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۴۷.

۱۴۸. عن أبي بصيرٍ عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: تَقولُ في كلِّ ليلةٍ مِن شهرِ رمضانَ عندَ الإفطارِ ... ؛ «تقـولُ» اینجـا در معنای امر است هر چند که ساختار آن اِخباری است؛ همان، ص ۱۴۸ ـ ۱۴۷.

ما را به آسانی و سلامتی از ما تحویل بگیر. سپاس خدایی را که توفیق روزه‌داری روزی دیگر از ماه رمضان را به ما ارزانی کرد.

آداب باطنی روزه

ساحت ظاهری و باطنی روزه

از روایات برمی‌آید که روزه دو ساحت دارد؛ یکی ساحت ظاهری و بیرونی و دیگری ساحت داخلی و باطنی. موارد و مصادیق خودداری در ساحت بیرونی روزه، که در فقه به آن توجه شده است، معمولاً در حد توان عموم مکلفان است. این موارد به مفطِرات روزه معروف است که در جای خود از آنها سخن خواهیم گفت.

اما خودداری در حوزهٔ درونی و داخلی روزه، که شرط کمال و اتمام روزه است،[۱۴۹] به آسانی حاصل نمی‌شود. روایات به سخت بودن این‌گونه مراقبت اشاره کرده و از آن با عنوان شروط دشوار روزه یاد کرده‌اند.[۱۵۰] این بخش بیشتر مستحبات و مکروهات روزه را دربرمی‌گیرد. از این شرط در روایت امام صادق (علیه السلام) با تعبیر «الصُّمتُ الداخِل» یاد شده است.[۱۵۱]

هدف‌شناسی آداب باطنی

افشره و عصارهٔ آداب باطنی روزه، توجه به باطن و حقیقت روزه و مراقبت همارهٔ روزه‌دار از حال معنوی و باطنی روزهٔ خویش است. باید دانست که از عمده موارد کارامدی روزه در بُعد تربیت فردی، تقویت قوهٔ کنترل اعضا و قوای باطنی و روانی است که به مرور در جان و روح شخص روزه‌دار تثبیت و به ملکهٔ نفسانی تبدیل می‌شود. این توانمندی در غیر ایام روزه نیز مهار نفس را با افسار تقوا به کنترل عقل و شرع درمی‌آورد و از این رهگذر نفس چموش اماره را رام می‌کند و با قلبی مطمئن سر بر آستان دوست می‌نهد. پیدا است که این هدف تنها با خودداری از خوردن و آشامیدن و چیزهایی از این است که به جسم و بدن مربوط است، حاصل نمی‌شود بلکه در کنار آنها هماره باید به چیزهای دیگری نیز توجه شود تا روزه‌ای کارامد و تأثیرگذار در جان و جسم، حاصل شود و در عمل نیز به کار آید.

---

۱۴۹. به بیان روشن امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إنَّما لِلصَّومِ شرطٌ یَحتاجُ أن یُحفَظَ حتی یَتِمَّ الصومُ»؛ برای روزه شرطی است که محافظت از آن لازم است تا اینکه روزه به کمال رسد؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، آل البیت، ج ۱۰، ص ۱٦٦. روشن است که «حتی یَتِمَّ الصومُ» کنایه از مرحلهٔ کمال و تمام روزه است.

۱۵۰. همان، ص ۱٦۲.

۱۵۱. «إنَّما للصومِ شرطٌ یَحتاجُ أن یُحفَظَ حتَّی یَتِمَّ الصومُ وهو الصَّمْتُ الداخلُ»؛ برای روزه شرطی است که محافظت از آن لازم است تا اینکه روزه به کمال رسد و آن شرط، سکوت درونی است؛ همان، ص ۱٦٦.

جایگاه و گسترهٔ آداب باطنی روزه

در یک نگاه هندسی آداب باطنی روزه پایه‌های پنهان و ستونهای ناپیدای روزه است که نمود عینی چندانی ندارند، اما اساس روزه بر آنها استوار است. این آداب بیشتر به پاکدامنی و عفاف باطنی در ابعاد مختلف فکری، گفتاری، پنداری، کرداری، گویشی، سمعی، بصری مربوط می‌شوند که در نتیجه روزه‌دار را به خودداری از هر گونه حرام و کار زشت رهنمون می‌سازد.

معیار سنجش دستیابی به این حال و رعایت این ادب، ناهمسانی حال روانی و مراقبتی روزه‌دار هنگام روزه‌داری با حال غیر روزه‌داری و تحقق عملی کنترل تمایلات قوای ظاهری و باطنی در روزه‌دار است. خلاصه آنکه هدف از آداب باطنی روزه آن است که یک تفاوت بنیادین محسوس در رفتار و کردار روزه‌دار ایجاد شود تا او را از هر گونه پلشتیِ پیدا و ناپیدا دور نگه دارد. این روایات گسترهٔ روزه را از حد وجوب و مرتبهٔ نازل آن اندکی فراتر برده‌اند و بر روزه‌داری سایر اعضا که بیشتر گناهان با آنها انجام می‌گیرد تأکید کرده‌اند.

انواع آداب باطنی روزه

دو گروه آداب در این موضوع توصیه شده است؛ آداب اثباتی و آداب سلبی. منظور از آداب اثباتی مجموعه کردارها و گفتارهایی است که بهتر است روزه‌دار به آنها متخلق باشد و سعی کند آنها را به جا آورد (مستحبات: الزام به نحو فعل) و مراد از آداب سلبی مواردی است که روزه‌دار از نزدیک شدن به آنها پرهیز داده شده است. (مکروهات: الزام به نحو ترک فعل).

نهی در این روایات به معنای تحریمی و امر به معنای وجوبی آن نیست؛ به دیگر سخن ارتکاب موارد نهی‌شده و یا انجام ندادن موارد امرشده سبب فساد و بطلان روزه نمی‌شود، اما شرط کمال روزه شمرده می‌شوند. البته برخی از آنها فی‌نفسه لازم الترک (حرام) یا واجب الفعل (واجب) هستند که در جدول پیوست با علامت ستاره مشخص شده‌اند.

چکیده

- ✓ افطاری دادن شخص روزه‌دار در میان آداب روزهٔ ماه رمضان اهمیت فراوانی دارد و بر آن بسیار تأکید شده است. برخی از روایات معصومان ترجمان سیرهٔ عملی آن راهبانان طریق هدایت و مشعلداران مسیر سعادت است. در فرهنگ روایات از این عمل با عبارتی چون«تَفْطیر» و«مَنْ فَطَّرَ» یاد شده است.
- ✓ از نظرگاه اخلاق افطاری دادن گونه‌ای ایثار و نمود از سخاوت فردی است که فی‌نفسه حسن ذاتی دارد و از مظاهر خیرخواهی نسبت به دیگران است.
- ✓ میزان و کیفیت غذا به توان و آمادگی افطاردهنده بستگی دارد. در نگاه روایات مهم رفع گرسنگی و تشنگی روزه‌دار به هنگام افطار است؛ یعنی لقمه‌ها و جرعه‌های آغازین.

- ملاک در افطاری دادن فراهم ساختن مقدمات غذا و لوازم متعارف افطار یک شخص روزه‌دار در حد عـرف است که گاه با دعوت به مهمانی حاصل می‌شود و گاه با تهیهٔ مواد مورد نیاز یا غذای آماده و تقدیم آن بـه روزه‌داران.
- با دقت در روایات می‌توان کارکردهای اجتماعی‌ای چون تحکیم روابط اجتمـاعی مؤمنـان، تقویـت روحیـهٔ صلهٔ ارحام، ایجاد و رشد پیوندهای روحی و عاطفی میـان مؤمنـان، بـسترسازی بـرای آمـد و شـد بیـشتر خانواده‌ها، کمک به نیازمندان مالی و کارکردهای فردی چون تقویت روحیهٔ ایثـار، سـخاوت و همیـاری در شخص مسلمان را برای افطاری دادن برشمرد.
- معصومان (علیهم السلام) برای آگاه شدن مؤمنان راستین از اهمیت دعا و پاسداشت منزلت آن در لحظات افطار، بر این نکته تأکید کرده و مسلمانان را به دعا هنگام افطـار سـفارش نمـوده و خـود دعاهـایی را در این‌باره آموزش داده‌اند.
- روزه دو ساحت دارد؛ یکی ساحت ظاهری و بیرونـی و دیگـری سـاحت داخلـی و بـاطنی. مـوارد و مصادیق خودداری در ساحت بیرونی روزه، که در فقه به آن توجه شده است، معمـولاً در حـد تـوان عموم مکلفان است. این موارد به مفطِرات روزه معروف است.
- خودداری در حوزهٔ درونی و داخلی روزه، که شرط کمال و اتمام روزه است، به آسانی حاصل نمـی-شود؛ روایات به سخت بودن این‌گونه مراقبت اشاره کرده و از آن با عنـوان شـروط دشـوار روزه یـاد کرده‌اند. این بخش بیشتر مستحبات و مکروهات روزه را دربرمی‌گیرد. از این شرط در روایـت امـام صادق (علیه السلام) با تعبیر «الصُمت الداخل» یاد شده است.
- افشره و عصارهٔ آداب باطنی روزه توجه به باطن و حقیقـت روزه و مراقبـت همـارهٔ روزه‌دار از حـال معنوی و باطنی روزهٔ خویش است.
- در یک نگاه هندسی آداب باطنی روزه پایه‌های پنهان و ستونهای ناپیدای روزه است که نمود عینی چندانی ندارند، اما اساس روزه بر آنها استوار است. این آداب بیشتر به پاکدامنی و عفـاف بـاطنی در ابعاد مختلف فکری، گفتاری، پنداری، کرداری، گویشی، سمعی، بـصری مربـوط مـی‌شـوند کـه در نتیجه روزه‌دار را خودداری از هر گونه حرام و کار زشت رهنمون می‌سازد.
- آداب باطنی روزه دو گونه است: اثباتی و سلبی. منظور از آداب اثباتی مجموعه کردارها و گفتارهایی است که بهتر است روزه‌دار به آنها متخلق باشد و سعی کند آنها را به جا آورد و مراد از آداب سـلبی مواردی است که روزه‌دار از نزدیک شدن به آنها پرهیز داده شده است.

الزام به نحو ترک فعل	الزام به نحو فعل
لا تحاسدوا	غضوا أبصارکم ❊
لا تماروا	ألزموا الصمت والسکوت
لا تسابوا ❊	فلیصم سمعك وبصرك عن الحرام
لا تنابزوا ❊	ارفق بخادمك
لا تظلموا ❊	ینبغي أن یحفظ لسانه من اللغو والباطل

لا تنازعوا	احفظوا ألسنتكم عن الكذب ❋
لا تغتابوا ❋	عليكم السكينة والوقار ...
لا تغاضبوا	كونوا مشرفين على الآخرة
لا تشاتموا ❋	ليكن عليك وقار الصائم
لا تجادلوا	احفظ يدك وفرجك ❋
لا تسافهوا	عف بطنه وفرجه وكف لسانه ❋[۱۵۲]

۱۵۲. حر عاملی، پیشین.

جلسهٔ پنجم

آشنایی با آداب مفطرات صوم (۱)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ معناشناسی افطار و مفطِرات؛
- ✓ تحلیل محتوایی مفطِرات صوم؛
- ✓ گونه‌های مفطرات صوم؛
- ✓ شرایط عامهٔ تحقق مفطرات.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسه‌های پیشین با جایگاه، احکام و آداب ظاهری و باطنی روزه آشنا شدیم. در این جلسه و جلسه‌های آینده دربارهٔ مفطرات روزه سخن خواهیم گفت.

طرح بحث

در این جلسه با مباحث مقدماتی مبطلات روزه آشنا خواهیم شد و از جلسهٔ آینده دربارهٔ گونه‌های مختلف مبطلات روزه سخن خواهیم گفت.

احکام صوم در یک نگاه کلی به دو نوع اثباتی و سلبی تقسیم می‌شوند. احکام اثباتی، بایسته‌ها و اصول ماهوی عمل صوم هستند؛ بدین معنا که عمل مکلف باید به گونه‌ای باشد که بتوان عنوان صوم را بر حال او اطلاق کرد. از این بایسته‌ها می‌توان به اصول شکل‌دهندهٔ عمل صوم نیز نام برد. احکام سلبی به گونه‌ای از احکام گویند که عدم التزام عملی به آنها در هنگام روزه‌داری، حالت روزه را از شکل صحیح آن خارج می‌سازد؛ از این رو دوری کردن از این‌گونه اعمال بر روزه‌دار واجب است.

مباحث گذشته بیشتر به جنبهٔ اثباتی و بایسته‌های عمل صوم اشاره و همگی به گونه‌ای بر اصل ساختار و کارآمدی روزه‌داری تأکید داشتند. در حقیقت آثار و نتایج بیان‌شده بر صوم کامل و صحیح مترتب است نه صوم فاسد و غیر صحیح؛ اما بخشی از مباحث حُکمی صوم بر جنبه‌های سلبی و موارد اجتنابی آن نظارت دارد که در صورت توجه نکردن به آنها عمل صوم از شکل صحیح خود خارج خواهد شد و دیگر اطلاق صوم صحیح بدان روا نخواهد بود.

فقه‌پژوه با کنکاش در مطالب بیان‌شده با پرسش‌های زیر روبه‌رو می‌شود: آیا صوم دو قسم صحیح و باطل دارد؟ آیا صوم باطل اسقاط‌کنندهٔ تکلیف است؟ چه مواردی سبب فساد و بطلان صوم می‌شوند؟ ادبیات

فقهی و فرهنگ روایی در کجا و چگونه به این موارد می‌پردازد؟ اصطلاح تخصصی موارد فساد آفرین صوم در فقه و روایات چیست؟ و دهها پرسش گوناگون دربارۀ احکام و مسائل پیرامونی این موضوع.

کارکرد

برای دست‌یابی به برکات عمل صوم باید با نمونه‌های فسادِ آن، که نقش مانع و حجاب دارند، آشنا شد. همچنین ضرورت حُکمی امتثال کامل تکلیف الهی، پذیرفته شدن صوم از دیدگاه ربوبی و مطابق ساختن آن با ارادۀ الهی از جمله عوامل دیگری هستند که زمینه‌های «معرفتی ـ شناختی» پرداختن به این بحث در فقه را تشکیل می‌دهند. کارکردهای این بحث به صورت مختصر عبارت‌اند از:

الف) پیش‌شرط علمی تحصیل برکات و آثار معنوی صوم؛

ب) پیش‌شرط علمی امتثال کامل تکلیف صوم؛

ج) پذیرفته شدن صوم در کمند رضایت ربوبی؛

د) جلوگیری از آسیب‌پذیری عمل صوم.

اصطلاح شناسی

بخش عمده‌ای از روایات صوم در منابع حدیثی، نشان‌دهندۀ دیدگاه شارع اسلام دربارۀ درستی و فساد عمل صوم است و پردازش به مسائل گونه‌گون آن، مهمهای کتاب الصوم در کتابهای فقهی را سامان داده است. مفطِرات صوم و مبطِلات صوم، دو اصطلاح فقهی مشهور، برای مجموعه عوامل فسادآفرین عمل صوم، در ادبیات فقهی هستند. در روایات با عناوینی چون حد صوم، حریم صوم، و ... از مفطرات صوم یاد شده است. در کتابهای حدیثی در باب «ما یمسک عنه الصائم وقت الامساک»، از ابواب کتاب الصوم، به روایات در ارتباط با این موضوع اشاره شده است.

در این جلسه و جلسه‌های آینده برآنیم تا با مفهوم و گونه‌های مفطرات صوم از دیدگاه روایات و چگونگی استخراج احکام این مسئله از سوی فقیهان آشنا شویم.

معناشناسی ترکیب مفطراتِ صوم

مفطراتِ صوم از دو واژۀ عربی مفطِر و صوم تشکیل شده است. برای آشنایی با معنای اصطلاحی این ترکیب باید معانی لغوی و اصطلاح فقهی مفردات آن را بررسی کرد.

مُفطِر

مفطِر، از لحاظ ریخت‌شناسی دانش صرف، اسم فاعل مادهٔ فطر از باب إفطار است و مفطرات جمع مؤنث سالم آن است. از این رو اثرگذاری بر شیء تلویحاً در معنای مفطِر نهفته است.

افطار، مصدر فطر، از حیث معنا در تقابل با صیام و صوم است. افطار در لغت به معنای گشودن است و در هنگام اضافه شدن به صوم، به معنای قطع است. ترکیب فطر الصوم به معنای ترک روزه آمده است.[۱۵۳] اصطلاح «إفطار الصائم»[۱٥٤] به معنای انجام اعمالی همچون خوردن، آشامیدن و ... است که فرد روزه‌دار را از حالت روزه خارج می‌کند. اگر این موارد در هنگام روزهٔ حقیقی، به عمد و با اختیار فرد روی دهد، سبب فساد و باطل شدن روزه خواهد شد که به آنها مفطِرات صوم می‌گویند.[۱۵۵] اصطلاح افطار به معنای پایان یافتن زمان شرعی روزه و مدت روزه‌داری است ـ و همچنین استفاده از موارد ممنوع‌شده در هنگام روزه‌داری که با اذن شارع اسلامی ممکن می‌شود. اصطلاح افطار از حیث فقهی دو معنا دارد؛ نخست ترک عمدی روزه در زمان شرعی آن و دیگر اعلام پایان یافتن زمان شرعی روزه است.[۱٥٦] معنای نخست به جنبهٔ عملی روزه‌دار که در زمان شرعی روزه با انجام برخی اعمال و رفتارها سبب باطل شدن روزهٔ خود می‌گردد، اطلاق می‌شود و معنای دوم نیز بیشتر به بُعد زمانی روزه اشاره دارد.

صوم

در جلسهٔ نخست پیرامون معنای لغوی و اصطلاحی صوم سخن گفتیم و اشاره شد که صوم در لغت به معنای ترک، امساک یا ایستایی از حرکت است و در اصطلاح نیز به معنای خودداری از انجام کارهایی خاص همراه با قصد قربت در مدت زمان روز شرعی است.

تحلیل محتوایی مفطِرات صوم

مفطرات صوم به مجموعه رفتارها و گفتارهایی گفته می‌شود که فرد روزه‌دار باید در هنگام روزه از انجام آنها دوری کند؛ زیرا انجام یکی از آن اعمال، فرد مکلف را از حالت روزه‌داری خارج می‌کند.

برخی از این‌گونه اعمال همچون خوردن، آشامیدن و آمیزش با همسر به جزء در حالت روزه‌داری، حرمت فعلی ندارند؛ ولی برخی همانند نسبت دادن سخن دروغ به خداوند و معصومان در غیر از روزه‌داری نیز حرمت فعلی دارند و انجام آنها در حال روزه، آثار وضعی و تکلیفی ویژه‌ای همانند کفّاره و قضای روزه، برعهدهٔ روزه‌دار خواهد گذاشت. با دقت در روایات صوم به این نتیجه دست می‌یابیم که زمان یا حال صوم یکی از اسباب تحریم این‌گونه اعمال و گفتارهای اختیاری است که در غیر از حالت صوم چنین حرمت فعلی را ندارند. به عبارتی دیگر از اقتضائات و لوازم روزه گرفتن، دوری جستن از برخی رفتارهای فعلی و قولی است که از

---

۱۵۳. *العین*، ج ۷، ص ٤۱۸.

۱٥٤. Fast breaking.

۱۵۵. معجم *لغة الفقهاء*، إعداد مرکز المعجم الفقهی، ص ٤٤٥ ـ ٤٤٤.

۱٥٦. هر چند دربارهٔ این معنا بحث نخواهیم کرد.

دیدگاه شارع با هدف یا حکمت کلی روزه در تضاد هستند. بنابراین اساس ترک این موارد و امساک از آنها بر شخص روزه‌دار واجب است.

گونه‌شناسی مفطرات صوم

مفطرات را از یک دیدگاه کلی می‌توان به دو قسم منصوصه و غیرمنصوصه تقسیم کرد. مفطرات منصوصه به گونه‌ای از اعمال و گفتارها می‌گویند که در روایات صریحاً از آنها به عنوان موجبات فساد و بطلان روزه یاد شده است و می‌توان آنها را مفطرات مأثور نیز نامید. گروه دوم اعمالی هستند که در متن روایات به آنها اشاره‌ای نشده است؛ اما فقها با تحلیل اجتهادی و استنباط فقهی آنها را از موارد فساد روزه دانسته‌اند و از این رو به آنها مفطرات اجتهادی نیز اطلاق می‌شود.[۱۵۷] تعداد مفطرات منصوصه در روایات مختلف گزارش شده است؛ اما با گردآوری خانوادهٔ احادیث و نگاهی کلی می‌توان نمونه‌های زیر را به عنوان مفطرات منصوصه بر شمرد: خودداری ازخوردن و آشامیدن، آمیزش جنسی، خارج ساختن منی، فرو بردن سر در آب، رساندن غبار غلیظ به حلق، دروغ بستن به خدا، رسول (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام)، تنقیه به مایع و جامد و باقی ماندن تعمدی بر جنابت. هر چند در دلالت برخی از این موارد بر بطلان و فساد صوم میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد.

شروط عامهٔ تحقق مفطرات

تحقق هر مفطر به دست یافتن تعدادی شروط عامه و شروط خاصه پای‌بند است. مراد از شروط خاصه، شرایط اختصاصی تحقق مفطر است که با دیگر مفطرات تفاوت ماهوی دارد؛ ولی شروط عامه در همگی مفطرات مشترک است. منظور از این عنوان شرایط کلی و عمومی است که تحقق مفطرات پابستِ وجود آنها در هنگام ارتکاب است و در یک نگاه کلی به دو گونه یعنی؛ عنصر روانی ـ معنوی و عنصر عملی ـ مادی تقسیم می‌شوند. این شرایط در سنجش صحت تکالیف شرعی مورد لحاظ شارع اسلامی است و فقیهان به اقتضای موضوع، در لابه‌لای مباحث فقهی خود بدان پرداخته‌اند. ناگفته نماند که این بحث متفاوت از شرایط عامهٔ تکلیف است که در کلام و فلسفه فقه بدان توجه شده است.

عنصر روانی

ویژگیهای روانی و حالات قصد و ارادهٔ مکلّف در هنگام انجام مفطِرات صوم را عنصر روانی می‌گویند که برخی مربوط به حالات ذهنی و برخی مربوط به خواسته‌های ارادی او است. مهم‌ترین بایسته‌های عنصر روانی عبارت‌اند از:

---

۱۵۷. شایان توجه است که خاستگاه استنادی آنها روایات موجود در این باب است.

الف) عمدی بودن؛ با اراده و اختیار قبلی و آگاهانه عمل را مرتکب شده باشد و از روی جبر، اکراه و الجاء نباشد؛
ب) عالمانه بودن ارتکاب؛ پیش از انجام دادن به حرمت حکمی مسئله علم داشته باشد؛
ج) هشیاری؛ به سبب فراموشی، غفلت و حواس‌پرتی چنین عملی را انجام نداده باشد.

عنصر مادی

ویژگیهای عمل ارتکابی از ابعادی چون همانندی با عنوان ممنوعه، زمان شرعی ارتکاب، ارتکاب به سبب جبر جسمانی و ... را عنصر مادی می‌گویند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
الف) تطابق داشتن عنوانی عمل ارتکابی با عنوان تحریمی در شرع؛
ب) تحقق یافتن عمل در محدودهٔ زمانی روزه؛
ج) مرتکب نشدن عمل به سبب ضعف شدید جسمی.

معناشناسی ساختار نهی در روایات مفطرات صوم

فقیهان حرمت ارتکاب مفطرات صوم را با توجه ساختار نهی موجود در روایات استنباط کرده‌اند. شایان ذکر است که شناخت چگونگی دلالت نهی و گسترهٔ آن در عبادات، یک مبحث مهم از دانش اصول فقه را سامان داده است که دانشیان این رشته در کتابهای خود فراوان و با دقت تمام بدان پرداخته‌اند.

اما اصولیان بر این باورند که نهی در عبادات سبب فساد عمل است. اقتضای نهی این است که مکلف باید از تمامی مصادیق خارجی نهی خودداری کند تا نسبت به منهی‌عنه امتثال را به جا آورده باشد. از این رو بر اساس نظر مشهور اصولی، مواردی که از انجام آنها در هنگام روزه‌داری نهی شده است، در صورت ارتکاب، سبب فساد و بطلان عمل خواهد شد؛ زیرا صوم عمل عبادی است و نهی در عبادات سبب فساد آن است.

چکیده

- ✓ احکام صوم در یک نگاه کلی به دو نوع اثباتی و سلبی تقسیم می شوند. احکام اثباتی، بایسته‌ها و اصول ماهوی عمل صوم هستند.
- ✓ احکام سلبی به گونه‌ای از احکام گویند که عدم التزام عملی به آنها در هنگام روزه‌داری حالت روزه از شکل صحیح آن خارج می‌سازد.
- ✓ تحصیل برکات و آثار معنوی صوم، امتثال کامل تکلیف صوم، پذیرفته شدن صوم در کمند رضایت ربوبی و جلوگیری از آسیب‌پذیری عمل صوم زمینه‌های معرفتی ـ شناختی پرداختن به این بحث در فقه را تشکیل می‌دهند.

- ✓ مفطِرات صوم و مبطِلات صوم، دو اصطلاح فقهی مشهور، برای مجموعه عوامل فسادآفرین عمل صوم در ادبیات فقهی هستند. در روایات با عناوینی چون حد صوم، حریم صوم و ... از مفطرات صوم یاد شده است. در کتابهای حدیثی در باب «ما یمسک عنه الصائم وقت الامساک»، از ابواب کتاب الصوم، به روایات در ارتباط با این موضوع اشاره شده است.
- ✓ اصطلاح افطار از حیث فقهی دو معنا دارد؛ نخست ترک عمدی روزه در زمان شرعی آن و دیگری اعلام پایان یافتن زمان شرعی روزه از سوی شارع است.
- ✓ مفطرات صوم به مجموعه رفتارها و گفتارهایی گفته می‌شود که فرد روزه‌دار باید در هنگام روزه از انجام آنها دوری کند؛ زیرا انجام یکی از آن اعمال، فرد مکلف را از حالت روزه‌داری خارج می‌کند.
- ✓ مفطرات را از یک دیدگاه کلی می‌توان به دو قسم منصوصه و غیرمنصوصه تقسیم کرد.
- ✓ تحقق هر مفطر به دست یافتن تعدادی شروط عامه و شروط خاصه پای‌بند است. مراد از شروط خاصه، شرایط اختصاصی تحقق مفطر است که با دیگر مفطرات تفاوت ماهوی دارد؛ ولی شروط عامه در همگی مفطرات مشترک است.
- ✓ حرمت ارتکاب مفطرات صوم را فقیهان از ساختار نهی موجود در روایات استنباط کرده‌اند.

جلسهٔ ششم

آشنایی با مفطرات روزه (۲)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ مفهوم و احکام خوردن و آشامیدن در هنگام روزه؛
- ✓ مفهوم و احکام سر فرو بردن در آب در هنگام روزه؛
- ✓ نکات فقه الحدیثی روایات، احکام فرعی و آرای فقیهان در هر مسئله.

درآمد

در این جلسه با دیگر اقسام مفطرات صوم یعنی «خوردن و آشامیدن» و «سر فرو بردن در آب» آشنا می‌شویم. معناشناختی، گزارش، تحلیل محتوایی، نکات فقه الحدیثی روایات، آرای فقیهان و احکام فرعی مسئله سیر کلی مباحث این جلسه را تشکیل می‌دهند.

مفطر اول و دوم: خوردن و آشامیدن

اشاره

نهی از خوردن و آشامیدن به هنگام روزه، بسان بیشتر مفطرات صوم پیشینهٔ قرآنی دارند. مثلاً آیهٔ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يتَبَينَ لَكُمُ الْخَيطُ الْأَبْيضُ مِنَ الْخَيطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ [158] به گونه‌ای بر باز داشته شدن از خوردن و آشامیدن در زمان روزه‌داری به صورت شرعی دلالت دارد.

از بُعد محتوایی، خوردن و آشامیدن از گونهٔ مفطرات رفتاری ـ عملی هستند که با هدف روزه (یعنی گرسنگی و تشنگی هدفمند) در تضادی آشکار هستند و بدون آنها اساساً روزه محقق نمی‌شود؛ از این رو دوری از آن دو نقش بنیادی در صوم دارند. شاید خوردن و آشامیدن در میان مفطرات دیگر مقدم‌تر باشد که این امر به دلیل اهمیت بنیادی و کثرت ابتلای آنها در میان مردمان است.

---

۱۵۸. بقره/ ۱۸۷.

روایات

خوردن و آشامیدن از نخستین مفطراتی هستند که در روایات از آنها یاد شده است. در روایات اسلامی مفطر بودن این دو متعدد و به گونه‌های مختلف بر آن تأکید شده است. شاید سبب این اختلاف در متن ناشی از فرایند نقل به معنا باشد یا به سبب نقلهای گوناگون معصومان در این مسئله باشد. شایان ذکر است که در هر دو توجیه، مفهوم روایات هیچ تعارضی با یکدیگر نخواهند داشت.

اینک به سه روایت از امام باقر، امام صادق و امام علی (علیهم السلام)، اشاره می‌کنیم:

۱ـ عن محمدِ بنِ مسلمٍ قال: سمعتُ أبا جعفرٍ (علیه السلام) یقول: لا یضُرُّ الصائِمَ ما صَنَعَ إذا اجْتَنَبَ ثلاثَ خِصالٍ: الطعامَ والشرابَ، ... .[۱۵۹]

محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: هنگامی که شخص روزه‌دار از سه خصلت دوری کند به روزهٔ او آسیبی نرسد؛ خوردنی، نوشیدنی و ... .

۲ـ عن أبی بصیرٍ قال: قال أبوعبدِالله (علیه السلام): الصیامُ، مِن الطعامِ والشرابِ، ... .[۱۶۰]

ابوبصیر گوید، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روزه‌داری [خودداری] از خوردنی و نوشیدنی و ... است.

۳ـ عن علی (علیه السلام) قال: وأمّا حدودُ الصَّومِ فَأربعةُ حدودٍ: أولُها اجتنابُ الأکلِ والشربِ، ... .[۱۶۱]

از امام علی (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: حدود روزه چهار حد است که نخستین آنها اجتناب از خوردن و آشامیدن است.

معناشناخت

کلید واژه‌های روایات بیان شده، واژگان «الأکل»، «الشُرب»، «الطعام»و «الشَراب» هستند. از آنجا که معانی لغوی واژگان ذکرشده «خوردن و آشامیدن» و «خوردنی و آشامیدنی» روشن است، بیش از این به شرح و توضیح دربارهٔ آنها نمی‌پردازیم؛ اما آنچه در اینجا باید بدان توجه شود تأثیر قالب و ساختار صرفی آنها در معنا و به پیروی از آن در حکم مسئله است.

ساختار صرفی دو واژهٔ نخست مصدری است و دو واژهٔ دیگر بر وزن «فَعال» اسم و از فعل «طَعِم» و «شَرِب» هستند. واژگان «الأکل» و «الشرب» از آن جهت که مصدر هستند بدون اشارت زمانی، کمی، کیفی و نوعی بر نفس انجام و تحقق عمل، که در اینجا خوردن و نوشیدن است، دلالت دارند؛ از این رو طیف معنایی گسترده‌ای را دربردارند. همچنین اگر تنها به ظاهر روایت بنگریم الف و لام در اسامی «الطعام» و «الشراب»، الف و لام جنس خواهد بود که الف و لام جنس در اینجا عمومی بودن و فراگیری را به ما گوشزد

۱۵۹. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۳۱.
۱۶۰. همان، ص ۳۲.
۱۶۱. همان.

می‌کند؛ به این معنا که هرگونه و هر نوع از خوردنیها و نوشیدنیها را شامل می‌شود؛ مگر مواردی خاص که برای آن دلیلی داشته باشیم.

ساختارشناسی دلالت تحریمی روایات

اینک سخن دربارهٔ شناخت چگونگی دلالت روایات ذکرشده بر حرمت خوردن و آشامیدن در هنگام روزه‌داری است.

الف) کلید واژه

استفاده از واژهٔ «حد» و «اجتناب» در روایت «وأما حدودُ الصوم فأربعةُ **حدودٍ**: أولها **اجتنابُ** الأكل والشرب» گویای حرمت عمل خوردن و آشامیدن در هنگام روزه‌داری است. برای فهم ظرافت دلالتی این روایت بر حرمت خوردن و آشامیدن در هنگام روزه‌داری باید با معانی لغوی و اصطلاحی حد و اجتناب آشنا شویم. کوتاه سخن آنکه هر چیز حد خاص و ویژهٔ خود را دارد و همچنین حد در همه جا به معنای حرمت به کار نرفته است.

روایت «الصیامُ من الطعام والشراب» نیز به گونه‌ای آهنگ تبیین و تحدید گسترهٔ صوم را دارد. در این روایت، به نخستین گام روزه‌داری یعنی خودداری از خوردن و آشامیدن اشاره می‌شود. در این روایت حرف جارهٔ «مِن» معنای تبیینی و توصیفی نسبت به متعلق صیام دارد. معصوم در این روایت با بهره‌مندی از ترکیب «الصیام من» موارد تحریم شده در هنگام صوم را در پس آن به ترتیب گنجانده است.

ب) مفهوم مخالف

مراد از «مفهوم» در اصول فقه، معنایی است که در مقابل «منطوق» قرار دارد. منطوق به مدلول مطابقی کلام می‌گویند و مفهوم عبارت‌اند از مدلول التزامی کلام و بر دو قسم است: مفهوم موافق و مفهوم مخالف.

مفهوم موافق بدین معنا است که میان مفهوم و منطوق از جهت سنخ حکم موافقت وجود داشته باشد و اگر میان آن دو توافقی نباشد، مفهوم از نوع مخالف خواهد بود. بر این اساس دلالت مفهومی روایت «لا یضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال: الطعام والشراب» از نوع مفهوم مخالف است؛ به این معنا که خوردن و آشامیدن به روزهٔ روزه‌دار آسیب می‌رساند و به عبارت دقیق‌تر روزه باطل خواهد شد. این نکته را از ترکیب مفهومی دو گزارهٔ «لا یضر ... إذا اجتنب» می‌توان استنباط کرد.

مفهوم مخالف ذکرشده در روایت مفهوم شرط است. در تعریف این مفهوم آورده‌اند؛ مفهوم شرط آن است که حکمِ معلق به شرط با انتفای شرط، منتفی باشد. در روایت بحث‌شده عبارت «لایضر» حکم و «إذا اجتنب» شرط آن است که در صورت انتفای شرط (ارتکاب مجتنبٌ‌عنه: خوردن و آشامیدن) حکم ذکرشده (درستی روزه) دیگر پا برجا نخواهد بود.

نکات فقه الحدیثی روایات

۱ـ متعلق اجتناب در روایت اول و دوم «خوردنی و آشامیدنی: الطعام و الشراب» و در روایت سوم «خوردن و آشامیدن: الأکل و الشرب» است. به عبارت دیگر اجتناب در پاره‌ای روایات به خوراک و در برخی دیگر به خوردن (یعنی مصدر) اضافه شده است. این اختلاف در مضافٌالیه و متعلق اجتناب سبب پیدایش اختلاف نظر میان فقیهان ژرف‌نگر در مفهوم این احادیث شده است. در حقیقت این شبهه ایجاد شده است که آیا نفس عمل خوردن و آشامیدن یعنی داخل ساختن هرگونه شی خارجی به داخل بدن، بدون توجه به نوع خوردنی و نوشیدنی، سبب فساد روزه است و یا اینکه تنها داخل ساختن خوردنیها و نوشیدنیهای متعارف، سبب فساد روزه می‌شود.

۲ـ از اطلاق روایات چنین برمی‌آید که در خوردنی و نوشیدنی تفاوتی وجود ندارد که معتاد و متعارف باشد همانند نان و آب و یا غیرمتعارف باشد مانند خاک، سنگریزه، شیرهٔ درختان و نفت.

۳ـ اندازهٔ خوردنی و نوشیدنی در روایات مطلق و بدون قید است و تفاوتی نمی‌کند که زیاد یا کم باشد حتی یک قطره نیز می‌تواند سبب باطل شدن روزه شود.

٤ـ نهی تحریمی روایات، اقتضای ترک انواع و انحای اکل و شرب و طعام و شراب را دارد؛ زیرا نهی به طبیعت آنها تعلق گرفته است و لازمهٔ امتثال چنین نهیی ترک هرگونه خوردنی و نوشیدنی به هرگونه خوردن و آشامیدن است. هر چند ممکن است دلیل خاصی بر خروج از موردی خاص در این زمینه وجود داشته باشد.

٥ـ صدق عمل خوردن و آشامیدن به طور عرفی برای بطلان روزه کفایت می‌کند اگرچه داخل نمودن خوردنی یا آشامیدنی به گونه‌ای غیرمتعارف باشد، مثلاً از طریق بینی یا غیر آن.

٦ـ اگر تنها بگوییم استعمال خوردنی و آشامیدنی عرفی سبب بطلان روزه خواهد شد، در این صورت آنچه از نظر عرف، طعام و شراب بدان اطلاق نمی‌شود، سبب بطلان روزه نخواهد شد هر چند در این امر نیز جای اختلاف نظر وجود دارد.

۷ـ مطابق معیار عرفی در خوردن و آشامیدن باید طعام و شراب از ناحیهٔ دهان عبور و به حلق و معده وارد شود؛ اما سیاق روایات مانع چنین انصرافی است.

۸ـ حذف متعلق خوردن و نوشیدن در روایت «اجتناب الأکل والشرب» دلالت بر تعلق حکمِ اجتناب به طبیعت خوردن و آشامیدن دارد.[١٦٢]

مفطر سوم: سر فرو بردن در آب

اشاره

یکی دیگر از مفطرات صوم سر فرو بردن در آب است. بارها تجربه شده است که فرد روزه‌دار به سبب کاهش مقدار آب بدنش، احساس عطش می‌کند و به ویژه در روزهای گرم و در مناطق گرمسیر احساس گرمازدگی می‌کند؛ از این رو چنین فردی دوست دارد حرارت بدنش را با آب یا هر وسیلهٔ خنکزای دیگر فروکاهد.

---

١٦٢. *کتاب الصوم*، ج١، شیخ أنصاری، ص ٢١.

در بحث پیشین گفتیم که نوشیدن هرگونه مایعاتی در هنگام روزه‌داری ممنوع است؛ از این رو استفادهٔ مستقیم از آب برای فرد روزه‌دار جایز نیست اما در اینجا پرسشی به ذهن می‌آید که آیا استفادهٔ غیرمستقیم از آن همانند سر فرو بردن در آب، خنک کردن بدن با آب سرد و ... نیز ممنوع است؟ پاسخ اجمالی اینکه سر فرو بردن در آب ممنوع است و این کار حرام تلقی می‌شود. اما خنک کردن بدن با آب حرام نیست، هر چند گونه‌هایی از آن مکروه است.

حال ممکن است در ذهن فقه‌پژوه این سؤال مطرح شود که چرا در ادلهٔ شرعی سر فرو بردن در آب حرام است؟ در صورتی که در دیگر ادله، تنها نوشیدن مایعات حرام شده بود؟ شاید بهترین پاسخ به این پرسش و پرسش‌های دیگر همانند آن، این باشد که اوامر و نواهی شرعی از سوی خداوند حکیم صادر شده است و از این رو حتماً حکمت و مصلحتی در آن نهفته است که با توجه به هر موضوع، در تشریع احکام به آن توجه شده است که گاه ممکن است این مسائل به آسانی به کمند صید عقل در نیایند. با این حال دربارهٔ پرسش پیشین می‌توان چنین پاسخ داد:

اولاً؛ در هنگام سر فرو بردن در آب، امکان داخل شدن آب از مجاری ورودی سر به ویژه از طریق بینی و دهان وجود دارد.

ثانیاً؛ سر فرو بردن در آب با جذب رطوبت موجود در آب و انتقال آن از طریق مجاری پوست سر خاصیت عطش‌زدایی و در نتیجه کاستن از درجهٔ تشنگی را به همراه دارد که در اینجا باید به این نکته توجه کرد که یکی از اهداف روزه دوری کردن از هر آنچه برطرف‌کنندهٔ اثر تشنگی باشد، است و در برخی از روایات این اقدام مکروه دانسته شده است.[۱۶۳]

در مفطر دوم، ممنوع بودن تفصیلی عمل نوشیدن از دیدگاه شارع اسلام بیان شد؛ سر فرو بردن در آب شاید با ممنوع بودن استفاده از نوشیدنیها در ملاک تشریع اشتراک جزئی داشته باشد.

ثالثاً؛ این امر جنبهٔ تعبّدی و ابتلایی دارد؛ بدان معنی که خداوند با این حکم روزه‌داران را به آزمون و امتحان فراخوانده است و مکلّفان از باب تعبّد باید بدان ملتزم شوند.[۱۶۴]

روایات

سر فرو بردن در آب از دیگر مفطراتی هستند که تنها در روایات از آن یاد شده است. در روایات اسلامی مفطر بودن آن متعدد و به گونه‌های مختلف بر آن تأکید شده است. شاید سبب این اختلاف در متن ناشی از فرایند نقل به معنا باشد یا به سبب نقلهای گوناگون معصومان در این مسئله باشد. شایان ذکر است که بنا بر هر دو توجیه، مفهوم روایات هیچ تعارضی با یکدیگر نخواهند داشت.

اینک سه روایت از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) را بررسی می‌کنیم؛

---

۱۶۳. عن عبد الله بن سنان قال: سمعتُ أبا عبد الله (علیه السلام) یقول: لا تُلزِقْ ثَوبَكَ إلی جَسَدِكَ وهو رَطْبٌ وأنتَ صائمٌ حتی تَعصِرَه. عبد الله بن سنان می‌گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: در حال روزه لباس خیس را به تن نکن تا اینکه آن را فشار دهی و آبش را خارج کنی؛ *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۳۶.

۱۶۴. آنچه در این قسمت به عنوان پاسخ بیان شد، با توجه به احتمال در مسئله بود، نه بیان علت و حکمت تشریع حکم.

۱ـ ... عن يعقوبِ بن شعيب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا يَرْتَمِسُ المُحرِمُ في الماءِ ولا الصائمُ.[۱۶۵]

يعقوب بن شعيب از امام صادق (عليه السلام) روايت می‌کند که آن حضرت فرمودند: شخص مُحرم و روزه‌دار نبايد کامل زير آب بروند.

۲ـ ... عن محمد بن مسلمٍ، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: الصائمُ ... ولا يَغمِسُ رأسَه في الماءِ.[۱۶۶]

محمد بن مسلم از امام باقر (عليه السلام) روايت می‌کند که آن حضرت فرمودند: شخص روزه‌دار نبايد سرش را زير آب فرو ببرد.

۳ـ الحسنُ الصيقلُ قال، سألتُ أبا عبد الله (عليه السلام) عن الصائمِ يَرتَمِسُ في الماء؟ قال: لا؛ ولا المُحرِم، ... .[۱۶۷]

حسن صيقل گويد از امام صادق (عليه السلام) دربارهٔ حکم سر فرو بردن در آب در هنگام روزه‌داری پرسيدم. آن حضرت در پاسخ فرمودند: نه، روا نيست و همچنين بر شخص مُحرم نيز روا نيست.

معناشناخت

کليدواژه‌های روايات «ارتماس، غَمْس، رأس و الماء» است. عرب‌زبانان اصيل معنای واژگان ذکرشده و تفاوت معنايی ارتماس و غَمسْ را به خوبی می‌دانند.

رَمْس و غَمْس

«غَمس و رَمس» به معنای فراگرفتن چيزی با اشيای روان است. «غَمْس» در لغت به معنای فرو ماندن يک چيز در چيزی روان، مرطوب يا آب يا رنگ است، مثلاً فرو بردن قلم در دوات برای نوشتن را «غَمس» گويند. «غمس» و «رمس» از يک خانوادهٔ معنايی هستند.

در تفاوت ارتماس با اغتماس آورده‌اند که در غمس فرو ماندن با درنگ و طولانی‌تر از ارتماس است؛ به عبارت ديگر، ارتماس آن است که مکث در شیء طولانی نباشد.[۱۶۸]

---

۱۶۵. *وسائل الشيعه* (آل البيت)، ج ۱۰، ص ۳۶.

۱۶۶. همان.

۱۶۷. همان.

۱۶۸. *لسان العرب*، ج ۶، ص ۱۵۶.

رأس

رأس در روایت به معنای سر، عضوی از اعضای انسانی، است. آنچه در اینجا مهم است؛ تعیین ابتدای گستره و آغاز محدودهٔ سر است که از باب احتیاط، باید به اندازهٔ گردن به بالا که گسترهٔ زیادی را نیز دربردارد، عمل کرد. همچنین موها جزء سر نیستند و بیرون ماندن آنها با درستی ارتماس منافاتی ندارد.

الماء

«الماء» به معنای آب است و در روایات انواع آبهای خالص را شامل می‌شود. سر باید در آب فرو رفته باشد نه در مایعات دیگری همچون گلاب، شیر و ... هر چند احتیاط در ترک غمس، در آب مضاف است.

ساختارشناسی دلالت روایات

این مسئله دربارهٔ شناخت چگونگی دلالت حُکمی روایات ذکرشده بر سر فرو بردن در آب در هنگام روزه‌داری است. فقیهان دو حکم برای این عمل ذکر کرده‌اند؛

الف) نهی

تنها ساختاری که در روایات برای بیان حکم حرمت سر فرو بردن در آب بیان شده، ساختار نهی است. در روایات از نهی در قالب جملهٔ خبری (که معنای انشایی دارد)، فعل نهی و همچنین لای ناهیه استفاده شده است.

- ولا یغمِسُ رأسَه فی الماء.[١٦٩]
- لا یرتمِسُ المُحرِمُ فی الماء ولا الصائمُ.[١٧٠]
- سألت ... عن الصائم یرتمسُ في الماء؟ قال: لا ولا المُحرِم.[١٧١]

روشن است که نهی در موارد بیان‌شده دلالت تحریمی بر متعلق نهی دارد و قاعدهٔ بطلان و فساد نهی در عبادات هم در اینجا حاکم است.

نکات فقه الحدیثی روایات

١ـ برخی روایات پرسمانی هستند که نشان‌دهندهٔ ابتلا و اهمیت یا ابهام مسئله نزد راوی است.
٢ـ در صورت شک در تحقق غمس و رمس، استصحاب عدم تحقق جاری است و باید اصل صحت را نسبت به روزهٔ مکلف جاری کرد.

١٦٩. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ١٠، ص ٣٦.
١٧٠. همان.
١٧١. همان.

۳ـ اقتضای اطلاق عرفی ارتماس آن است که سر فرو بردن در آب باید مستقیم، بدون مانع و حائل، باشد.
٤ـ عرف روغن مالیدن به سر را به عنوان حائل نمی‌شناسد؛ اما لباس غواصی حائل است.
٥ـ سر باید هم‌زمان و یکجا در زیر آب فرو رود تا غمس و رمس تحقق یابد.

چکیده

- ✓ نهی از خوردن و آشامیدن بسان بیشتر مفطرات صوم پیشینهٔ قرآنی دارند. مثلاً آیهٔ کُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ به گونه‌ای بر بازداشته شدن از خوردن و آشامیدن در زمان روزه‌داری به صورت شرعی دلالت دارد.
- ✓ دوری کردن از خوردن و آشامیدن نقش بنیادی در صوم دارند و اساساً روزه بدون آن دو محقق نمی‌شود؛ شاید خوردن و آشامیدن در میان مفطرات دیگر مقدم‌تر باشد که این امر به دلیل اهمیت بنیادی و کثرت ابتلای آنها در میان مردمان است.
- ✓ سبب اختلاف متن روایات ناشی از فرایند نقل به معنا یا به سبب نقلهای گوناگون معصومان در این مسئله باشد.
- ✓ کلید واژه‌های روایات بیان‌شده، واژگان «الأکل»،«الشرب»، «الطعام»و «الشراب» هستند. آنچه در معناشناخت واژگان مهم است، تأثیر قالب و ساختار صرفی آنها در معنا و به پیروی از آن در حکم مسئله است.
- ✓ روایات دو گونه بر حرمت خوردن و آشامیدن در هنگام روزه‌داری دلالت دارند؛ کلیدواژه و مفهوم مخالف.
- ✓ سر فرو بردن در آب از دیگر مفطراتی هستند که تنها در روایات از آن یاد شده است.
- ✓ در روایات اسلامی مفطر بودن آن متعدد و به گونه‌های مختلف بر آن تأکید شده است.
- ✓ کلمات محوری روایات، ارتماس، غمس، رأس و الماء است.
- ✓ در تفاوت ارتماس با اغتماس آورده‌اند که در غمس فرو ماندن با درنگ و طولانی‌تر از ارتماس است؛ به عبارت دیگر، ارتماس آن است که مکث در شیء طولانی نباشد.
- ✓ تنها ساختاری که در روایات برای بیان حکم حرمت سر فرو بردن در آب بیان شده، ساختار نهی است. در روایات از نهی در قالب فعل نهی و همچنین لای ناهیه در روایات پرسمانی استفاده شده است.
- ✓ روایات هر مسئله نکات متعدد فقه الحدیثی مهم و دقیق دارد.

جلسۀ هفتم

آشنایی با مفطرات روزه (۳)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ مفهوم و احکام دروغ بستن به خدا، پیامبر و ائمه؛
- ✓ نکات فقه الحدیثی روایات این موضوع؛
- ✓ احکام فرعی و آرای فقیهان در این مسئله.

درآمد

در این جلسه با یکی دیگر از مفطرات صوم یعنی «دروغ بستن به خدا، پیامبر و امامان» آشنا می‌شویم. معناشناختی، گزارش، تحلیل محتوایی و نکات فقه الحدیثی روایات، آرای فقیهان و احکام فرعی مسئله، از جمله مباحث تشکیل‌دهندۀ این جلسه هستند.

دروغ بستن به خدا، پیامبر و امامان

دروغ بستن به خدا، رسول و امامان یکی دیگر از مفطرات صوم است که در روایات از آن با عنوان «الکذبُ علی الله ورسوله وعلی الأئمة (علیهم السلام)» یاد شده است. گفتنی است به مفطِر بودن این فعل برای صوم تنها در روایات اشاره شده است.

روایات

در وسایل الشیعه به شش روایات دربارۀ مسئلۀ دروغ بستن به خدا، پیامبر و امامان اشاره شده است؛ که دو روایت از طریق «سُماعه» به شکل مضمر، دو روایت ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام)، یک روایت از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و یک روایت سید بن طاووس از امام باقر (علیه السلام) است. اینک با متن و ترجمه این روایات آشنا می‌شویم:

١ـ عن سماعةَ قال: سألتُه عن رجلٍ كَذَبَ في شهرِ رمضانَ، فقال: قد أفْطَرَ وَعليه قَضاؤُه وهو صائمٌ؛ يَقضي صومَه ووضوئَه إذا تَعَمَّدَ.[١٧٢]

سماعه گوید: از او (علیه السلام) دربارهٔ حکم روزهٔ شخصی که در ماه رمضان دروغ بگوید پرسیدم، در پاسخ فرمود: با این عمل او، روزه‌اش را افطار کرده است و قضای آن روز بر او واجب است. او بایستی روزه و وضویش را قضا کند، اگر متعمد باشد.

٢ـ ... عن سماعةَ قال: سألته عن رجلٍ كذَبَ فی رمضان؟ فقال: قد أفطَرَ وعليه قضاؤُه؛ قُلتُ فَما كَذْبَتُه؟ قال: يَكذِبُ علَى اللهِ وعلى رسولِه (صلى الله عليه وآله).[١٧٣]

سماعه گوید: از او (علیه السلام) دربارهٔ حکم روزهٔ مردی که در ماه رمضان دروغ بگوید پرسیدم، در پاسخ فرمود: با این عمل او روزه‌اش را افطار کرده است و قضای آن روز بر او واجب است. سماعه می‌گوید از ایشان پرسیدم: دروغش چه باشد؟ فرمودند: بر خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) دروغ بسته باشد.

٣ـ عن أبی بصيرٍ قال: سمعتُ أبا عبدِ الله (عليه السلام) يقول: الكَذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ وتُفْطِرُ الصائمَ. قال: قلتُ له: هَلَكْنا؛ قال: ليسَ حَيثُ تَذهَبُ، إنَّما ذلكَ الكِذبُ علَى اللهِ وعلى رسولِه وعلى الأئمةِ (عليهم السلام).[١٧٤]

ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: دروغ گفتن وضو را نقض و سبب بطلان روزهٔ شخص روزه‌دار است. ابوبصیر گوید: به حضرت عرض کردم: در این صورت هلاک شده‌ایم. امام فرمودند: آن طوری که تو خیال می‌کنی، نیست همانا منظورم دروغ بستن بر خدا، پیامبر و ائمهٔ اطهار است.

٤ـ عن أبي بصيرٍ، عن أبي عبد الله (عليه السلام): إنَّ الكِذبَ على اللهِ وعلى رسولِه وعلى الأئمةِ (عليهم السلام) يُفطِرُ الصائمَ.[١٧٥]

ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: دروغ بستن بر خدا، پیامبر و ائمهٔ اطهار سبب بطلان روزهٔ روزه‌دار است.

٥ـ عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: خمسةُ أشياءَ تُفطِرُ الصائمَ الأكلُ، والشُّربُ، والجِماعُ، والارتماسُ في الماءِ، والكِذبُ على اللهِ وعلى رسولِه وعلى الأئمةِ (عليهم السلام).[١٧٦]

امام صادق (علیه السلام) فرمودند؛ پنج چیز است که روزه را باطل می‌کند: خوردن، آشامیدن، آمیزش جنسی، فرو بردن سر در داخل آب و دروغ بستن بر خدا، پیامبر و ائمهٔ اطهار (علیهم السلام).

٦ـ عليُّ بنُ موسى بن طاووس فی كتاب *الإقبال* قال: رأيتُ في أصلٍ مِن كُتُبِ أصحابِنا

---

١٧٢. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ١٠، ص ٣٤.

١٧٣. همان، ص ٣٢.

١٧٤. همان، ص ٣٣.

١٧٥. همان، ص ٣٤.

١٧٦. همان.

قال: سمعتُ أبا جعفرٍ (علیه السلام) یقول: إنَّ الکَذِبَةَ لَتُفطِرُ الصائمَ ... .[۱۷۷]
سید بن طاووس در کتاب خود *الاقبال* چنین نقل می‌کند: در اصلی از کتب اصحاب (بزرگان شیعه) دیدم راوی آورده است که از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: همانا دروغ گفتن روزه را باطل می‌کند ... .

معناشناخت

در روایات، شش کلیدواژهٔ اصلی وجود دارد: «کذب»، «خدا»، «رسول»، «ائمه»، «افطار» و «صوم». با دو کلیدواژهٔ افطار و صوم در جلسه‌های پیش آشنا شدیم. اینک چهار کلیدواژهٔ دیگر را بررسی می‌کنیم.

در میان این چهار کلیدواژهٔ، معناشناسی واژهٔ «کذب» اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا موضوع اساسی و محوری روایات را تشکیل می‌دهد.

کذب

«کذب» در لغت به معنای ضد «صدق» است.[۱۷۸] منظور از ضد صدق بودن کذب این است که سخن یا فعلی صدق‌بردار نباشد و نتوان آن را به وصف صدق توصیف کرد. شایان ذکر است که مبنا و معیار در توصیف صدق بودن یک سخن یا یک فعل، با توجه به شرایط و ویژگیهای خاص خود است؛ یعنی «صدقُ کلِّ الشیءِ بِحَسَبِه». صدق گزارهٔ تکوینی با صدق گزارهٔ نظری متفاوت است و هر یک در مبانی و معیارهای صدق بودن گزاره با یکدیگر تفاوتهای دارند که انطباق نداشتن گزاره با اصول و مبانی پیشین، سبب کاذب بودن گزاره می‌شود.

معیارکذب در روایات: عدم صدور سخن

حال پرسش این است که معیار کذب بودن گزاره در روایات چیست؟ آیا تنها گزارش سخن صادر نشده از خدا، پیامبر و ائمهٔ اطهار کذب است یا اینکه افزون بر عدم صدور باید با واقعیات هم مطابقت نداشته باشد تا بدان انتساب کذب گفته شود؟ مطابق قاعدهٔ «صدق کل الشیء بحسبه» صدق روایت نیز یعنی صدق انتساب آن به گوینده‌اش؛ به سخن دیگر اگر گزاره، حاکی از سخن یا فعل معصوم با محکی خود مطابقت نداشته باشد، یعنی معصوم چنان سخنی را نگفته یا چنان فعلی را انجام نداده باشد، کذب خواهد بود. از این رو مراد از واژهٔ کذب در روایات بیان‌شده، انتساب سخن به خدا و امامان است در حالی که از آنان صادر نشده باشد؛ هر چند ممکن

---

۱۷۷. همان، ص ۳۵.

۱۷۸. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۷۰٤. «وَجَبَ» (واجب است) و «نَصَبَ» نیز از دیگر معانی «کَذَبَ» است در روایت «ثلاثةُ أسفارٍ کَذَبْنَ علیکُم» و«کَذَبَ علیکم الحجُّ» به معنای «وجب و نصب» آمده است؛ کاربرد «کذب» در معنای اخیر نادر و بنا به اعتراف برخی لغت‌شناسان خلاف قیاس است؛ *صحاح جوهری*، مادهٔ کذب.

است محتوای سخن منسوب به ایشان با واقعیت مطابقت داشته باشد یا آنکه مطابق با واقعیت نباشد. شایان ذکر است در عرف و منطق به سخن مطابق با واقع کذب اطلاق نمی‌شود؛ زیرا کذب منطقی به گزاره‌ای خبری گفته می‌شود که مطابق با واقع نباشد؛ همانند خبر دادن از واقعه‌ای که در حال اخبار واقع نشده باشد ولی مُخبِر از تحقق خارجی آن خبر داده باشد.

کارکرد بازدارندگی

حکم حرمت و مفطر بودن کذب بر منزلت خدا، پیامبر، امامان برای عمل صوم جنبهٔ بازدارنـدگی از تجـاوز بـه حریم کبریایی شارع در اسلام دارد و تذکری به پاسداشت منزلت خاص خدا، پیامبر و امامان در نظـام معرفتـی اسلام است. بر اساس مبانی عقلی و نقلی تشیع، صاحبان عناوین یادشده در روایات بحث، از منزلتی قدسـی و برتر برخوردارند به گونه‌ای که بر دیگران لازم است از آنان در عرصه‌های مختلف حیات دینی پیـروی کننـد و هرگونه پیشی گرفتن بر آنان و تغییر نگره‌های آنان گناهی بس بزرگ و تحریفی نابخـشودنی اسـت. انتـساب سخن یا فعلی که از آنان صادر نشده است به هر هدف و توجیهی که باشد، گونه‌ای افترا و تشریع بدون اجـازه است.

روشهای تشخیص

تشخیص انتساب دروغین (عدم صدور) سخن یا فعل از صاحبان عناوین یادشـده در روایـات نیازمنـد شـناخت معیارها و بایسته‌های علمی و تخصصی خاص است که تنها حدیث‌شناسان و فقیهان زبردسـت بـا آن آشـنایی دارند. لکن کذب برخی از گزاره‌ها به ویژه گزاره‌های خلاف قرآنی بر آگاهان به معارف قرآنی نیز روشن اسـت. در گزاره‌های غیرقرآنی نیز بیشترین احکام برای مکلفان آشنا است و سخن و فعلی بر خلاف آن گزاره‌ها برای تشخیص کذب آنها، کافی است.

خدا، رسول و ائمه

از آنجا که کلیدواژه‌های خدا، رسول و ائمه وضوح مفهومی دارند به معناشناخت آنها نمـی‌پـردازیم، امـا از بـاب تأکید اشاره می‌کنیم که مراد از رسول، پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) و مقـصود از ائمه، دوازده جانشین بر حـق پیـامبر اسـلام پـس از ایـشان هـستند، کـه نخـستین ایـشان حـضرت علـی (علیه السلام) و آخرین آنان حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) است.

ساختارشناسی حُکمی

مجموعۀ روایات مسئلۀ بحث‌شده با دو ساختار، بر حرمت عمل دروغ بستن بر خدا، پیامبر و ائمۀ اطهار دلالت دارند:

کلیدواژه

مراد از کلیدواژه به کارگرفتن کلماتی است که دلالتی روشن بر مفطر بودن این عمل در هنگام روزه‌داری دارند:

۱ـ إنَّ الکذبَ ... یُفطر الصائمَ.
۲ـ سألتُه عن رجل کذَبَ فی رمضان؟ فقال: قد أفطَرَ.
۳ـ الکَذبةُ تَنقُضُ الوضوءَ وتُفطِرُ الصائمَ.

اشتراک حکم

با مراجعه به مفطرات روزه را متوجه می‌شویم که کذب بر خدا، پیامبر و امامان در کنار مفطرات اصلی مانند خوردن، آشامیدن و ... قرار گرفته است و در حکم باطل کردن روزه با آنها مشترک است، آوردن این فعل در میان دیگر مفطرات بیانگر اشتراک حکمی و همسانی حرمت آن با دیگر مفطرات در هنگام روزه‌داری است:

> خمسةُ أشیاءَ تُفطِرُ الصائمَ، الأکلُ، والشربُ، والجماعُ ... والکذبُ علی الله وعلی رسوله وعلی الأئمة (علیهم السلام).

توضیح آنکه از عطف حکمی «الکذب» به «الأکل»، «الشرب» و «الجماع»، از باب اشتراک حکم عاطف و معطوف، وحدت ملاک در تحریم مجموعی آنها را می‌توان استنباط کرد. روشن است که عمل خوردن، آشامیدن و آمیزش جنسی در هنگام روزه‌داری حرام و از اسباب حتمی بطلان افطار روزه است. گفتنی است این اشتراک گاه چنین دلالتی را ندارد و اگر قرینه‌ای داشته باشیم، می‌توان مستحب و واجب را در کنار هم نهاد.

نکات فقه الحدیثی روایات

۱ـ روایات سماعه (احادیث شماره یک و دو) از نوع «مضمر» هستند؛ زیرا او نام امامی را که حدیث را از او نقل کرده است، ذکر نکرده و به جای آن به واژۀ «رجل» اکتفا نموده است.

۲ـ هر دو روایت سماعه، پرسمانی است و گزارشگر ابهام مفهومی مسئله دست‌کم نزد راوی است. از ظاهر این روایات چنین برمی‌آید که این مسئله، محل بحث راویان، فقیهان و شاگردان ائمه بوده است. برداشت گسترده و فراگیر برخی از آنان همانند سماعه، نمایانگر این نکته است که حکم مفطر بودن هرگونه دروغ گفتنی در هنگام روزه‌داری، که از ظهور روایات موجود در دست راویان به دست می‌آید، برای مخاطبان دشوار و سخت بوده است.

۳ـ روایت شمارهٔ یک سماعه از حیث مفهومی مطلق بوده است و هرگونه کذبی را شامل می‌شود این اطلاق را روایت دیگر سماعه (حدیث شمارهٔ دو) مقید به کذبِ خاص کرده است.
٤ـ از ظاهر روایات سماعه اختصاص حکم انتساب دروغین، به روزهٔ ماه رمضان فهمیده می‌شود. قید «فی شهر رمضان» و «فی رمضان» در روایات ذکرشده بر این معنا، دلالتی بس روشن دارد.
٥ـ در روایت دوم سماعه تنها انتساب کذب بر خدا و پیامبر گزارش شده است و از عنوان ائمه در آن خبری نیست؛ اما در روایات دیگر عنوان ائمه افزوده شده است. نگاه مجموعی و تحلیل بر اساس خانوادهٔ حدیث، اجمال نخستین روایات سماعه در مشمول نبودن حکم حرمت و مفطر بودن کذب بر امامان را برطرف می‌سازد. بر فقیه بایسته است که برای استنباط حکم نهایی همگی روایات مسئله را با هم بنگرد و به روابط بین گزاره‌ها همانند اجمال و تبیین، همچون اینجا، مطلق و مقید و ... توجه کامل داشته باشد. همچنین احتمال می‌رود که این روایات نقل به معنا شده است و عنوان ائمه در فرایند نقل سهواً حذف شده باشد.
٦ـ احادیث نقل‌شده از ابوبصیر (روایات شمارهٔ سه و چهار) از نوعی وحدت و ایضاح مفهومی در تبیین حکم مسئله برخوردار است و لسان حکمی و تشریعی آن دو رساتر از دیگر روایات به نظر می‌آید. ضمن اینکه از اسنادی خوب و قابل اعتمادتری نیز برخوردارند.
۷ـ در همهٔ احادیث ابوبصیر از عنوان ائمه پس از عنوان خدا و رسول یاد شده است.
۸ـ در حدیث شمارهٔ سه و چهار انتساب نادرست سخن بر خدا، پیامبر و امامان در هر روزه‌ای، چه روزهٔ ماه رمضان باشد و چه روزهٔ غیر ماه رمضان و چه روزهٔ واجب باشد و چه مستحب، از سبب بطلان روزه دانسته است. از دیدگاه فقیهان، صوم در این روایات مطلق است و تنها ممکن است بگوییم هرگاه از روزه نام می‌بریم، روزهٔ ماه مبارک رمضان به یاد می‌آید و به اصطلاح منصرف به روزهٔ واجب می‌شود که فرد مشهور و مصداق غالبی روزه است، اما ممکن است این اشکال مطرح شود که روزهٔ واجب چه صوم رمضان باشد و چه واجب به قضا، نذر و ... و چه مستحبی باشد، در مفطرات اشتراک دارند.
۹ـ نکتهٔ بیان‌شده در حدیث پنجم و ششم نیز دیده می‌شود؛ اطلاق عنوانی «الکذبة» و «الصائم» هرگونه دروغ گفتن و هر نوع روزه‌داری را شامل می‌شود. اما اطلاق «الکذبة» با روایات ابوبصیر تقیید خورده است.
۱۰ـ روایات از جهت نوع و ابزار انتساب لفظی، کتبی، تصویری و ... اطلاق دارند و همهٔ شیوه‌های انتساب را شامل می‌شود.

احکام فرعی مسئله

در تمامی موارد زیر، دروغ بستن عمدی روزه را باطل می‌کند:
ـ در امور دنیوی یا امور اخروی باشد؛
ـ دروغ نسبت به اقوال معصوم یا افعال باشد؛
ـ با گفتار یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری باشد که از آن نسبت دروغ فهمیده شود؛
ـ به صراحت یا با کنایه باشد؛
ـ نسبت دروغ ساختهٔ خودش یا دیگری باشد؛
ـ اخبار یا پاسخ به سؤال دیگری باشد؛

ـ تصدیق نسبت دروغی را که قبلاً داده است؛ یعنی بگوید آنچه گفته‌ام راست است؛
ـ تکذیب راستی را که قبلاً گفته است.

اما موارد زیر سبب بطلان روزه نمی‌شود:
ـ قصد راستگویی داشته باشد، اما دروغ درآید؛
ـ قصد دروغگویی داشته باشد، اما راست درآید؛
ـ بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته است بر وجه نقلِ قول یا حکایت باشد.[۱۷۹]

آرای فقیهان در مسئله

در میان فقیهان در حرمت فعل «انتساب دروغین سخن و فعل» به خدواند، پیامبر و امامان (علیهم السلام)، اختلاف نظری وجود ندارد. آنچه در آن اختلاف است، دلالت اخبار بر فساد و بطلان روزهٔ شخصی است که هنگام روزه‌داری سخنی به خدا، پیامبر و امامان بسته باشد به گونه‌ای که باید قضا و کفارهٔ آن را به جای آورد در حالی که در غیر از حالت صوم، انتساب دروغین تنها یک فعل حرام به شمار می‌آید و در صورت توبه نکردن کیفر اخروی به دنبال خواهد داشت.

در این‌باره دو دیدگاه میان فقیهان شیعی وجود دارد: عده‌ای انتساب دروغین را کاری حرام و انجام آن را در هنگام روزه‌داری سبب فساد آن و وجوب قضا و کفاره می‌دانند. برخی دیگر انتساب دروغین را فعل حرام می‌دانند اما بر این باورند به صحت روزه آسیبی نمی‌رساند.

ادلهٔ گروه دوم اصل صحت و مفهوم حصر روایت محمد بن مسلم است که در آن انتساب کذب از موارد فساد در صوم به شمار نیامده است.

روایت محمد بن مسلم چنین است:

> عن محمدِ بنِ مسلمٍ قال: سمعتُ أبا جعفرٍ (علیه السلام) یقول: لا یَضُرُّ الصائمَ ما صَنَعَ إذا اجتَنَبَ ثلاثَ خصالٍ: الطعامَ والشرابَ، والنساءَ، والارتماسَ في الماءِ.[۱۸۰]
>
> محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: هنگامی که شخص روزه‌دار از سه خصلت دوری کند به روزهٔ او آسیبی نرسد؛ خوردنی و نوشیدنی، آمیزش با زنان و فرو بردن سر داخل آب.

چکیده

- ✓ دروغ بستن به خدا، رسول و امامان یکی دیگر از مفطرات صوم است که در روایات از آن با عنوان «الکذبُ علی الله ورسوله وعلی الائمة (علیهم السلام)» یاد شده است. به مفطِر بودن این فعل برای صوم تنها در روایات اشاره شده است.

---

۱۷۹. امام خمینی، *تحریر الوسیله*، کتاب الصوم.

۱۸۰. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۳۱.

- ✓ در *وسائل الشیعه* به شش روایات دربارهٔ مسئلهٔ دروغ بستن به خدا، پیامبر و امامان اشاره شده است.
- ✓ در روایات، شش کلیدواژهٔ اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از: کذب، خدا، رسول، ائمه، افطار و صوم.
- ✓ کذب را در لغت به معنای ضد صدق است. منظور از معنای ضد صدق بودن کذب این است که سخن یا فعلی صدق‌بردار نباشد و نتوان آن را به وصف صدق توصیف کرد. شایان ذکر است که مبنا و معیار در توصیف صدق بودن یک سخن یا یک فعل، با توجه به شرایط و ویژگیهای خاص خودش است، یعنی «صدقُ کلِّ الشیءِ بِحَسَبِه».
- ✓ مطابق قاعدهٔ «صدق کل الشیء بحسبه» صدق روایت نیز یعنی صدق انتساب آن به گوینده‌اش است.
- ✓ حکم حرمت و مفطر بودن کذب بر خدا، پیامبر و امامان برای عمل صوم جنبهٔ بازدارندگی از تجاوز به حریم کبریایی شارع در اسلام دارد و تذکری به پاسداشت منزلت خاص خدا، پیامبر و امامان در نظام معرفتی اسلام است.
- ✓ تشخیص انتساب دروغین (عدم صدور) سخن یا فعل از صاحبان عناوین یادشده در روایات، معیارها و بایسته‌های علمی و تخصصی خاصی را می‌طلبد که تنها حدیث‌شناسان و فقیهان زبردست بر آن آشنا و توانایند.
- ✓ روایات با دو ساختار کلیدواژه و اشتراک حکمی بر حرمت عمل دروغ بستن بر خدا، پیامبر و ائمهٔ اطهار دلالت دارند.
- ✓ روایات نکات فقه الحدیثی متعدد و دقیقی دارند و فقیهان از آنها احکام فرعی زیادی را استنباط کرده‌اند.

جلسهٔ هشتم

آشنایی با مفطرات روزه (۳)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ اشتراک و اختلاف نظر فقیهان در حکم کذب در حال روزه؛
- ✓ پیشینهٔ تاریخی و خاستگاه اختلاف فقیهان در مسئلهٔ کذب علی الله والرسول والائمه؛
- ✓ آرا و ادلهٔ فقیهان در این مسئله.

درآمد

در این جلسه آرا و ادلهٔ فقیهان در مسئلهٔ کذب علی الله والرسول والائمه را بررسی می‌کنیم و با دیدگاه برخی از فقیهان متقدم و متاخر آشنا خواهیم شد.

اشتراک و اختلاف نظر فقیهان در حکم کذب در حال روزه

میان فقهای شیعه اختلاف نظری در حرمت فعل «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان، چه در هنگام روزه و چه در غیر آن، وجود ندارد؛ به دیگر سخن این امر حرام و قبیح به شمار می‌آید. در برخی روایات نبوی همانند «مَن کَذَبَ علیَّ مُتَعَمِّداً فَلْیَتَبَوَّأ مَقعدَه مِن النّارِ» وعدهٔ آتش بر این عمل داده شده است. همچنین از دیدگاه فقهای شیعه انتساب سخن و فعل دروغ به افراد دیگر، جز خداوند، پیامبر و امامان نیز فعلی حرام است[۱۸۱]؛ اما شایان ذکر است که این امر در اعمال عبادی فرد همانند روزه تأثیری ندارد و آن را باطل نمی‌کند[۱۸۲].

آنچه مورد اختلاف است، دلالت برخی از اخبار بیان‌شده در جلسهٔ پیشین، بر فساد و بطلان روزهٔ فردی است که در هنگام روزه‌داری سخنی دروغ به خدا، پیامبر و امامان بربسته باشد؛ به گونه‌ای که قضا و کفارهٔ آن روزه بر آن فرد واجب باشد. اکنون این پرسش برای فقه پژوه پیش می‌آید که آیا «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان در حال روزه افزون بر حرمت فعلی اثر دیگری همانند بطلان روزهٔ شخص دروغگو را نیز به همراه دارد یا خیر؟

---

۱۸۱. در صورت توبه نکردن فرد دروغگو کیفر اخروی و گاه در صورت اضرار به دیگران همانند شهادت دروغ، مجازات دنیوی مانند حبس؛ پرداخت دیه یا قصاص در بر خواهد داشت.

۱۸۲. میان فقهای شیعه در این امر نیز اختلاف نظری وجود ندارد.

پیشینۀ تاریخی مسئله و خاستگاه اختلاف فقیهان

ارتباط مسئلۀ «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان با صحت و بطلان روزه از مسائل اختلافی میان قدماء و متأخرین است. بررسی تاریخی آرا، نظرها و فتاوای فقیهان در این مسئله نشان‌دهندۀ آن است که این اختلاف نظر در میان قدما از فقهای شیعه همانند شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی پیشینه داشته است. در میان متأخران نیز پس از علامه حلی در برخی آرای فقیهان این اختلاف دیده می‌شود.

خاستگاه اختلاف فقیهان در این مسئله، روایاتی است که از معصومان در باب انتساب دروغ به خداوند، پیامبر و امامان گزارش شده است.

آرای سه‌گانه در مسئلۀ انتساب دروغ

دربارۀ تأثیر حکم «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان بر صوم سه نظریه میان فقهای شیعه وجود دارد که به اجمال عبارت‌اند از: فساد، عدم فساد و احتیاط.

قول اول: فساد روزه و وجوب قضا و کفاره

دیدگاه مشهور فقیهان شیعی قول به فساد روزه است. از دیدگاه آنان انتساب دروغ، افزون بر حرام بودن موجب فساد روزه و سبب وجوب قضا و کفاره می‌شود. از قدمای معتقد به این دیدگاه می‌توان به شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی در کتاب *الانتصار*، ابوالصلاح و ابن براج اشاره کرد.[۱۸۳] در دورۀ معاصر نوعی اتفاق نظر نسبی میان مراجع تقلید دیده می‌شود. مشهور فقیهان دورۀ معاصر معتقد به مفطر و مبطل بودن این عمل برای صوم هستند و انجام آن را سبب فساد و بطلان روزه می‌دانند. ادلۀ این قول عبارت‌اند از:

الف) روایات

احادیث متعددی دربارۀ حکم «انتساب سخن و فعل دروغ » به خداوند، پیامبر و امامان در هنگام روزه‌داری وجود دارد که همگی به مفطر بودن این عمل برای روزه دلالت دارند. محدثان بزرگی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ حرعاملی به آن در کتابهای خود اشاره کرده‌اند.[۱۸۴]

---

۱۸۳. المحقق البحرانی، *الحدائق الناضرة*، ج ۱۳، ص ۱٤۱.

۱۸٤. به تعدادی از این احادیث در جلسۀ گذشته اشاره شد.

ب) اجماع

برخی از فقیهان بر مفطر بودن«انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان در هنگام روزه ادعـای اجماع نموده‌اند.[۱۸۵] اجماعی بودن مسئله نشان‌دهنـدهٔ آن اسـت کـه فقیهـان در مفطـر بـودن آن بـا یکـدیگر هم‌عقیده هستند.

قول دوم: صحت روزه

برخی از فقیهان بر این باورند که انتساب دروغ، فعل حرام است؛ اما به صـحت روزه زیـانی نمـی‌رسـاند. سـید مرتضی در کتاب *الجمل*، ابن ادریس حلی و مشهور در میان متأخرین[۱۸۶] معتقد به فاسد نشدن روزه به واسـطهٔ انجام این عمل هستند؛ هر چند که این فعل حرام است[۱۸۷]. گروه دوم به دو دلیـل بـرای مـدعای خـود اشـاره کرده‌اند: ادلهٔ اثباتی و نقضی. ادلهٔ اثباتی این قول اصل صحت و مفهوم حصر است که به هدف اثبات مـدعای این گروه ارائه شده است. ضعف سندی و ادعای تعارض اخبار، ادلهٔ نقضی این گروه هستند که ناظر بـه گـروه مقابل بوده و به هدف نقد و رد ادعای قائلان به فساد صوم با انتساب دروغ اقامه شده است.

ادلهٔ اثباتی

الف) اصل صحت

سیرهٔ قطعی عقلای عالم هنگام شک در صحت یا فساد عمل خود یا دیگری آن است کـه عمـل مـشکوک را حمل بر صحت می‌کنند[۱۸۸]. بر درستی جریان این اصل در امور عبادی و معـاملاتی ادلـه‌ای از کتـاب، سـنّت، سیره و اجماع در کتب اصولی اقامه شده است[۱۸۹]. جریان اصل صحت در مسئلهٔ مورد بحث ما چنین است کـه وقتی شک کنیم که آیا روزهٔ فرد مکلف با انتساب دروغ به خدا، پیامبر و امامان فاسد شـده اسـت یـا خیـر؟ بـا جریان اصل صحت حکم به عدم فساد آن می‌کنیم؛ یعنی روزهٔ فـرد همچنـان صـحیح اسـت و هـیچ قـضا و کفاره‌ای بر عهدهٔ او نیست.

---

۱۸۵. شیخ انصاری، *کتاب الصوم*، ص ۷۲.

۱۸٦. از دورهٔ علامه حلی به بعد مشهور به دورهٔ متاخران است.

۱۸۷. المحقق البحرانی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱٤۱.

۱۸۸. آقا ضیاء عراقی، *نهایة الافکار*، ج ٤، ص ۷۸.

۱۸۹. بجنوردی، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، ص ۲۸۸؛ شیخ ناصر مکارم، *القواعد الفقهیـه*، ج ۱، ص ۱۱۳؛ شـیخ علـی مـشکینی (ره)، *اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها*، ص ۵۳.

ب) مفهوم حصر

طرفداران نظریهٔ دوم از روایت محمد بن مسلم حصر در مفطرات استفاده کرده‌اند. به این معنا که روایت بیان‌شده در مقام حصر مفطرات بوده و در آن انتساب دروغ از موارد فساد در صوم به شمار نیامده است. روایت محمد بن مسلم چنین است:

> عن محمدِ بنِ مسلمٍ قال: سمعتُ أبا جعفرٍ (علیه السلام) یقول: لا یضُرُّ الصائمَ ما صَنَعَ إذا اجْتَنَبَ ثلاثَ خِصالٍ: الطعامَ والشرابَ، والنساءَ والارتماسَ في الماءِ.[190]
>
> محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر(علیه السلام) شنیدم که فرمود: هنگامی که شخص روزه‌دار از سه خصلت دوری کند به روزهٔ او آسیبی نرسد؛ خوردنی و نوشیدنی، (آمیزش با) زنان و فرو بردن سر در آب.

مفهوم حصر، محدود ساختن حکم در موضوع است؛ چنین دلالتی مفید حصر حکم در منطوق بوده است و آن را از غیر منطوق نفی می‌کند[191]. در این روایت تنها مواردی که به عنوان مفطر از آنها یاد شده است خوردنی و نوشیدنی، (آمیزش با) زنان و فرو بردن سر در آب است. این بدین معنا است که مفطرات صوم محصور و محدود به این سه مورد است.

ادلهٔ نقضی

الف) ضعف سندی اخبار مسئلهٔ انتساب دروغ

اشکال دیگری که از سوی این گروه مطرح شده است، ضعف سند برخی از روایات بیان‌شدهٔ ـ ابوبصیر (روایت شمارهٔ یک) و سماعه (روایت شمارهٔ دو)، است که آنها را از مدار عمل و استناد خارج می‌سازد. روشن است که روایات این دو، امهات احادیث این باب را تشکیل می‌دهند.

ب) تعارض اخبار با اصل صحت و مفهوم حصر

بر فرض اینکه احادیث مورد استناد گروه اول از لحاظ سندی بدون اشکال باشند با اصل صحت و مفهوم حصر مستفاد از روایت محمد بن مسلم در تعارض و تنافی است. در این تعارض به دلیل مشکلات سندی و محتوایی اخبار، تقدم با اصل صحت و صحیحهٔ محمد بن مسلم خواهد بود.

---

۱۹۰. الحر العاملی، *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۳۱.

۱۹۱. علامه یوسف بن احمد، *الثمرات الیانعة*، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۸. همانند دلالت آیات (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِی الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِینَ وَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ فَرِیضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ) توبه/ ۶۰ و (إِنَّما یَنْهاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ قاتَلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ أَخْرَجُوکُم مِّنْ دِیارِکُمْ وَ ظاهَرُوا عَلَی إِخْراجِکُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ) ممتحنه/ ۹ و روایات «إنّما الربا فی النسیة» و «إنّما الاعمالُ بالنِیاتِ».

ج) مخالفت اخبار با اجماع فقها

روایت «عن أبیبصیرٍ قال: سمعتُ أبا عبدِ الله (علیه السلام) یقول: الکِذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ وتُفْطِرُ الصائمَ. قال: قلتُ له: هَلَکْنا؛ قال: لیسَ حَیثُ تَذهَبُ، إنَّما ذلکَ الکِذبُ علَی اللهِ وعلی رسولِه وعلی الأئمةِ (علیهم السلام)[192]

قسمت نخست این روایت« الکِذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ: وضو با کذب عمدی نقض می‌شود» با اجماع فقها ناسازگار است. زیرا اجماع فقها بر این است که دروغ گفتن (هر نوع آن) سبب بطلان وضو نمی‌شود. در نتیجه قسمت دوم آن «وتُفْطِرُ الصائمَ» نیز که مربوط به بطلان روزه به سبب دروغ گفتن است به پیروی از قسمت اول نادرست است.

نقد ادلهٔ قول دوم

۱ـ جاری ساختن اصل صحت در مسئلهٔ بحث‌شده نادرست و از موضوع آن خارج است زیرا؛

اولاً: اصل صحت در عمل مکلف جریان دارد، آن هم پس از اینکه نسبت به اجزا و ارکان مأموربه علم داشته باشید نه در جایی که شرط یا جزء بودن عملی برأی مأموربه مشکوک باشد؛ همانند مسئلهٔ بحث‌شدهٔ ما که شک در مفطر بودن «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان برای روزه است.

ثانیاً: تمسک به اصل صحت زمانی است که دلیلی در میان نباشد، با آنکه در این موضوع ادلهٔ روایی معتبری وجود دارد. روایاتی که در جلسهٔ گذشته به آنها اشاره کردیم، مانع از استناد به اصل صحت می‌شود.

۲ـ طرح (نادیده گرفتن و دور انداختن) اخبار مفطر بودن «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان برای صوم منطقی نیست و شاید بتوان نظر قائلان به فاسد نبودن را چنین توجیه کرد که آنان روایات این مسئله را به شکل کامل استیفا نکرده‌اند[193].

۳ـ حصر موجود در صحیحهٔ محمد بن مسلم حصر نسبی است نه حقیقی؛ زیرا تعدادی از مفطرات قطعی صوم در آن بیان نشده‌اند.

٤ـ ضعف سند روایات ابوبصیر وسماعه نزد گروه اول پذیرفته شده نیست.

٥ـ اخبار مسئله با یکدیگر هیچ تعارض درونی ندارند. تنها ممکن است به تعارض میان اخبار، اصل صحت و مفهوم حصر استناد شود که بر اساس روایت صحیحهٔ محمد بن مسلم ادعا کرده‌اند. در پاسخ نقدهای وارده پیشین بر اصل صحت و مفهوم حصر را خواهیم گفت[194].

٦ـ فقها در پاسخ به اشکال مخالفت روایت ابوبصیر با اجماع چنین گفته‌اند:

اولاً: در «الکِذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ» نقض حمل بر مبالغه در کراهت می‌شود[195].

ثانیاً: رد بخشی از خبر «الکِذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ» به خاطر وجود معارضی اقوی ـ اجماع فقیهان ـ مستلزم طرح بخش فاقد معارض آن «وتُفْطِرُ الصائمَ» نیست و این مانند آن است که دلیل عامی به خاطر دلیل خاصی

۱۹۲. الحر العاملی، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۳: ترجمه: ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: «دروغ گفتن وضو را نقض و سبب بطلان روزهٔ شخص روزه‌دار است». ابوبصیر گوید: به حضرت عرض کردم: در این صورت هلاک شده‌ایم. امام فرمودند: «آن طوری که تو خیال می‌کنی نیست همانا منظورم دروغ بستن بر خدا، پیامبر و ائمه اطهار است.».

۱۹۳. المحقق البحرانی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱٤۳.

۱۹٤. همان.

۱۹٥. الشیخ الأنصاری، پیشین، ص ۷۳.

تخصیص خورده باشد،«بانَ طَرْحُ بَعْضِ الخَبَرِ لِمُعارِضٍ أقْوی لایَستَلْزِمُ طَرْحَ ما لامُعارِضَ لَـه وَإنّـه یَـصیرُ مِـنْ قَبیلِ العامِ المَخْصوصِ[۱۹۶]».

توجیه عام مخصَص چنین است که در روایت «الکِذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ وتُفْطِرُ الصائمَ. قال: قلتُ له: هَلَکْنـا؛ قال: لیسَ حَیثُ تَذهَبُ، إنَّما ذلکَ الکِذبُ علَی اللهِ وعلی رسولِه وعلی الأئمةِ (علیهم السلام)» یک عـام داریـم که گزارۀ «الکِذْبَةُ تَنقُضُ الوضوءَ» است و یک خاص متصل داریم که عام پیشین را تخصیص زده اسـت و آن گزارۀ«إنَّما ذلکَ الکِذبُ علَی اللهِ وعلی رسولِه وعلی الأئمةِ» است.

قول سوم: احتیاط واجب

دیدگاه سوم، قول به احتیاط واجب[۱۹۷] در انتساب دروغ است. برخی از فقیهان در این مسئله فتوا نداده و احتیاط نموده‌اند. این گروه معتقدند که از روی احتیاط در هنگام روزه از انتساب دروغ بـه خـدا، پیـامبر و امامـان بایـد دوری کرد و در صورت ارتکاب، روزه باطل و سبب وجوب قضا وکفاره می‌شود.

محقق بحرانی

محقق بحرانی مسئلۀ چهارم از مطلب دوم کتاب صوم را به بیان حکم سه مفطر صوم اختصاص داده است که نخستین آنها انتساب دروغ به خداوند، پیامبر و امامان است و میـان فقیهـان در تـاریخ فقـه محـل اخـتلاف و معرکه آرای فقیهان بوده است. محقق بحرانی در آغاز بحث به گـزارش و بررسـی اقـوال فقیهـان در مـسئله پرداخته است. عبارت فقیه بحرانی چنین است:

> المَسْألَةُ الرابعةُ في بَقیةِ ما یَجِبُ الامساكُ عَنْهُ وَبیانِ الخِلافِ فیه وهي ثلاثةٌ الاولُ الکِذْبُ عَلی اللهِ أوْ رَسوله صَلّی الله علیه وآله أوْ الائمةِ (علیهم السلام) وَقَدْ اختَلَفَ الاصحابُ (رضوان الله علیهم) في ذلكَ[۱۹۸]»

محقق بحرانی در نهایت معتقد است که این مسئله جای اشکال دارد و در نهایت عمل به احتیاط را توصیه می‌کند. او چنین نگاشته است:

> وبالجُمْلَةِ فَالمَسْألَةُ لا تَخلُو مِنْ شَوْبِ الاشکالِ وَالاحتیاطُ في العَمَلِ بِالقَوْلِ الاَولِ[۱۹۹].
>
> وخلاصه اینکه این مسئله بدون اشکال نیست و احتیاط، درعمل به قول اول است.

مقصود بحرانی از قول اول، رأی فقیهانی است که قائل به مفطر بودن این عمل برای روزه و وجوب قضا و کفاره بر عهده شخص صائم است.

---

۱۹۶. المحقق البحرانی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۴۳.

۱۹۷. هرگاه فقیه به حکم قطعی دست نیافته باشد، فرد مقلد می‌تواند به مجتهد اعلم دیگری مراجعه کند.

۱۹۸. المحقق البحرانی، پیشین، ج۱۳، ص ۱۴۱.

۱۹۹. همان.

شیخ انصاری

شیخ انصاری در کتاب صوم خود ضمن اختصاص بخشی به مسئلهٔ مورد بحث، در بیان حکم آن می‌نویسد:

> یُحَرِّمُ الکِذْبُ علی اللهِ وَرسولِه وَالائمَةِ علیهم السلام في الصَومِ وَغَیرِه بالضَرورةِ.[۲۰۰]
>
> دروغ بستن بر خدا، پیامبر و امامان چه در صوم و چه در غیر صوم بـه ضـرورت حـرام است.

سپس به گزارش آرای مطرح‌شده در مسئله می‌پردازد و به دلیل وجود روایات و ادعای اجمـاعی برخـی از فقهای متقدم به احتیاط گراییده و در نهایت قول به افساد صوم با انتساب دروغ را از باب احتیاط می‌پذیرد:

> وَالمَسْالةُ مَحَلُّ الاشکالِ الّا أنّ القَوْلَ بالإفسادِ لا یَخلُو عَنْ قُوَّةٍ مَعَ أنّه اَحْوَطُ[۲۰۱].
>
> مسئله محل اشکال است؛ اما قول به افـساد ـ صـوم بـا انتـساب دروغ ـ خـالی از قـوت نیست و به احتیاط نیز نزدیک‌تر است.

دیدگاه برخی فقیهان متأخر

شیخ حر عاملی

شیخ حر عاملی در باب دوم از فصل«أبوابُ ما یُمسِکُ الصائمُ عَنه وَقتَ الإمساکِ» با عنوان «وُجـوبُ إمـساکِ الصائِمِ عَنِ الکِذبِ عَلی اللهِ وَعَلی الرسولِ وَعَلی الائمَةِ» به گزارش روایات متعـدد و گونـه‌گـونی از معـصومان پرداخته است که در آنها انتساب دروغ به خدا، پیامبر و امامان در کنار دیگر مفطرات آمده است. شیخ با درنگ فقهیانه در محتوای روایات این باب در عنوان آن از عبارت «وُجوبُ إمساکِ الصائِمِ عَنِ الکِذبِ ...» بهره جسته است. تعبیر *وجوب امساک* به روشنی نشان‌دهندهٔ دیدگاه فقهی او مبنی بر مفطر بودن این عمل در حـال روزه داری است[۲۰۲].

امام خمینی

ایشان در کتاب *تحریر الوسیله* در باب« یَجِبُ عَلی الصائِمِ الامساکُ عَن أمورٍ» قویترین نظر در مسئلهٔ انتـساب دروغ در حال روزه را قول به فساد آن می‌داند و اجتناب از این عمل را از زمرهٔ مواردی دانـسته اسـت کـه بـر عهدهٔ روزه‌دار واجب است. ایشان در این‌باره چنین می‌نویسد:

> السادِسُ تَعَمُّدُ الکِذبِ عَلی اللهِ وَالرسولِ وَالائمةِ عَلی الأقوی وَباقِی الأنبیاءِ.[۲۰۳]
>
> ششم از مواردی که بر روزه‌دار امساک از آن واجب است، بنابر قـول اقـوی دروغ بـستن عمدی بر خداوند، پیامبر و امامان است.

---

۲۰۰. الشیخ الأنصاری، پیشین، ص ۷۱.

۲۰۱. همان، ص ۷۳.

۲۰۲. الحر العاملی، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۳.

۲۰۳. *تحریر الوسیله*، ص ۲۸٤.

چکیده

- ✓ میان فقهای شیعه اختلاف نظری در حرمت فعل «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان، چه در هنگام روزه و چه در غیر آن وجود ندارد؛ به دیگر سخن این امر حرام و قبیح به شمار می‌آید.
- ✓ آنچه مورد اختلاف است، دلالت برخی از اخبار بر فساد و بطلان روزهٔ فردی است که در هنگام روزه‌داری سخنی دروغ به خدا، پیامبر و امامان بربسته باشد؛ به گونه‌ای که قضا و کفارهٔ آن روز بر عهدهٔ او واجب باشد.
- ✓ بررسی تاریخی آرا، نظریه‌ها و فتاوای فقیهان در این مسئله نشان‌دهندهٔ آن است که این اختلاف نظر در میان قدما از فقهای شیعه همانند شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی پیشینه داشته و معرکهٔ آرای برخی از آنان بوده است؛ در میان متأخران ـ از علامه حلی به بعد ـ نیز رد پای این اختلاف در برخی انظار و آرای فقیهان دیده می‌شود.
- ✓ خاستگاه اختلاف فقیهان در این مسئله، روایاتی است که از معصومان در باب انتساب دروغ به خداوند، پیامبر و امامان گزارش شده است.
- ✓ دربارهٔ تأثیر حکم «انتساب سخن و فعل دروغ» به خداوند، پیامبر و امامان بر صوم سه نظریه میان فقهای شیعه وجود دارد که به اجمال عبارت‌اند از: فساد، عدم فساد و احتیاط.
- ✓ دیدگاه مشهور فقیهان شیعی قول به فساد روزه است. از دیدگاه آنان انتساب دروغ، افزون بر حرام بودن موجب فساد روزه و سبب وجوب قضا و کفاره می‌شود. ادلهٔ این قول عبارت‌اند از: الف) روایات ب) اجماع.
- ✓ برخی از فقیهان قائلند انتساب دروغ، فعل حرام است؛ اما ضرری به صحت روزه نمی‌رساند.
- ✓ گروه دوم دو دسته دلیل برای مدعای خود ارائه کرده‌اند: ادلهٔ اثباتی و نقضی. ادلهٔ اثباتی این قول اصل صحت و مفهوم حصر است که به هدف اثبات مدعای این گروه ارائه شده است. ضعف سندی و ادعای تعارض اخبار، ادلهٔ نقضی این گروه هستند که ناظر به گروه مقابل بوده و به هدف نقد و رد ادعای قائلان به فساد صوم با انتساب دروغ اقامه شده است.
- ✓ نظر سوم قول به احتیاط واجب در انتساب دروغ است. برخی از فقیهان در این مسئله فتوا نداده و احتیاط نموده‌اند همانند: محقق بحرانی، شیخ انصاری.
- ✓ دیدگاه برخی فقیهان متأخر همانند شیخ حر عاملی و امام خمینی آن است که انتساب دروغ در حال روزه را سبب فساد آن می‌دانند و دوری از این عمل را از زمرهٔ مواردی دانسته‌اند که بر عهدهٔ روزه‌دار واجب است.

جلسهٔ نهم

آشنایی با مفطرات روزه (٤)

رفتارهای جنسی در حال روزه (۱)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ روایات مفطر آمیزش جنسی؛
- ✓ مفهوم و احکام آمیزش جنسی.

مروری بر مباحث پیشین

در دو جلسهٔ پیشین، به مفطر کذب بر خدا، پیامبر و امامان اشاره و نکات فقه الحدیثی روایات و آرای فقیهان را دربارهٔ این مسئله بیان کردیم. در این جلسه به مفطر رفتارهای جنسی در هنگام روزه می‌پردازیم.

درآمد

در این جلسه با گزارش روایات، مفهوم و احکام مفطِر آمیزش جنسی که در روایات باطل‌کنندهٔ روزه معرفی شده است را بررسی می‌کنیم.

مفطر پنجم: آمیزش جنسی

آمیزش جنسی از دیگر مفطرات صوم است که تمامی فقها بر آن اتفاق نظر دارند و در این مسئله اختلافی میان مذاهب فقهی وجود ندارد. حرمت و مفطر بودن این عمل برای روزه از مسلمات فقه شیعه و سنّی است. حرمت رفتارهای جنسی در هنگام روزه ادله‌ای از قرآن،[۲۰۴] تواتر روایات[۲۰۵] و اجماع[۲۰۶] دارد و از ضروریات فقه اسلامی به شمار می‌رود.

---

۲۰۴. (اَلْآنَ بَاشِرُوهُنَّ ... حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ)؛ بقره /۱۸۷.

پس، اکنون [در شب‌های ماه رمضان می‌توانید] با آنان هم‌خوابگی کنید، .... تا رشتهٔ سپید بامداد، از رشتهٔ سیاه [شب] بر شما نمودار شود.

۲۰۵. *کتاب الصوم*، شیخ انصاری، ص ۲۳.

۲۰۶. همان.

گزارش روایات

دربارۀ احکام آمیزش جنسی در هنگام روزه‌داری، روایات بسیاری از معصومان به دست ما رسیده است. روایات مربوط به این مسئله بر دو دسته هستند: دستۀ نخست روایاتی است که از ممنوعیت این عمل در کنار دیگر مفطرات سخن رانده‌اند. دستۀ دوم روایاتی است که به گونه‌ای جداگانه به این مسئله پرداخته‌اند و آمیزش جنسی با همسر را موجب وجوب کفاره دانسته‌اند که این خود به معنای بطلان روزه با انجام این عمل است. اینک با چند نمونه از روایات اصلی و مهم هر دو دسته آشنا می‌شویم:

۱ـ عن محمد بن مسلم قال: سَمِعتُ أبا جعفر علیه السلام یَقولُ: لا یَضُرُّ الصَائِمَ مَا صَنَعَ إذَا اجتَنَبَ ثَلاثَ خِصالٍ: الطعامُ والشَرابُ والنساءُ ... .[۲۰۷]

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: هنگامی که شخص روزه‌دار از سه خصلت دوری کند به روزۀ وی آسیبی نرسد: خوردنی و نوشیدنی و (آمیزش با) زنان ... .

۲ـ عن علی علیه السلام قال : وَأمَّا حدودُ الصومِ فَأربَعَةُ حُدودٍ: أولُهَا اجتنابُ الأکلِ والشُربِ، والثانِی اجتنابُ النِّکاحِ ... .[۲۰۸]

از امام علی روایت شده است که فرمودند: حدود روزه چهار حد است که نخستین آنها اجتناب از خوردن و آشامیدن و دومین اجتناب از نکاح ... است.

۳ـ أبی عبدالله علیه السلام قال: خَمسَةُ أشیاءَ تُفطِرُ الصائمَ الاکلُ والشربُ والجماعُ، ... .[۲۰۹]

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پنج چیز است که روزه را باطل می‌کند: خوردن و آشامیدن و آمیزش جنسی، ... .

٤ـ عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: سألت أباعبد الله علیه السلام عن الرجلِ یَعبَثُ بِأهلِهِ فِی شَهرِ رَمضانَ حَتی یُمنِي؟ قالَ: عَلَیهَ مِن الکفارةِ مِثلُ مَا عَلَی الذي یُجَامِعُ.

عبد الرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) دربارۀ حکم (روزۀ) مردی که در ماه رمضان با همسرش ملاعبه کند تا حدی که منی از وی خارج شود، پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمود: بر ایشان کفاره واجب است بسان کسی که با همسرش آمیزش کرده است.

معناشناخت واژگان کلیدی

واژه‌هایی که در ادامه می‌آید، واژگان محوری یا کلیدواژه‌های اصلی این احادیث هستند که معنا و مفهوم موضوع مورد بحث در روایات بر آنها استوار است. شناخت معنای لغوی و دقت در مراد کاربردی آنها در تبیین روایات، نخستین گام فقه الحدیثی است که همواره فقیهان زبردست در مسائل فقهی به آن توجه می‌کنند. با

۲۰۷. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۳۱.

۲۰۸. همان، ص ۳۲.

۲۰۹. همان، ص ٣٤.

درنگ در دو روایت نخست می‌توان دریافت که این روایات آهنگ تبیین و تحدید گسترهٔ صوم را دارند و بدین منظور از واژگان محوری چون حدود، اجتناب، النساء و النکاح بهره جسته‌اند. در روایت سوم واژه‌های جماع و کفاره واژگان محوری مربوط به موضوع مسئلهٔ ما است. معانی واژگان مذکور در روایات به این شرح است:

الف) واژگان حد و اجتناب به طور معمول در مقام تبیین و توصیف محدودهٔ (حدود و ثغور: چارچوب) یک چیز به کار می‌روند و مخاطبان را به این نکته توجه می‌دهند که تخطی و تجاوز از این مرزها و حدها ناروا و دوری جستن از آنها ضروری و لازم است. در این روایت و احادیث همگن آن، خودداری از عمل آمیزش جنسی یکی از مرزها و حدود روزه‌داری معرفی شده که دوری از آن بر روزه‌داران واجب است. روشن است که در این روایت معنای الزام و وجوب، لازمِ معنای واژگان حد و اجتناب است.

ب) در ترکیب اجتنب ...النساء: (دوری جستن از زنان) مراد از زنان، همسران شرعی و منظور از اجتناب، وجوب ترک عمل آمیزش جنسی با آنان است، نه نظر کردن، یا سخن گفتن و یا هم‌غذا و همراه شدن.

ج) واژهٔ نکاح در روایت دوم به معنای آمیزش جنسی با همسران شرعی است، نه به معنای عقد نکاح.

د) اصطلاح کفاره در روایت، جریمه‌ای است که در برابر باطل نمودن روزه بر شخص مکلف واجب شده و عبارت است از آزاد کردن یک برده، سیر کردن شصت فقیر یا دادن یک مدّ طعام به هر فقیر و دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پیاپی باشد.

ز) جماع: آمیزش جنسی میان دو جنس مخالف از طریق نکاح شرعی را جماع گویند؛ خواه منی خارج بشود یا نشود.[۲۱۰]

ساختارشناسی حکمی

مسئلهٔ مورد بحث شناخت چگونگی دلالت روایات یاد شده بر حرمت آمیزش جنسی در هنگام روزه‌داری است.

الف) کلیدواژه

حد و اجتناب

به کارگیری واژهٔ حد و اجتناب در روایت «وأما حدود الصوم فأربعة حدود: ... الثانی اجتناب النکاح» گویای حرمت عمل آمیزش جنسی هنگام روزه‌داری است. برای فهم ظرافت دلالی این روایت بر حرمت عمل مذکور توجه به معانی لغوی و اصطلاحی حد و اجتناب ضروری است. البته روشن است که هر چیزی حد خاص و ویژهٔ خود را دارد. علاوه بر این، حد در همه جا به معنای حرمت به کار نرفته است.

---

۲۱۰. از این رو واژهٔ جماع از نظر فقهی با واژه‌های زنا، به معنای آمیزش جنسی میان دو جنس مخالف از راهی غیر از طریق نکاح شرعی، لواط، به معنای همجنس‌بازی مردان با یکدیگر، و مساحقه، یعنی همجنس‌بازی زنان با یکدیگر، تفاوت مفهومی دارد.

کفاره

به کارگیری واژهٔ کفاره در عبارت «علیه من الکفارة مثل ما علی الذی یجامع» بیـانگر حرمـت عمـل آمیـزش جنسی در هنگام روزه‌داری است؛ زیرا در شریعت اسلامی کفاره برای ارتکاب اعمـال ممنـوع و حـرام در نظـر گرفته شده است.

ب) مفهوم مخالف

مفهوم مخالف روایت «لایضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال: ... والنساء» این است که آمیزش جنسی با زنان به روزهٔ روزه‌دار آسیب می‌رساند؛ به بیان دقیق‌تر آمیزش جنسی سبب بطـلان روزه اسـت. ایـن نکتـه می‌تواند از ترکیب مفهوم شرطی[۲۱۱] دو گزارهٔ «لا یضر .... إذا اجتنب النساء» با یکـدیگر اسـتنباط شـود. در حدیث یادشده عبارت «لایضر» به منزلهٔ جزا و حکم قضیهٔ شرطیه؛ و عبارت «إذا اجتنب.... النساء» شرط ایـن قضیه است. با توجه به حکم قضایای شرطیه در دانش منطق، در صـورت انتفـای شـرط (آمیـزش جنـسی بـا زنان)، جزا و حکم قضیه (صحت روزه) نیز منتفی خواهد شد.

تبیین شکل منطقی روایت

متن روایت: «لایضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال: ... والنساء.»
موضوع قضیه: شرایط صحت صوم
شرط: اجتناب النساء
جزاء: صحت صوم
تبیین قضیه: با حصول شرط، تحصیل جزا و انتفای شرط، انتفای جزا

ج) اشتراک حکم

با مراجعه به روایاتی که مفطرات روزه را برمی‌شمرند، درمی‌یابیم که آمیزش جنسی با زنان در کنـار مفطـرات اصلی، مانند خوردن و آشامیدن و ...، قرار گرفته است و در حکم باطل کردن روزه با آنها مشترک است. آوردن این فعل در میان سایر مفطرات بیانگر اشتراک حکمی و همسانی حرمت آن با دیگر مفطـرات در هنگـام روزه است؛ همانند روایت «خمسة أشیاء تفطر الصائم: الاکل والشرب والجماع ... .»

توضیح آنکه از عطف حکمی الجماع به الاکل والشرب، از باب اشتراک حکم عاطف و معطوف، وحدت ملاک در تحریم مجموعی آنها را می‌توان استنباط کرد. روشن است که عمل خوردن و آشامیدن در حال روزه حرام و از اسباب قطعی افطار روزه است. گفتنی است که این اشتراک گاه چنین دلالتی را ندارد و اگر قرینه‌ای داشته باشیم، می‌توانیم مستحب و واجب را در کنار هم قرار دهیم.

---

۲۱۱. مفهوم شرط، آن است که حکمِ معلق به شرط با انتفای شرط، منتفی باشد.

نکات فقه الحدیثی روایات

۱ـ هر چند ظاهر روایات آمیزش جنسی، تنها شامل مردان است، اما با در نظر گرفتن ملاک تحریم و مفطر بودن، که انجام عمل جنسی ویژه است، بنا به مفهوم اولویت، گروه زنان را نیز دربرمی‌گیرد؛ به این معنا که با تحقق عمل جنسی، روزهٔ زن نیز، در صورت روزه‌دار بودن، با این عمل باطل می‌شود؛ از این رو حکم وجوب ترک آمیزش جنسی در هنگام روزه، زنان را نیز شامل می‌شود.

۲ـ در آمیزش جنسی (جماع) فرقی در خارج شدن یا نشدن منی از مرد، یا در صورت اثبات از زن، نیست؛[۲۱۲] زیرا روایات از این نظر اطلاق دارند و آنچه مهم است، روی دادن آمیزش جنسی میان زن و مرد است.

۳ـ معیار در تحقق آمیزش جنسی، تحقق ملاکی است که در مسئلهٔ وجوب غسل جنابت، مد نظر فقیهان است.[۲۱۳]

٤ـ هر چند موضوع اصلی روایت چهارم خروج منی در اثر بازی جنسی با همسر ـ غیر از آمیزش ـ است، اما از تمثیل حکمی عبارت «علیه من الکفارة مثل ما علی الذی یجامع» که در آخر روایت آمده است، حکم آمیزش جنسی نیز می‌تواند از آن استنباط شود؛ به دیگر سخن حکم خروج منی در اثر ملاعبه با حکم آمیزش جنسی (جماع) در ماه مبارک رمضان یکی است. حکم مورد نظر وجوب کفاره و بطلان صوم در اثر این دو عمل است.

چکیده

- ✓ حرمت و مفطر بودن آمیزش جنسی برای روزه از مسلمات فقه شیعه و سنّی است. حرمت رفتارهای جنسی در هنگام روزه، ادله‌ای از قرآن، تواتر روایات و اجماع دارد.
- ✓ روایات مفطر بودن آمیزش جنسی بر دو دسته هستند: دسته نخست روایاتی است که از ممنوعیت این عمل در کنار دیگر مفطرات سخن رانده‌اند. دستهٔ دوم روایاتی است که به گونه‌ای جداگانه به این مسئله پرداخته‌اند و آمیزش جنسی با همسر را موجب وجوب کفاره دانسته‌اند که این خود به معنای بطلان روزه با انجام این عمل است.
- ✓ واژگان محوری روایات مربوط به این موضوع، واژه‌های حدود، اجتناب، النساء، النکاح جماع و کفاره است. شناخت معنای لغوی و دقت در مراد کاربردی آنها در تبیین روایات، نخستین گام فقه الحدیثی است که همواره فقیهان زبردست در مسائل فقهی به آن توجه می‌کنند.
- ✓ ساختارهای حکمی روایات در بیان حرمت آمیزش جنسی در حال روزه، عبارت‌اند از کلیدواژه (حد و اجتناب، کفاره)، مفهوم مخالف و اشتراک حکم.
- ✓ روایات یادشدهٔ نکات فقه الحدیثی گوناگونی دارد که با تأمل در محتوای آنها می‌توان این نکات را استنباط کرد.

۲۱۲. *کتاب الصوم*، ص ۲۳.

۲۱۳. همان، ص ۲٤ ـ ۲۳.

جلسهٔ دهم

آشنایی با مفطرات روزه (۵)
رفتارهای جنسی در حال روزه (۲)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ روایات مفطر خارج شدن منی؛
- ✓ مفهوم و احکام خارج شدن منی.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، به مفطر رفتارهای جنسی در هنگام روزه اشاره کـردیم و از ایـن میـان بـه آمیـزش جنـسی پرداختیم و در این جلسه در ادامه به مفطر خارج شدن منی در هنگام روزه می‌پردازیم.

درآمد

در برخی از روایات، خارج شدن منی باطل‌کنندهٔ مستقل روزه معرفی شده است. منظور از خارج شـدن منـی در این درس چیزی غیر از احتلام[۲۱٤] اسـت کـه در آن اراده و قـصد شـخص در خـروج منـی دخـالتی نـدارد.[۲۱٥] همچنین از نظر مفهومی، موضوع خارج شدن منی در هنگـام روزه بـا مفهـوم اسـتمناء (خودارضـایی جنـسی) تفاوت دارد هر چند که از نظر نتیجه و تأثیر در بطلان روزه با یکدیگر اشتراک دارند.[۲۱٦]

در روایات شیعی خارج شدن منی با احتلام و استمناء تفاوت دارد کـه فقیهـان چیـره‌دسـت آن را تحلیـل کرده‌اند.[۲۱۷]

---

۲۱٤. احتلام خروج غیرارادی منی از مردان یا زنان است که معمولاً در خواب اتفاق می‌افتـد؛ *اسـتفتاآت*، جامعـهٔ مدرسـین دفتـر انتشارات اسلامی، ج ۱، ص ۵۰، ص ۹۰ و ۹۱.

۲۱٥. احتلام تنها اگر در شب اتفاق بیفتد، در صورت تأخیر عمدی غسل جنابتِ تا اذان صبح، می‌تواند در صورت تـیمم نکـردن، در شرایطی تنها مفطر روزهٔ ماه رمضان یا قضای آن به شمار آید.

۲۱٦. مراد از استمناء هرگونه خودارضایی جنسی عمدی فرد با خود یا دیگری با او است که سبب خروج منی از وی شود. در این عمل قصد و ارادهٔ پیشین فرد، خارج ساختن منی از خود است و یکی از اسباب جنب شدن به شمار می‌آید و به طور قطع و مسلّم باطل‌کنندهٔ روزه است.

۲۱۷. الشیخ الأنصاری، *کتاب الصوم*، ص ۲۵ و ۲٦.

مفطر ششم: خارج شدن منی

اشاره

خارج شدن منی در اثر تحریکات جنسیِ غیر از جماع، از دیگر مفطرات صوم است که تمامی فقها در آن اتفاق نظر دارند و اختلافی میان مذاهب فقهی در این مسئله وجود ندارد. حرمت و مفطر بودن این عمل برای روزه از مسلمات فقه شیعه و سنّی است.

خارج شدن منی به مجموعهٔ اقدامات تحریک‌آمیز جنسی مردان و زنان در هنگام روزه اطلاق می‌شود که بدون قصد پیشین برای خارج ساختن منی، در اثر رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی با یکدیگر به طور ناخواسته از هر دو یا یکی از آن دو منی خارج شود.

مقدمات و ایجاد زمینه‌های خارج شدن منی اختیاری و خارج شدن منی نتیجهٔ طبیعی عملکرد جنسی زن و شوهر با یکدیگر است و به دلیل خروج منی، از عوامل جنابت به شمار می‌آید و جنابت به اجماع فقیهان از اسباب بطلان روزه است.[۲۱۸]

روایات

احادیث بسیاری در بیان مفطر بودن خارج شدن منی برای صوم وارد شده است که بیشتر آنها پرسمانی است؛ به این معنا که این روایات پرسش و پاسخی میان اصحاب و ائمه بوده است. هرچند در پرسش این مسئله، نوعی تواتر معنوی در روایات وجود دارد، اما پاسخهای معصومان دارای وحدت حکم و تواتر لفظی است. اینک با چند نمونه از روایات اصلی و مهم مربوط به این مسئله آشنا می‌شویم:

۱ـ عن عبدِ الرحمنِ بنِ الحَجّاج قال: سَألتُ أبا عبدِ اللهِ (علیه السلام) عن الرجلِ یَعبَثُ بِأهلِه في شهرِ رمضانَ حتی یُمنِي؟ قال: علیه مِن الكفّارةِ مثلُ ما عَلَی الذي یُجامِعُ.

عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ حکم (روزهٔ) مردی که در ماه رمضان با همسرش ملاعبه کند تا حدی که منی از وی خارج شود، پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمود: بر وی کفاره واجب است؛ بسان کسی که با همسرش آمیزش کند.

۲ـ عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: سألتُه عن رجلٍ یَعبَثُ بِامْرأتِه حَتّی یُمنِي ـ وهو مُحْرِمٌ ـ مِن غیرِ جِماعٍ؛ أو یَفعَلُ ذلكَ في شهرِ رمضانَ، فقال (علیه السلام): علیهُما جَمیعاً الكفّارةُ مثلُ ما علی الذي یُجامِعُ.

عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ حکم مردی که در حال احرام حج یا ماه رمضان با همسرش ملاعبه کند تا جایی که از وی منی خارج شود، پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمود: بر هر دو کفاره واجب است؛ بسان کسی که با همسرش آمیزش کند.

۳ـ عن أبي عبد الله (علیه السلام) في الرجلِ یُلاعِبُ أهلَه أو جاریَتَه وهو في قضاءِ شهرِ رمضانَ فَیَسْبِقُه الماءُ فَیَنزِلُ. قال: علیه مِن الكفارةِ مثلُ ما علی الذي جامَعَ في شهرِ رمضانَ.

۲۱۸. *الغنیة* (*الجوامع الفقهیه*)، ص ۵۰۹، به نقل از الشیخ الأنصاری، *کتاب الصوم*، ص ۲۳.

امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مردی که در حال قضای روزهٔ ماه رمضان باشد و هنگام ملاعبه با همسر یا کنیزش، منی بر او غلبه کند و از وی خارج شود، چنین فرمود: بر ایشان کفاره واجب است؛ بسان کسی که با همسرش آمیزش کند.

٤ـ عن سماعةَ قال: سألتُه عن رجلٍ لَزِقَ بِأهلِه فَأنزَلَ. قال: علیه إطعامُ سِتِّینَ مِسکیناً، مُدٌّ لِکلِّ مسکینَ.

سماعه گوید: از امام دربارهٔ حکم مردی که بدنش را به بدن همسرش بچسباند و در اثر آن منی از وی خارج شود، سؤال کردم. حضرت در پاسخ فرمود: بر این مرد طعام دادن شصت مسکین واجب است؛ برای هر مسکینی یک مد طعام.

٥ـ عن أبي بصیرٍ قال: سألتُ أبا عبدِ الله (علیه السلام) عن رجلٍ وَضَعَ یدَه علی شیءٍ مِن جَسَدِ امْرأتِه فَـأدْفَقَ، فَقالَ: کفّارتُه أنْ یَصُومَ شَهرَینِ مُتَتابِعَینِ، أو یُطعِمَ سِتِّینَ مِسکیناً، أو یُعتِقَ رقبَةً.[۲۱۹]

ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مردی که دستش را بر بدن همسرش گذارد و در اثر آن منی از وی خارج گردد، سؤال نمودم. حضرت در پاسخ فرمود: کفارهٔ این مرد دو ماه پیاپی روزه گرفتن، یا طعام دادن شصت مسکین یا آزاد کردن یک برده است.

معناشناخت

واژگان

واژگانی که در ادامه می‌آید، واژگان محوری یا کلیدواژه‌های اصلی این احادیث است که معنا و مفهوم موضوع مورد بحث در روایات بر آنها نهاده شده است. واژگان محوری احادیث پنج‌گانهٔ یادشده را از نظر معنا و مفهوم می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دستهٔ نخست: واژگانی که بیانگر زمینه‌ها و اسباب خروج منی از مردان یا زنان هستند؛ همانند: «عَبْث، لَعِب، لُزوق» و عبارت «وَضَعَ یدَه علی شیءٍ مِن جَسَدِ امْرأتِه». این چهار واژه تعبیرات گوناگون رایج در زبان عربی برای مجموعه تحریکات جنسی است.

عبارت «وضع یده علی شئ من جسد امرأته» از باب تمثیل است و معنایی کنایی دارد و به معنای هرگونه تماس یا لمس بدن همسر است. جامع معنایی مشترک میان این تعبیرات بهرمندی جنسی بدون آمیزش است.

دستهٔ دوم: واژگانی که بیانگر نتیجهٔ خاص تحریکات جنسی پیشین است که منجر به خروج منی از مرد یا زن شود. در فرهنگ عربی این نتیجهٔ خاص با تعابیری ویژه بیان شده است؛ همانند: «حتی یُمنِي، فَیَسبِقُه الماءُ فَیَنزِلُ، فَأنزَلَ، فَأدْفَقَ». جامع معنایی مشترک میان این واژگان خروج منی با فشار و به صورت دفعی است.

حرف «فاء» در آخر فعلهای سه عبارت آخر، فاء تفریع یا نتیجه است و بیانگر این نکته است که خروج منی تنها در نتیجهٔ تحریکات جنسی پیشین بوده است. تعبیر «حتی یُمنِي» نیز به معنای غایت (تا اینکه) است، نه «لِأجْلِ» (به دلیل اینکه).

۲۱۹. برای مشاهدهٔ اسناد روایات ر.ک: *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ٤۱ ـ ۳۹.

عَبَث

در روایت یاد شده، واژۀ «عَبَث» به معنای « لعب: بازی و شوخی» است. «عبث» در اینجا به هر نوع بهره‌وری جنسی، غیر از آمیزش، اطلاق می‌شود که با آمیزش جنسی و جماع متفاوت است. بهره‌وری جنسی (عبث) گاه منجر به خروج منی از مرد می‌شود و گاه این‌چنین نمی‌شود. در روایت یادشده فرض سؤال، بهره‌وری جنسی از نوع نخست است که منی، بدون آمیزش جنسی با همسر و تنها بر اثر تحریکات جنسی از مرد خارج می‌شود.

اضافه شدن واژۀ عبث به همسر (أهل) در این روایت از آن رو است که همسران، عامل برانگیختگی جنسی و ابزار شوخی و تفریح برای یکدیگر به شمار می‌روند.

لَعِب

«لَعِب» در لغت ضد جدّی است[۲۲۰] و «ملاعَبَة»، از باب مفاعله، به معنای شوخی یا بازی دو نفر یا دو گروه با همدیگر است. در روایت یادشده ملاعبۀ زن و شوهر عنوانی کلی برای رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی میان آن دو است.

لَزِق

«لزق» در لغت به معنای «به هم چسباندن» و در روایت یادشده کنایه از هرگونه اقدام جنسی، غیر از آمیزش با همسر، است.

ساختارشناسی حکمی

مسئلۀ مورد بحث شناخت چگونگی دلالت روایات یادشده بر **حرمت و مفطر بودن** رفتارهای جنسی منجر به خروج منی، در هنگام روزه‌داری است. روایات یادشده در بیان این حکم ساختار حکمی مشترکی دارند.

الف) کلیدواژه

به کارگیری ترکیب «علیه ... کفارة ...» در این روایت، گویای حرمت رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی منجر به خروج منی در هنگام روزه‌داری است. برای دست‌یابی به این حکم باید به کاربرد معنای «علیه» و اصطلاح «کفارة» در این روایات توجه کرد.

در جار و مجرور «علیه»، حرف «علی» در معنای استعلای معنوی به کار رفته است[۲۲۱] که در مقایسه با مجرور، که در اینجا شخص روزه‌دار است، نوعی الزام وجود دارد. آنچه مکلف در این مسئله ملزم به انجام آن است، کفاره است که بایستی آن را در مقابل مفطر واقع‌شده به جا آورد؛ از این رو مفهوم وجوب با توجه به معنای ادبی ترکیب «علیه» می‌تواند استنباط شود.

---

۲۲۰. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۷۴۱.

۲۲۱. ابن‌هشام انصاری، *مغنی اللبیب*، ج ۱، ص ۱۴۳.

همچنین به کارگیری واژهٔ «کفارة» در عبارت «علیه مِن الکفارةِ مثلُ ما علی الذي یُجامِعُ» بیانگر حرمت عمل آمیزش جنسی یادشده در هنگام روزه‌داری است؛ زیرا کفاره در شریعت اسلامی برای ارتکاب اعمال ممنوع و حرام در نظر گرفته شده است.

ب) اشتراک حکم

با توجه به بخش پایانی روایات سه‌گانهٔ نخست («علیه من الکفارة مثل ما علی الذی یجامع» یا «علیهما جمیعا الکفارة مثل ما علی الذی یجامع») می‌توان دریافت که حکم خروج منی در اثر رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز با حکم آمیزش جنسی (جماع) در ماه مبارک رمضان یکی است. در جلسات پیش در بحث مفطرات روزه گفتیم که آمیزش جنسی با زنان در احادیث، در کنار مفطرات اصلی، مانند خوردن، آشامیدن و ... قرار گرفته است و در حکم باطل کردن روزه با آنها مشترک است. اکنون تمثیل حکم خروج منی در اثر رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز با حکم آمیزش جنسی بیانگر اشتراک حکمی و همسانی حرمت آن دو با یکدیگر و همچنین دیگر مفطرات روزه است؛ همانند روایت «خمسةُ أشیاءَ تُفطِرُ الصائمَ: الأکلُ وَالشربُ والجماعُ ...»

خلاصهٔ ساختار اشتراک حکمی این مسئله را می‌توان بدین‌گونه نیز بیان کرد:

علیـــه من الکفارة مثلُ ما علي الذي یجامع

الف د ج ب

الف) انجام‌دهندهٔ رفتارهای جنسی تحریک‌آمیزِ منتج به خروج منی، بدون قصد اخراج منی.

ب) انجام‌دهندهٔ آمیزش جنسی (جماع) در حال روزه

ج) ادات تشبیه و تمثیل در حکم (همانندی در حکم)

د) پرداخت کفاره (حکم دو عمل «الف» و «ب»)

نکات فقه الحدیثی

۱ـ از سیاق روایت نخست چنین برمی‌آید که مراد پرسش‌کننده از «الرجل»، مرد روزه‌داری است که در ماه مبارک رمضان مرتکب این عمل شود.

۲ـ اطلاق واژه‌های «عبث، لعب، لزق و وضع الید» هرگونه ارتباط و رفتار جنسی را شامل می‌شود.[۲۲۲]

۳ـ هر چند موضوع اصلی روایات انزال در اثر بازی جنسی با همسر، غیر از آمیزش، است، اما از تمثیل حکمی مذکور در آخر روایات سه‌گانهٔ نخست، حکم آمیزش جنسی را نیز می‌توان از آنها استنباط کرد؛ به دیگر سخن حکم انزال در اثر ملاعبه با حکم انزال در اثر آمیزش جنسی (جماع) در ماه مبارک رمضان یکی است.

٤ـ احادیث خروج منی از نظر موضوع تنها به مردان اختصاص دارد و تعمیم آن به زنان مشروط به اثبات خروج منی از زنان در اثر تحریکات جنسی غیر از آمیزش است.

۲۲۲. الشیخ الأنصاری، *کتاب الصوم*، ص ۵۱.

۵ـ روایات سه‌گانهٔ نخست، ساختار حکمی مشترکی دارند و در آنها از تعبیر «علیه .... الکفارة» و ساختار اشتراک حکمی برای بیان حرمت و مفطر بودن این عمل استفاده شده است. در روایت چهارم و پنجم نیز از ساختار کلیدواژهٔ «کفارته ...» استفاده شده است.

٦ـ به قرینهٔ سیاق روشن است که روایت سماعه (شمارهٔ ٤) ناظر به حال روزه است و شیخ حر عاملی با توجه به همین سیاق آن را در بحث مفطرات صوم آورده است.

۷ـ نشانه‌های اثبات خارج شدن منی یکی از موضوعات تخصصی و علمی مطرح دربارهٔ این روایات است و فقهیان بر اساس نصوص و تجارب علمی، علائمی را برای آن یاد کرده‌اند؛ همانند: بیرون آمدن منی با شهوت و لذت جنسی، بیرون آمدن آن با فشار و جستن و سستی بدن پس از خارج شدن منی و ... .[۲۲۳]

چکیده

- ✓ خارج شدن منی، که یکی از مفطرات صوم است، به مجموعه اقدامات تحریک‌آمیز جنسی مردان و زنان در حال روزه اطلاق می‌شود که بدون قصد پیشین برای خارج ساختن منی، در اثر رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی با یکدیگر به طور ناخواسته از هر دو یا یکی از آن دو منی خارج شود.
- ✓ خارج شدن منی در اثر تحریکات جنسیِ غیر از جماع، از دیگر مفطرات صوم است که تمامی فقها در آن اتفاق نظر دارند و اختلافی میان مذاهب فقهی در این مسئله وجود ندارد. حرمت و مفطر بودن این عمل برای روزه از مسلمات فقه شیعه و سنّی است.
- ✓ احادیث بسیاری در بیان مفطر بودن خارج شدن منی برای صوم گزارش شده است که بیشتر آنها پرسمانی و در قالب پرسش از محضر معصومان است. هر چند در پرسش این مسئله، نوعی تواتر معنوی در روایات وجود دارد، اما پاسخهای معصومان دارای وحدت حکم و تواتر لفظی است.
- ✓ واژگان محوری احادیث پنج‌گانهٔ یادشده در متن درس را از نظر معنا و مفهوم می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:
- ✓ روایات مربوط به این موضوع ساختار حکمی مشترکی در بیان این حکم دارند و در آنها از ساختار **کلیدواژه‌ها** و **اشتراک حکم** استفاده شده است. دستهٔ نخست واژگانی است که بیانگر زمینه‌ها و اسباب خروج منی از مردان یا زنان است؛ دستهٔ دوم واژگانی است که بیانگر نتیجهٔ خاص تحریکات جنسی منجر به خروج منی از مرد یا زن است.

۲۲۳. عروة *الوثقی*، ج ۱، ص ۳۷۸.

جلسهٔ یازدهم

رفتارهای مکروه در حال روزه (۱)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ روایات رفتارهای مکروه در حال روزه؛
- ✓ مفهوم و احکام روایات رفتارهای مکروه در حال روزه.

درآمد

در این جلسه با روایات رفتارهای مکروه در حال روزه و نکات فقه الحدیثی آنها آشنا خواهیم شد. منظور از رفتارهای مکروه در حال روزه مجموعهٔ عملکردها و اقداماتی است که انجام آنها در حال روزه مورد پسند و خوشایند شارع اسلامی نیست، اما انجام آنها باعث فساد روزه نمی‌شود. بیشتر رفتارهای مکروه همجوار با مفطرات هستند و نزدیکی به آنها ممکن است فرد را در آستانهٔ ارتکاب مفطرات قرار دهد.

حکمت و هدف

کراهت چنین رفتارهایی در فقه اسلامی سه هدف عمده می‌تواند داشته باشد که این اهداف خود نمودی از تقوا هستند:

الف) حفظ حریم روزه و پاسداشت منزلت آن؛

ب) ایجاد زمینه برای تقویت ارادهٔ فرد در دوری از گناه؛

ج) جلوگیری از باطل شدن روزه.

با دوری گزیدن روزه‌دار از چنین رفتارهایی، ارادهٔ وی در دوری از گناه تقویت می‌شود و اندک‌اندک ضریب انجام گناه در وی به صفر می‌رسد.

اقسام رفتارهای مکروه

رفتارهای مکروه در حال روزه که در روایات از آنها یاد شده است، بیش از دهها مورد است که فقیهان چیره‌دست و باریک‌بین در آثار فقهی خود به آنها پرداخته‌اند. روشن است که پرداختن تفصیلی به مباحث

تخصصی هر یک از این موارد از حوصلهٔ این درس خارج است و مجال بیشتری می‌طلبد. در این درس تلاش می‌کنیم تا در حد نیاز با روایات و نکات فقه‌الحدیثی آنها به طور اجمالی آشنا شویم. در جلسهٔ آینده نیز به نمونه‌هایی از دو دسته رفتارهای جنسی و رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن به تفصیل اشاره خواهیم کرد.

رفتارهای مکروه را بر اساس موضوعات کلی آنها می‌توان به چند دستهٔ کلی تقسیم کرد:

دستهٔ نخست: رفتارهای کاهندهٔ سختی روزه

منظور از این رفتارها، مجموعه اقداماتی هستند که روزه‌دار برای کاستن از حرارت و تشنگی حاصل از روزه، آنها را انجام می‌دهد.

پوشیدن لباس خیس

در روایات از پوشیدن یا چسباندن لباس تر و خیس به بدن در هنگام روزه نهی شده است. شاید دلیل این نهی درک تشنگی حاصل از روزه باشد که یکی از اهداف تشریع روزه است. همچنین می‌توان گفت که پوشیدن لباس خیس یکی از مصادیق غالب این رفتار است.

عَن عَبدالله بن سَنان قال: سَمِعتُ أبا عبد الله (علیه السلام) یَقولُ: لا تَلزَقْ ثَوبَکَ إلی جَسَدِك وَهُوَ رَطْبٌ وَأنتَ صائِمٌ حَتی تَعصِرَهُ.[۲۲٤]

عبدالله بن سنان گوید: «از امام صادق شنیدم که آن حضرت فرمودند: لباس خیس و تَر را به بدنت نچسبان، در حالی که روزه هستی تا اینکه آب آن را با فشار گرفته باشی».

فقه الحدیث

ـ نهی در عبارت «لا تلزق» به معنای کراهت است.

ـ کراهت پوشیدن لباس مرطوب، تنها تا زمان فشردن و خارج ساختن آب از آن است. این نکته از مفهوم غایت ترکیب «... حتی تعصره» استنباط می‌شود؛ به بیان دیگر کراهت تا زمانی است که عصارهٔ آب در لباس باشد، برقرار است.

دستهٔ دوم: رفتارهای احتیاطی ـ حریمی

رفتارهای احتیاطی ـ حریمی مجموعه اقداماتی است که انجام آنها توسط شخص روزه‌دار زمینه‌ساز احتمال ورود شیء خارجی به بدن از طریق مجاری تنفسی است.

---

۲۲٤. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۳٦.

دندان کشیدن

از جمله رفتارهای احتیاطی ـ حریمی دندان کشیدن است؛ بدین معنا که باید در این عمل کاملاً احتیاط شود تا حریم روزه از نظر ورود شیء خارجی، مانند خون و ضایعات دندان و لثه، به داخل بدن (حلق) حفظ شود. باید توجه داشت که روایات، فضای دهان را در این موارد فضایی خارجی قلمداد می‌کنند. دستور شارع این است که در صورت نبود اضطرار این اعمال انجام نشود.

عَنْ عَمّار بن مُوسی، عَن أبي عبدالله (علیه السلام) في الصائِمِ یَنزِعُ ضِرْسَهُ؟ قال: لا وَلا یُدْمِي فاه ... .[۲۲۵]

عمار بن موسی از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که از حضرت دربارهٔ روزه‌داری که دندان خود را می‌کشد، سوال شد. آن حضرت در پاسخ فرمودند: «نه، جایز نیست. روزه‌دار نباید دهانش را خون‌آلود کند».

فقه الحدیث

ـ در این روایت با واژهٔ «لا»ی نهی در عبارت «ولا یدمي» از خونی کردن دهان، که کشیدن دندان یکی از مصادیق آن است، نهی شده است. اما فقیهان از «لای نهی»، کراهت را برداشت کرده‌اند.

ـ با کشیدن دندان و خون‌آلود نمودن فضای دهان احتمال ورود خون به حلق و معده زیاد می‌شود و ممکن است روزهٔ فرد باطل شود؛ از این رو چنین کاری مکروه قلمداد شده است.

ـ رسیدن این مواد به حلق و معده باید به گونه‌ای باشد که عنوان ایصال (رسیدن) صدق کند. در صورت شک در رسیدن این مواد به حلق اقوی، نرسیدن است.[۲۲۶]

ـ پرسش راوی، مصداقی؛ و پاسخ حضرت، کلی است. از پاسخ کلی حضرت می‌توان حکم کراهت هرگونه اقدام جراحی در حوزهٔ لب، دهان و دندان را که منجر به خونریزی شود، استنباط کرد.

مسواک زدن با چوب تر

اصل مسواک زدن امری مستحبی و مورد تأکید شرع و علم است. اما مسواک زدن در حال روزه، به دلیل احتمال وارد شدن آب یا باقی‌ماندهٔ غذای موجود در لابه‌لای دندانها به محیط حلق و معده، مکروه قلمداد شده است. در این زمینه روایات گوناگونی از معصومان به دست ما رسیده است که ناظر بر حکم همین مسئله است. پس بر اساس این روایات بهتر است که مسواک زدن پیش از شروع زمان شرعی روزه باشد و یا در حال روزه از مسواک زدن با چوب تر خودداری شود.

عَنْ مُحمدِ بنِ مُسْلِمٍ، عَن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: یَسْتاكُ الصائِمُ أيَّ النَّهارِ شاءَ، وَلا یَستاكُ بِعودٍ رَطْبٍ.[۲۲۷]

---

۲۲۵. همان، ص ۸۵.

۲۲۶. انصاری، *کتاب الصوم*، ص ۱۵٦.

۲۲۷. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۸٤.

محمد بن مسلم از امام صادق روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: «روزه‌دار در هر وقت از روز که بخواهد، می‌تواند مسواک بزند، ولی با چوبِ تر مسواک نزند.

عَنْ الحلبيّ، عَنْ أبي عبد الله (علیه السلام) قال: سَأَلتُه عَن الصائِمِ، يَستاكُ؟ قال: لا بَأسَ به، وَقال لا يَستاكُ بِسِواكٍ رَطْبٍ.[۲۲۸]

حلبی از امام صادق روایت می‌کند که از آن حضرت دربارهٔ حکم مسواک زدن روزه‌دار پرسیدیم. حضرت در پاسخ فرمودند: «اشکالی ندارد، با مسواک مرطوب نباشد».

شیخ طوسی نهی موجود در «لا يستاك» را بر کراهت حمل کرده است.[۲۲۹]

استنشاق و مضمضهٔ زیاد آب بدون جهت

مراد از استنشاق، وارد کردن آب در داخل بینی و مراد از مضمضه، چرخاندن آب در فضای دهان است که گاه برای شستن فضای داخلی و گاه برای خنک کردن آن انجام می‌شود. در این دو عمل نیز چون احتمال ورود آب به داخل حلق وجود دارد، انجام آنها در حال روزه مکروه قلمداد شده است.

ـ عن أبی عبد الله (علیه السلام) في الصائمِ يَتَمَضْمَضُ وَيَسْتَنْشِقُ؟ قَالَ: نَعَم، وَلَكِن لا يُبَالِغُ؛[۲۳۰] از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد آیا شخص روزه‌دار می‌توان مضمضه و استنشاق کند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «آری ولی زیاده‌روی نکند».

ـ ... والأَفضَلُ لِلصّائِمِ أَنْ لا يَتَمَضْمَضَ؛[۲۳۱] و افضل آن است که ـ روزه‌دار ـ مضمضه نکند.

فقه الحدیث

ـ منظور از «لا يبالغ» زیاده‌روی و اغراق در مضمضه است. برطرف کردن کراهت استنشاق و مضمضه در حال روزه مشروط به فقدان این شرط است. بنابراین، استنشاق و مضمضهٔ عادی کراهت ندارد.

ـ در روایت، ترک مضمضه افضل دانسته شده است که مفهوم مخالف آن کراهت مضمضه در حال روزه است.

سُعُوط

منظور از «سُعُوط» داخل کردن دوا در بینی است که استفادهٔ طبی و دارویی دارد. در این اقدام چون احتمال ورود دوا به داخل حلق وجود دارد، انجام آن مکروه قلمداد شده است.

عن ليث المرادی، قال: سَأَلتُ أبا عبد الله (علیه السلام) عن الصَائِمِ يَحْتَجِمُ وَيَصُبُّ فِی أُذُنِه الدُّهنَ، قَالَ: لا بَأسَ إلا السُعُوطُ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ.[۲۳۲]

---

۲۲۸. همان.

۲۲۹. همان.

۲۳۰. همان، ص ۷۱.

۲۳۱. همان.

۲۳۲. همان، ص ٤۳.

لیث مرادی می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ حکم روزه‌داری که حجامت کند و در داخل گوش خود روغن بریزد، پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمودند: این کارها اشکالی ندارد؛ جز داخل کردن دوا در بینی که مکروه است.
عن جعفر، عن أبیه، عن علی (علیه السلام) أنَّه کَرِهَ السعُوطَ لِلصَّائِمِ.[۲۳۳]
امام صادق از پدرش و ایشان از علی (علیه السلام) نقل کردند که ایشان داخل کردن دوا در بینی را برای روزه‌دار مکروه می‌دانستند.

دستهٔ سوم: رفتارهای گفتاری ـ بیانی

در حال روزه برخی رفتارهای گفتاری ـ بیانی وجود دارد که شایستهٔ مقام روزه‌داری نیست و باعث غفلت از توجه به خدا و حکمت روزه می‌شود.

سرودن و خواندن شعر

عن حمّاد بن عثمان وغیره، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: لا یُنْشَدُ الشِّعرُ بِلَیلٍ، وَلا یُنشَدُ فِی شَهرِ رمضانَ بِلیلٍ وَلا نَهَارٍ ... .[۲۳۴]
حماد بن عثمان و دیگران از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: در شب نباید شعر خواند و همچنین در ماه رمضان؛ خواه شب باشد یا روز.
عن حمّاد بن عثمان قال: سَمِعتُ أبا عبد الله (علیه السلام) یَقُولُ: یُکرَهُ رِوایَةُ الشِّعرِ لِلصائِمِ ... .[۲۳۵]
حمّاد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که آن حضرت فرمودند: «خواندن شعر برای روزه‌دار مکروه است».

فقه الحدیث

ـ در این روایت میان خواندن و سرودن شعر تفاوت گذاشته شده است، هر چند خواندن و سروردن شعر از نظر حکم کراهت با هم مشترک هستند و انشاد، خواندن را نیز به طور ضمنی دربردارد.
ـ این روایت با تفاوت نهادن میان انشاد و روایت شعر هر گونه اقدام بیانی به شعر در رمضان را مکروه قلمداد کرده است. توجه به این نکته از آن نظر مهم است که ممکن است مخاطب گمان کند که تنها سرودن شعر برای اهل ذوق و فن مکروه است، نه برای دیگران که توان سرودن ندارند، اما می‌توانند اشعار شاعران را برای خود یا دیگران بازگو کنند. بنابراین، با درنگ در معنای روایت، بطلان این گمان روشن می‌شود.

---

۲۳۳. همان، ص ٤٤.
۲۳٤. همان، ص ١٦٩.
۲۳٥. همان.

سوگند خوردن

عن الفُضَیل بن یَسار، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: إذَا صَامَ أَحَدُکُم الثلاثةَ الأيَّامَ فی الشَّهرِ ... ولا یَسْرَعُ إلی الإیمانِ والحَلْفِ بِاللهِ ... .[۲۳۶]
فضیل بن یسار از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:
«چون که یکی از شما، آن سه روز را در ماه، روزه گرفت، ... نباید در قسم و سوگند به خدا سرعت گیرد».

جدال و نزاع لفظی

عن الفُضَیلِ بن یَسار، عن أبی عبد الله (علیه السلام) قَالَ: إذَا صَامَ أَحَدُکُم الثَلاثَةَ الأيَّامَ فِی الشَهرِ فَلا یُجَادِلنَ أَحَداً ... .[۲۳۷]
فضیل بن یسار از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:
چون که یکی از شما آن سه روز را در ماه روزه گرفت، با احدی مجادله نکند.

ساختار حکمی کراهت در روایات

در روایات پیش‌گفته در بیان کراهت برخی از رفتارها در حال روزه، از اشکال صیغهٔ نهی استفاده شده است؛ فعل نهی و کلیدواژهٔ کراهت.

فعل نهی

به کار بردن فعل نهی (لا نهی + فعل مضارع) بیشترین کاربرد را در این روایات دارد. به طور معمول مادهٔ فعل مضارع از مصدر واژه‌ای است که در روایت از آن نهی شده (مصدر منهی‌عنه) است. کاربرد فعل نهی در روایات زیر دیده می‌شود:
ـ ولا یَستاك بعود رطب.
ـ لا تَلزق ثوبك إلی جسدك وهو رطب.
ـ ولا یُدمي فاه.
ـ الافضل للصائم أن لا یَتمضمض.
ـ فلا یجادلن أحداً.

۲۳۶. همان، ص ۱٦۷.
۲۳۷. همان.

الفاظ صریح در کراهت

در بسیاری از این روایات از مادۀ «کره»، به معنای کراهت، به شکل ماضی و مضارع استفاده شده است.

ـ یُکره روایة الشعر للصائم.

ـ أنه کره السعوط للصائم.

ـ إلا السعوط فإنه یکره.

تذکر

- ✓ روشن است که اصل در ماده و صیغۀ نهی، طلب ترک فعل یا الزام بر ترک فعل است[238] و اجتناب از تمامی مصادیق منهی‌عنه بر مکلف لازم است؛ به دیگر سخن ارتکاب آنچه که مورد نهی واقع شده است، حرام است؛ مگر اینکه دلیلی داشته باشیم که اثبات کند نهی در این صیغه‌ها به معنای حرمت نیست.
- ✓ اصولیان نهی را ظاهر در تحریم می‌دانند. از دیدگاه آنان، نهی میان دو معنای حرمت و کراهت در تردد است، اما دلالت آن بر حرمت برتری دارد.
- ✓ نظر مشهور اصولیان این است که در روایات پیشین، صیغه‌های نهی بر کراهت دلالت دارد. دلیل آنها علاوه بر دلالت لفظی، عبارت است:

  الف) این رفتارها در کنار مبطلات و مفطرات روزه ذکر نشده است؛

  ب) هر فعل حرام و مکروهی مبطل روزه نیست و در نهایت به معنای نقصان صوم و کاستن از اجر آن است.[239]

  ج) اصل همراه بر صحت روزه است؛ مگر اینکه دلیلی بر ابطال آن اقامه شود.[240]

  د) باطل نشدن روزه با انجام این رفتارهای حکمی اجماعی است.

چکیده

- ✓ رفتارهای مکروه در حال روزه که در روایات از آنها یاد شده است، بیش از دهها مورد است که فقیهان چیره‌دست و باریک‌بین در آثار فقهی خود به آنها پرداخته‌اند.
- ✓ رفتارهای مکروه را بر اساس موضوعات کلی آنها می‌توان به چند دستۀ کلی تقسیم کرد: دستۀ نخست: رفتارهای کاهندۀ سختی روزه؛ دستۀ دوم: رفتارهای احتیاطی ـ حریمی؛ و دستۀ سوم: رفتارهای گفتاری ـ بیانی.
- ✓ دستۀ نخست از اقسام رفتارهای مکروه در حال روزه، رفتارهای کاهندۀ سختی روزه است که تنها به یک مورد از آن، که همان پوشیدن لباس خیس در هنگام روزه‌داری است، اشاره کردیم.

---

۲۳۸. مظفر، *اصول الفقه*، ج ۱، ص ۹۵.

۲۳۹. بحرانی، *الحدائق الناظره*، ج ۱۳، ص ۱۴۷.

۲۴۰. همان، ص ۸۶.

- ✓ دستهٔ دوم از اقسام رفتارهای مکروه در حال روزه، رفتارهای احتیاطی ـ حریمی است که شامل کشیدن دندان، مسواک زدن با چوب تر، استنشاق و مضمضهٔ زیاد آب بدون دلیل و سُعُوط است. در این موضوع به روایات معصومان و نکات فقه الحدیثی آنها اشاره کردیم.
- ✓ دستهٔ سوم رفتارهای گفتاری ـ بیانی است که در این مورد نیز به سرودن و خواندن شعر، سوگند خوردن، جدال و نزاع لفظی اشاره کردیم.

جلسهٔ دوازدهم

رفتارهای مکروه در حال روزه (۲)

اهداف درس

آشنایی با:

- روایات، مفهوم و احکام رفتارهای جنسی؛
- روایات، مفهوم و احکام رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن.

مروری بر مباحث پیشین

در مباحث پیشین گفتیم که بر اساس احادیث رسیده و آرای فقیهان انجام برخی رفتارها و گفتارها در حال روزه کراهت دارد و بهتر است شخص روزه‌دار از انجام آنها خودداری کند. در جلسهٔ پیشین با روایات و نکات فقه‌الحدیثی سه دسته از رفتارهای مکروه در حال روزه آشنا شدیم. در این جلسه دسته‌ای دیگر از این رفتارها را بررسی می‌کنیم. شایان گفتن است که رفتارهای مکروه در حال روزه تنها به این موارد محدود نیست و موارد دیگری نیز در روایات گزارش شده است که به دلیل کوتاه بودن فرصت، از بررسی تک‌تک آنها خودداری می‌کنیم.

درآمد

موضوع این جلسه عبارت است از: بررسی فقه الحدیثی روایات رفتارهای جنسی و رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن در حال روزه و نیز آشنایی با مفهوم و احکام به دست آمده از آنها. در این روایات برخی از رفتارهای جنسی و تضعیف‌کنندهٔ بدن، مکروه دانسته شده است؛ برای نمونه در روایتی، گونه‌هایی از این دو قسم چنین آمده است:

> عن الرضا (علیه السلام)، عن آبائه (علیهم السلام) قال: قال عليٌّ بنُ أبي طالبٍ (علیه السلام): «ثلاثةٌ لا يَعْرِضُ أحدُكم نفسَه لَهُنَّ وهو صائمٌ: الحِجامَةُ، والحَمّامُ، والمَرأةُ الحَسناءُ.»[241]
>
> امام رضا (علیه السلام) از پدرانشان نقل می‌کنند که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمود: «سه چیز است که احدی از شما در حالی که روزه است خود را در معرض آن قرار ندهد: حجامت کردن، حمام رفتن و زن خوش‌سیما».

در این روایت، دو نمونهٔ نخست مربوط به رفتارهای تضعیف‌کننده و نمونهٔ سوم مربوط به رفتارهای

---

۲۴۱. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۹۹.

تحریک‌آمیز جنسی است. منظور امام از «المرأة الحسناء» روبه‌رو ساختن خود با زنـان خـوش‌سـیما و تحریـک نیروی جنسی در اثر آن است. در این روایت به چشم‌پوشی از این زنان، که روبه‌رو شدن بـا آنهـا و دیدنـشان، زمینه‌ساز و محرک اقدامات جنسی است، امر شده است. این تحریک حتی ممکن است با دیدن غیرمستقیم نیز حاصل شود.

هر چند خطاب مستقیم این روایت شامل مردان اسـت، امـا بـا در نظـر گـرفتن مـلاک حکـم مـی‌تـوان ممنوعیت این‌گونه رفتارها را شامل زنان، به ویژه زنان جوان، هم دانست. یادکرد این سه قسم از رفتار در ایـن روایت، بیانگر کراهت مؤکد آنها است. بر همین اساس، برخی فقیهان یکـی از وجـوه تأکیـد بـر کراهـت ایـن رفتارها را، تخصیص به بیان آنها در روایات معصومان دانسته‌اند.

در این جلسه به دلیل اهمیت و کراهت شدید این رفتارها به بررسی روایات مربوط به آنها مـی‌پـردازیم و در لابه‌لای مباحث با مفهوم این رفتارها، احکام و آرای فقیهان شیعی و دیدگاه برخی فقیهـان اهـل سـنت در این دو مسئله نیز آشنا خواهیم شد.

رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز

به دلیل امکان خارج شدن منی در اثر برخی اقدامات تحریک‌آمیز جنسی و بطلان روزه در اثر آنها، گروهـی از احادیث، بوسیدن، لمس بدن، ملاعبه با همسر و ... را در حال روزه مکروه دانسته‌اند.

روایات

روایات مرتبط به رفتارهای جنسی در حال روزه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسـتهٔ نخـست دربردارنـدهٔ روایاتی است که به طور صریح از انجام چنین رفتارهایی نهی کرده‌اند. دستهٔ دیگر روایاتی است که انجام ایـن رفتارها را به حال روانی ـ جنسی افراد مربوط دانسته‌اند. در دستهٔ دوم ممنوعیـت ارتکـاب ایـن رفتارهـا، افـراد خاص یا افراد قرارگرفته در حالات جنسی ویژه‌ای را دربرمی‌گیرد، نه همهٔ افراد یـا همـهٔ حـالات را؛ بـه دیگـر سخن مطابق دیدگاه برخی فقیهان این کراهت در روایات دستهٔ دوم اطلاق ندارد.

دستهٔ نخست

۱ـ «سئلتُه عن الرجلِ، هل یَصلُحُ لَه أنْ یُقَبِّلَ أو یَلْمِسُ وهو یَقضِي شهرَ رمضانَ؟ قال: لا»؛[۲۴۲] راوی می‌گویـد که از امام پرسیدم: برای فردی که قضای روزهٔ رمضان را به جا می‌آورد، روا است که [همسرش را] ببوسـد یـا لمس کند؟ حضرت در پاسخ فرمود: نه.

۲۴۲. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، الباب ۳۳ من أبواب ما یمسک عنه الصائم، ح ۱۱.

۲ـ عن الأصبغِ بن نباتَةَ قال: جاءَ رجلٌ إلی أميرِ المؤمنينَ فَقَال: «يا أميرَ المـؤمنينَ أُقَبِّـلُ وأنـا صـائمٌ.» فقـال: «عِفَّ صومَكَ فإنَّ بَدْوَ القتالِ اللِّطامُ»؛[۲۴۳] اصبغ بن نباته می‌گوید: فردی نزد حضرت علی (علیه السلام) آمـد و عرض کرد: «ای پیشوای مؤمنان، [همسرم را] در حال روزه می‌بوسم.» حضرت فرمود: «حرمت روزه‌ات را نگه دار؛ چرا که جنگ با یک سیلی آغاز می‌شود.»[۲۴۴]

۳ـ «عن إسحاقِ بنِ عمارٍ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسولُ الله (صلی الله عليـه وآلـه): «إنَّ اللهَ كَرِهَ لي ستَّ خِصالٍ، ثُمَّ كَرِهْتُهُنَّ للأوصياءِ مِن وُلْدِي وأتباعِهِم مِنْ بَعدي، الرَّفَثَ في الصومِ ...»؛[۲۴۵] اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آلـه) فرمـود: «همانا خداوند شش خصلت را برای من مکروه نموده است. سپس مـن آنهـا را بـرای اوصـیای از فرزنـدانم و پیروان آنان، بعد از خود دوست ندارم: ـ از جملهٔ آنها ـ رفث (هرگونه رفتار تحریک‌آمیـز جنـسی بـا همـسر) در حال صوم است.»

دستهٔ دوم

۱ـ زرارة عن أبي جعفرٍ (عليه السلام) أنَّه سُئِلَ: «هل يُباشِرُ الصائمُ أو يُقَبِّلُ في شـهرِ رمـضانَ؟» فقـال: «إنِّـي أخافُ عليه، فَلْيَتَنَزَّهْ عن ذلك، إلا أنْ يَثِقَ أنْ لا يَـسْبِقَه مَنِيُّـه»؛[۲۴۶] زراره از امـام بـاقر (علیـه الـسلام) روایـت می‌کند که از آن حضرت سؤال شد: «آیا می‌تواند شخص روزه‌دار در ماه رمضان [با همسرش] هم‌آغوشی کنـد یا [وی را] ببوسد؟» حضرت در پاسخ فرمود: «بر او ترسـانم، [بهتـر اسـت] از آن کـار دوری کنـد؛ مگـر آنکـه اطمینان داشته باشد که ـ در اثر تماس یا بوسیدن همسرش ـ از وی منی خارج نخواهد شد.»

۲ـ «عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنَّه سُئِلَ عنِ الرجلِ يَمَسُّ مِن المرأةِ شيئاً، أيُفْسِدُ ذلك صَـومَه أو يَنقُـضُه؟ فقال: «إنَّ ذلك لَيُكْرَهُ للرجلِ الشّابِّ مَخافَةَ أنْ يَسبِقَه المنيُّ»؛[۲۴۷] از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مردی که بدن همسرش را لمس می‌کند سؤال شد که آیا این کار روزهٔ وی را خراب (مکـروه اسـت) یـا باطـل مـی‌کنـد (حرام است)؟ حضرت در پاسخ فرمود: «این کار بر مردان جوان کراهت دارد؛ به خاطر احتمال خروج منی».

۳ـ «منصور بنِ حازمٍ قال: قلتُ لأبي عبد الله (عليه السلام): «ما تَقولُ في الصائمِ يُقَبِّلُ الجاريَةَ والمَرأةَ؟» قـال: «أمَّا الشَيخُ الكبيرُ مِثْلي ومِثلُك فَلا بَأسَ، وأمَّا الشابُّ الشَّبِقُ فلا، لأنَّه لا يُؤمِنَ، والقُبْلَةُ إحـدَی الـشَّهوَتَينِ»؛[۲۴۸] منصور بن حازم می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «نظر شما دربـارهٔ روزه‌داری کـه کنیـز یـا همسرش را می‌بوسد، چیست؟» حضرت در پاسخ فرمود: «برای مردی پیر ـ همچون من و تو ـ اشکالی ندارد، ولی برای جوان پرشهوت روا نیست؛ چرا که وی ایمن از خروج منی نیست، حال آنکه بوسه یکی از دو شهوت است (یعنی هم‌ردیف جماع است).»[۲۴۹]

---

۲۴۳. همان، ح ۱۵.

۲۴۴. کنایه از اینکه بوسیدن مقدمهٔ مسائل عمیق‌تر زناشویی است.

۲۴۵. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

۲۴۶. همان، الباب ۳۳ من أبواب ما یمسک عنه الصائم، ح ۱۳.

۲۴۷. همان، ح ۱.

۲۴۸. همان، ح ۳.

۲۴۹. ر.ک: شیخ الأنصاری، *کتاب الصوم الأول*، ص ۱۶۳.

واژگان کلیدی

عبارات و واژگان «یُقَبِّل»، «یَلمِس»، «الرفَث»، «یُباشر»، «یَمَسُّ مِن المرأة شیئاً» و «القُبلة» واژگـان کلیـدی روایات یادشده هستند که بیشتر در بخش پرسش‌ها آمده‌اند. پاسخهای معصومان نیز بر همان مفاهیم رایجـی استوار است که در زبان عرفی پرسشگر یا مخاطب، این ترکیبات و واژگان غالباً در آن مفاهیم کاربرد داشته‌اند. همهٔ این واژگان از خانوادهٔ معنایی رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز هستند و در طیـف معنـایی تحریـک‌آمیـزی و زمینه‌سازی برای آمیزش جنسی با یکدیگر اشتراک دارند، هر چند هر کدام، از نظر نوع رفتـار جنـسی محـرّک، تفاوتهایی با یکدیگر دارند.

مراد از «القبلة ـ یقبل» بوسیدن، «یلمس ـ یمس مـن المـرأة شـیئاً ویباشـر» تمـاس بـدنی و «الرفـث» سخنان جنسی با همسر پیش از آمیزش است. واژهٔ «رفث» در لغت بـه تحریـک‌کننـده بـرای عمـل آمیـزش، گفتگوهای جنسی میان همسران، سخنان مرتبط با مسائل جنسی پیش از نزدیکی، سخنان فحش‌آلود (رکیکِ) جنسی و همانند آنها اطلاق می‌شود.[۲۵۰]

ساختارشناسی حکمی

در روایات پیش‌گفته در بیان کراهت برخی رفتارها در حال روزه، از اشکال صیغهٔ نهی و امر استفاده شده است.

فعل نهی

در بیان رفتارهای منهی‌عنه از فعل نهی فراوان استفاده شده اسـت. در کـاربرد فعـل نهـی (لای نهـی+ فعـل مضارع) به طور معمول، مادهٔ فعل مضارع از مصدر واژه‌ای است که در روایت از آن نهی شـده اسـت. (مـصدر منهی‌عنه) کاربرد فعل نهی را در روایت ذیل شاهد هستیم:

ـ لا یَعرِضُ أحدُکم نفسَه لَهُنَّ وهو صائم: الحجامةُ، والحمامُ، والمرأةُ الحسناءُ.

لای نهی

ـ ما تقولُ فی الصائم یُقبِّل الجاریةَ والمرأةَ؟ قال: وأما الشابُ الشبقُ فلا.

ـ هل یصلُحُ له أنْ یُقبلَ أو یَلمسَ وهو یَقضِی شهرَ رمضانَ؟ قال: لا.

فعل امر

ـ أقبِّلُ وأنا صائم؟ فقال: عفَّ صومَک.

ـ فَلْیَتَنَزَّهْ عن ذلك.

---

۲۵۰. فیروزآبادی در معنای واژهٔ «رفث» چنین آورده است: «الرفث: محرکة الجماع والفحش وکـلام النـساء فـی الجمـاع أو مـا واجههن به من الفحش»؛ ر.ک: *القاموس المحیط*، ج ۱، ص ۱۶۷.

واژگان صریح در کراهت

در این روایات از مادهٔ «کره» به معنای کراهت، به شکل ماضی و مضارع، استفاده شده است.

ـ ثم کرهتُهن للأوصیاء من وُلدي وأتباعِهم من بعدی: الرفث فی الصوم.

ـ إنَّ ذلك لَيُكرَهُ للرجل الشابِّ مخافةً أنْ يَسبقَه المنيُّ.

نکات فقه الحدیثی

۱ـ یادکرد بوسیدن، مس و لمس بدن در روایات از باب مثال و نمونهٔ غالب رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز است؛ از این رو کراهت رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی محدود و محصور به موارد یادشده نیست و هر نوع رفتار تحریک‌کنندهٔ جنسی را دربرمی‌گیرد؛ به ویژه آنکه بیشتر روایات این مسئله پرسمانی است و پاسخ معصومان از باب تناسب پاسخ با مورد سؤال ناظر به همان مسئلهٔ درخواستی بوده است. با این همه از تعلیل موجود در برخی روایات می‌توان اطلاق و شمول را دریافت.

۲ـ در روایت «ثم کرهتُهن للأوصیاء من ولدی وأتباعهم مِن بعدی: الرفث في الصوم» واژهٔ «رفث»، افزون بر گفتگوهای جنسی میان همسران و ...، به معنای جماع (نزدیکی جنسی) نیز آمده است که در این صورت کراهت در اینجا به معنای حرمت خواهد بود.[۲۵۱]

۳ـ اطلاق موجود در روایات شمارهٔ یک و دو احادیث دستهٔ دوم، با دیگر روایات تقیید می‌خورد. با این تقیید روشن می‌شود که مراد شارع اسلامی از کراهت رفتارهای تحریک‌آمیز، ناظر به افراد و احوال جنسی ویژه است.

آشنایی با آرای فقیهان

دیدگاه فقیهان شیعی

دربارهٔ مکروه بودن رفتارهای جنسی، چون بوسیدن، لمس بدن، ملاعبه با همسر در حال روزه، دو دیدگاه میان فقیهان شیعی وجود دارد:

الف) کراهت مطلق

برخی فقیهان با استناد به روایات دستهٔ نخست، رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی در حال روزه را به طور مطلق مکروه دانسته‌اند.[۲۵۲] توجیه این گروه از فقها اطلاق امر، نهی و کراهت موجود در سه روایت دستهٔ نخست است؛ به این معنا که مطابق دلالت ظاهری این روایات، برای کراهت رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی در حال روزه هیچ شرط یا قیدی که ناظر به حال یا افراد ویژه باشد، وجود ندارد.

---

۲۵۱. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۱۷.

۲۵۲. نجفی، *الجواهر الکلام*، ج ١٦، ص ۳۱۵.

حدیث نهی (شمارهٔ یک) و روایت امر به ترک این قسم از رفتارهای جنسی در حال روزه (شمارهٔ دو) نیز مؤید دیدگاه این گروه است و لازمهٔ امر به ترک و اجتناب از همهٔ اقسام رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز، برای همهٔ روزه‌داران، در همه حال است.

ب) کراهت در صورت احتمال خروج منی

در این دیدگاه اقدامات تحریک‌آمیز جنسی تنها در صورتی مکروه است که دو طرف به دلیل شرایط سنی ویژهٔ جنسی، عادت جنسی و ... از خروج منی در امان نباشند، در غیر این صورت این اقدامات کراهتی ندارند. دلیل طرفداران این دیدگاه نیز روایات دستهٔ دوم است. در این احادیث ملاک کراهت احتمال خروج منی در اثر رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز بیان شده است که در برخی گروههای سنی، همانند جوانان و مردان با شهوت جنسی زیاد، این احتمال زیاد است و ممکن است فرد را در آستانهٔ انزال منی قرار دهد و در اثر آن روزهٔ فرد باطل شود. یادکرد این دو گروه از باب تمثیل برای بیان ملاک حکم بوده است و با در نظر گرفتن ملاک می‌توان چنین گفت که در افراد دیگر هم، که این احتمال داده شود، کراهت همچنان خواهد بود.

دیدگاه ابن‌عربی

در نگاه فقیهان اهل سنت، همانند ابن‌عربی، از فقیهان معروف مالکی، حکم رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی، چون بوسیدن همسر در ایام ماه مبارک رمضان، برای شخص روزه‌دار می‌تواند از باب سدّ ذرایع[۲۵۳] استنباط شود.[۲۵۴] از دیدگاه او این امر سبب و داعیه‌ای برای جماع است و بسته به حال روانی ـ جنسی فرد، حکم آن از باب سدّ ذرایع مختلف خواهد شد. از نگاه او این اقدام اگر منجر به خروج منی از فرد شود، حرام خواهد بود.[۲۵۵]

رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن

منظور از رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن، مجموعه اقدامات و اعمالی است که روزه‌دار با انجام آنها دچار ضعف جسمی و عطش شدید می‌شود و ممکن است در اثر این ضعفِ جسمانی روزهٔ خود را افطار کند؛ به سخن دیگر با انجام رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن روزهٔ خود را در آستانهٔ افطار قرار می‌دهد. از آنجا که مقدمات این رفتارها

---

۲۵۳. سدّ، در لغت به معنی منع و «ذرایع»، جمع «ذریعه»، در معنای وسیله و دستاویز است. منظور از «سدّ ذرایع»، حرمت کارهای مباح و حلالی است که وسیلهٔ انجام کار حرامی قرار گیرد. در تعریف دیگری از شاطبی چنین آمده است: «حقیقتها التوسل بما هو مصلحة إلی مفسدة»؛ در این‌باره ر.ک: مهدی شریعتی، *بررسی مصادر و منابع فقه فریقین*، ص ۳۷۳.

۲۵۴. برای آشنایی با نمونه‌های دیگر ر.ک: ابن‌عربی، *احکام القرآن*، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲۵۵. همان، ص ۱۳۴؛ نمونهٔ دیگر، ماجرای قوم یهود در داستان صید ماهی در روز شنبه است. وی اقدام آنها را نمونه‌ای از توسل به فعل مباح برای انجام فعل حرام برشمرده و آن را از باب سد ذرایع حرام دانسته است؛ همان، ج ۲، ص ۳۳۱. منظور وی از سدّ ذرایع «وَهُوَ كلُّ عَقْدٍ جَائِزٍ فِي الظَّاهِرِ يُؤَوَّلُ أَوْ يمْكنُ أَنْ يتَوَصَّلَ بِهِ إِلَى مَحْظُورٍ» است؛ همان، ص ۲۲۶. او در جای دیگری در توضیح آن چنین می‌آورد: «وَهِي الْمُبَاحَاتُ الَّتِي يتَوَصَّلُ بِهَا إِلَى الْمُحَرَّمَاتِ»؛ همان، ص ۲۷۰. از دیدگاه وی، خداوند در قرآن انجام فعل جایزی را که منجر به فعل ممنوعی شود، منع نموده است؛ همان، ص ۲۲۶.

اختیاری و به دست خود شخص روزه‌دار است، در روایات از باب نمونه تـذکر داده شـده اسـت کـه از ارتکـاب چنین رفتارهایی، که در آنها احتمال غلبهٔ ضعف بر روزه‌دار وجود دارد، اجتناب شود. در روایات از حمام کردن و حجامت به عنوان دو نمونه از رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن در حال روزه اشاره شده است. با درنگ در محتـوای روایات روشن می‌شود که دلیل کراهت این رفتارها در حال روزه، ترس از غلبهٔ ضـعف بـر جـسم روزه‌دار و در نتیجه احتمال بطلان روزه در اثر آن دو است. در این جلسه دربارهٔ حمام کردن بحث می‌کنیم و در جلسهٔ آینده به طور مستقل بحث حجامت را بررسی می‌کنیم.

حمام کردن

«... عن محمدِ بنِ مسلمٍ، عن أبي جعفرٍ (علیه السلام) أنَّه سُئِلَ عن الرجلِ يَدخُلُ الحَمّامَ وهو صائمٌ؟ فَقال: «لا بأسَ ما لَمْ يَخْشَ ضَعْفاً»؛[۲۵٦] محمد بن مسلم، از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که از آن حـضرت دربـارهٔ مردی که در حال روزه به حمام برود، سؤال شد؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «اشکالی ندارد تا زمانی که خـوف ضعف نداشته باشد.»

نکات فقه الحدیثی

۱ـ اصل بر جواز و کراهت نداشتن حمام کردن در حال روزه است.
۲ـ مکروه بودن حمام کردن مقید به شرطی است؛ کراهت آن تنها در حالی است که شخص در اثـر آن دچـار ضعف یا عطش شود، در غیر این صورت کراهتی نخواهد داشت. کشف ایـن شـرط و حـال بـا لحـاظ شـرایط جسمی و در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی محل زیست بر عهدهٔ شخص مکلف است.
۳ـ تبیین ملاک کراهت حمام کردن آن است که روزه‌دار مجبور شود بـه خـاطر آن روزه‌اش را افطـار کنـد یـا اینکه شارع، ضعف جسمی را، که روزه‌دار به دست خود و اختیاری به وجود بیاورد، مکروه دانسته است.
٤ـ با در نظر گرفتن دلیل گفته‌شده برای کراهت حمام کردن در حال روزه می‌توان سونا و جکـوزی رفـتن در حال روزه را نیز مکروه دانست.

چکیده

✓ به دلیل امکان خارج شدن منی در اثر برخی اقدامات تحریک‌آمیز جنسی و بطلان روزه در اثر آنها، گروهی از احادیث، بوسیدن، لمس بدن، ملاعبه با همسر و ... در حال روزه را مکروه دانسته‌اند.

۲۵٦. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۸۱.

- روایات مرتبط به رفتارهای جنسی در حال روزه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دستهٔ نخست روایاتی که به طور صریح از انجام چنین رفتارهایی نهی کرده‌اند؛ دستهٔ دیگر روایاتی که انجام این رفتارها را به حال روانی ـ جنسی افراد مربوط دانسته‌اند.
- مراد از «القبلة ـ یقبل» بوسیدن، «یلمس ـ یمس من المرأة شیئاً و یباشر» تماس بدنی و «الرفث» سخنان جنسی با همسر پیش از آمیزش است.
- یادکرد بوسیدن، مس و لمس بدن در روایات از باب مثال و نمونهٔ غالب رفتارهای جنسی تحریک‌آمیز است؛ از این رو کراهت رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی، محدود و محصور به موارد یادشده نیست.
- در مکروه بودن رفتارهای جنسی، چون بوسیدن، لمس بدن، ملاعبه با همسر در حال روزه دو دیدگاه میان فقیهان شیعی وجود دارد: الف) کراهت مطلق؛ ب) کراهت در صورت احتمال خروج منی.
- منظور از رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن، مجموعه اقدامات و اعمالی است که روزه‌دار با انجام آنها دچار ضعف جسمی و عطش شدید می‌شود و ممکن است در اثر این ضعف جسمانی روزهٔ خود را افطار کند.
- مکروه بودن حمام کردن مقید به شرطی است؛ کراهت آن تنها در حالی است که شخص در اثر آن دچار ضعف یا عطش شود و در غیر این صورت کراهتی نخواهد داشت.

جلسهٔ سیزدهم

حجامت در آینهٔ سنت و فقاهت

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ روایات، مفهوم و احکام حجامت؛
- ✓ دیدگاه فقیهان در مسئلهٔ حجامت.

درآمد

حجامت در فقه شیعه از رفتارهای مکروه در حال روزه است و از جمله رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن به شمار می‌آید. سیرهٔ معصومان گویای این نکته است که ایشان در صورت تمایل به انجام حجامت در ماه رمضان، آن را شب به جا می‌آوردند تا از آسیب‌های احتمالی حجامت برای روزه در امان باشند. برخی فقیهان با درنگ در فحوای روایات مربوط به حجامت[۲۵۷] بر این باورند که حجامت نمودن در ماه رمضان مکروه و انجام آن به حال ضرورت و زیان نداشتن برای بدن معلق شده است. پس اصل حجامت در حال روزه مکروه است مگر با ظن سلامت و زیان نرساندن به روزه یا افطار آن.[۲۵۸]

موضوع این جلسه بررسی فقه الحدیثی روایات حجامت در حال روزه است. در این درس با مفهوم و احکام و نکات فقه الحدیثی این روایات آشنا خواهیم شد. بررسی و گزارش آرای فقیهان در این مسئله، بخش دیگری از مباحث این جلسه را تشکیل می‌دهد. مسئلهٔ دیگری که در اینجا مطرح است، وجود روایتی نبوی است که ظاهر آن بر مفطر بودن حجامت برای روزه دلالت دارد که با روایات جواز حجامت در حال روزه تعارض ابتدایی دارد. چگونگی تعامل فقیهان با حدیث متعارض با اخبار باب حجامت و آشنایی با راه‌حلهای ارائه‌شده توسط آنان از دیگر موضوعات مهم مطرح در این جلسه است.

حجامت در آینهٔ سنت و فقاهت

روایات

دربارهٔ حکم حجامت در حال روزه در منابع حدیثی شیعه دو دسته روایت گزارش شده است: دستهٔ نخست که اکثریت قریب به اتفاق احادیث مربوط به این موضوع را تشکیل می‌دهند، روایاتی است که بیانگر جواز و

---

۲۵۷. در ادامه بنگرید: روایات دستهٔ نخست (شمارهٔ ۲ و شمارهٔ ۳).

۲۵۸. المحقق الخوانساری، *مشارق الشموس*، ج ۲، ص ٤٣٩.

کراهت آن در حال زیان‌رسانی و خوف بر جان حجامت‌شونده است. دستهٔ دوم روایات کم‌شمار و به بیان دقیق تک روایتی است که از طریق اهل سنت و شیعه از پیامبر نقل شده است. دلالت ظاهری این روایت و استنباط برخی فقیهان، مفطِر بودن حجامت برای روزه است. البته تأویلات و توجیهات دیگری نیز دربارهٔ این حدیث گفته شده است که به آنها خواهیم پرداخت. در ادامه با نمونه‌هایی از روایات هر دو دسته آشنا می‌شویم؛ سه روایت نخست مربوط به دستهٔ نخست و روایت پایانی نمونه‌ای از روایات دستهٔ دوم است:

۱ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُفَطِّرْنَ الصَّائِمَ: الْقَيْءُ وَالِاحْتِلَامُ وَالْحِجَامَةُ وَقَدِ احْتَجَمَ النَّبِيُّ وَهُوَ صَائِمٌ ...» .[۲۵۹]

عبدالله بن میمون از امام صادق از پدرشان روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «سه چیز است که روزه را باطل نمی‌کند: قی نمودن، احتلام و حجامت؛ همانا پیامبر در حالی که روزه بودند، حجامت کردند ... ».

۲ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «لَا بَأسَ بِأَنْ يَحْتَجِمَ الصَّائِمُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُغَرِّرَ بِنَفْسِهِ إِلَّا أَنْ لَا يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ وَإِنَّا إِذَا أَرَدْنَا الْحِجَامَةَ فِي رَمَضَانَ احْتَجَمْنَا لَيْلاً».[۲۶۰]

عبدالله بن سنان از امام صادق روایت می‌کند که ایشان فرمود: «اشکالی ندارد که شخص روزه‌دار حجامت کند مگر در ماه رمضان؛ من خوش ندارم روزه‌دار با حجامت به خود آسیبی برساند؛ مگر اینکه از ضرر بر جان خود مطمئن و ایمن باشد. هرگاه ما اهل بیت در ماه رمضان بخواهیم حجامت کنیم، آن را در شب انجام می‌دهیم».

۳ـ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: «يَحْتَجِمُ الصَّائِمُ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ مَتَى شَاءَ فَأَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا يُضِرَّ بِنَفْسِهِ وَلَا يُخْرِجِ الدَّمَ إِلَّا أَنْ يَتَبَيَّغَ بِهِ فَأَمَّا نَحْنُ فَحِجَامَتُنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ ...» .[۲۶۱]

از امام صادق روایت شده است که ایشان فرمود: «شخص روزه‌دار در غیر ماه رمضان هر وقت خواست، می‌تواند حجامت کند و در ماه رمضان به شرطی که برای خودش ضرری نداشته باشد و خون با فوران و فشار شدید خارج نشود؛ هرگاه ما اهل بیت در ماه رمضان بخواهیم حجامت کنیم، آن را در شب انجام می‌دهیم».

۴ـ قالَ النَبیُّ (صلی الله علیه وآله): أفطَرَ الحاجِمُ وَالمَحجُوم.[۲۶۲]

پیامبر اسلام فرمود: «شخص حجامت‌کننده و حجامت‌شونده روزهٔ خود را افطار کنند».

این روایت را عامه از پیامبر[۲۶۳] و خاصه از امام صادق نقل کرده‌اند.[۲۶۴]

---

۲۵۹. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱۰، ص ۸۰، ح ۱۲۸۸۴.

۲۶۰. همان، ح ۱۲۸۸۵.

۲۶۱. همان، ح ۱۲۸۸۷.

۲۶۲. *صحیح البخاری*، کتاب الصوم، باب ۳۲؛ *سنن أبی‌داود*، کتاب الصوم، باب ۲۸؛ *سنن ابن‌ماجه*، کتاب الصیام، باب ۱۸.

۲۶۳. المحقق النراقی، *مستند الشیعه*، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۲۶۴. المیرزا القمی، *غنائم الأیام*، ج ۵، ص ۲۲۱.

تذکر

روشن است که دلالت ظاهری روایت پایانی، با سه روایت نخست در تعارض است. در روایت نخست چنین آمده است که پیامبر خود در حال روزه حجامت کرده‌اند و ظاهر روایت بر استمرار این عمل دلالت دارد، ولی در روایت پایانی، از ایشان نقل شده است که حکم به افطار روزهٔ شخص حجامت‌کننده و حجامت‌شونده داده‌اند. راز تعارض در چیست؟ در تعارض قول و عمل، کدام مقدم است؟ بر فرض صحّت اسناد روایات، روایت آخر و نیز روایات مشابهی را که از پیامبر نقل شده، چگونه می‌توان توجیه کرد؟

واژگان کلیدی

در مجموعهٔ روایات پیش‌گفته واژگان «الحجامة، الحاجم والمحجوم»[٢٦٥] به عنوان مفاهیم تبیین‌گر موضوع حجامت؛ «أکره»[٢٦٦]، «لا یفطرن»[٢٦٧]و «أفطر»[٢٦٨] برای بیان احکام حجامت؛ و «یضر بنفسه، یغرر بنفسه»[٢٦٩] برای تبیین شروط حکم «أکره» به کار رفته‌اند.

ساختارشناسی حکمی

از روایات یادشده می‌توان سه حکم جواز، کراهت و حرمت حجامت در حال روزه را استنباط کرد.

الف) جواز حجامت

در بیان جواز حجامت از دو ساختار کلیدواژه و سیره استفاده شده است.

کلیدواژه

«فطر» و مشتقّات آن، از واژگان اساسیِ احادیث مربوط به روزه است که از آن برای بیان مواردی استفاده شده که روزه را باطل می‌کنند. در روایات دستهٔ نخست ویژگی فسادآفرینی برای روزه از حجامت نفی شده است؛ به سخن دیگر حجامت از زمرهٔ مفطرات و مبطلات روزه نیست و حکم آن همچنان بر حال اباحه و جواز باقی است. این روایات به خوبی بیان‌کنندهٔ این نکته است و گویی برای برطرف کردن توهمِ جایز نبودن حجامت در حال روزه صادر شده است.

---

٢٦٥. حجامت، حجامت‌کننده و حجامت‌شونده.

٢٦٦. آن را مکروه دارم.

٢٦٧. سبب افطار روزه نمی‌شود.

٢٦٨. افطار کند.

٢٦٩. اضرار به جان و جسم.

سیرۀ پیامبر و سیرۀ معصومان

در برخی روایات دستۀ نخست، در بیان جواز حجامت، به عمل معصومان در انجام حجامت در حال روزه اشاره شده است؛ به بیان دیگر این روایات ترجمان سنت عملی معصومان در موضوع حجامت است و اگر بتوان استمرار را از آنها به دست آورد، می‌توان به استحباب این عمل حکم داد، اما چون قید زمانی شب برای این عمل در ماه رمضان آمده است، می‌توان چنین گفت که حجامت در غیر زمان روزه، مانند شبهای ماه رمضان، استحباب دارد.

ـ وَقَد احْتَجَمَ النَّبِيُّ وَهُوَ صَائِمٌ.
ـ وَإِنَّا إِذَا أَرَدْنَا الْحِجَامَةَ فِي رَمَضَانَ، احْتَجَمْنَا لَيْلاً.
ـ فَأَمَّا نَحْنُ فَحِجَامَتُنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ.

ب) کراهت حجامت

در روایات پیش‌گفته در بیان کراهت حجامت در روزۀ ماه رمضان در صورت احتمال ضرر جانی، از ساختارهای زیر استفاده شده است:

کلیدواژه

ـ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُغَرِّرَ بِنَفْسِهِ إِلَّا أَنْ لَا يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ.

صیغۀ نهی

ـ يَحْتَجِمُ الصَّائِمُ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ مَتَى شَاءَ فَأَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا يُضِرَّ بِنَفْسِهِ.

مفهوم استثنا

ـ قَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَحْتَجِمَ الصَّائِمُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

مفهوم مخالف

روایاتی چون «وَإِنَّا إِذَا أَرَدْنَا الْحِجَامَةَ فِي رَمَضَانَ، احْتَجَمْنَا لَيْلاً» برای بیان کراهت نداشتن حجامت در ماه رمضان، رعایت شرط زمانی خاصی را توصیه کرده‌اند؛ به بیان دیگر از دیدگاه معصومان در صورتی که حجامت در شب‌های ماه رمضان انجام شود، کراهت ندارد. در این روایات شرط کراهت نداشتن این عمل انجام آن در ساعات شب بیان شده است. مفهوم مخالف این سخن آن است که حجامت در غیر شب خوشایند شارع نیست.

حجامت در روزهای ماه رمضان و در حال روزه‌داری در غیر ماه رمضان، خلاف سیرۀ معصومان است؛ چرا که معصومان سیرۀ خود را در حجامت، انجام آن در شب بیان فرموده‌اند. از این رو حجامت در حال روزه با سیرۀ معصومان نیز مخالف است.

ج) حرمت حجامت

کلیدواژه

همان‌گونه که پیش‌تر آمد، «فطر» و مشتقات آن از واژگانی است که از آن برای بیان موارد باطل‌کنندۀ روزه و فسادآور برای آن استفاده می‌شود. در روایت پایانی «أفطَرَ الحـاجِمُ وَالمَحجُـومُ» از ایـن کلیـدواژه بـرای بیـان ویژگی فسادآفرینی حجامت برای روزه استفاده شده است.

نکات فقه الحدیثی

۱ـ هر چند موضوع روایات پیش‌گفته، بیان کراهـت حجامـت در روزۀ مـاه رمـضان اسـت، امـا ایـن روایـات، اختصاصی به روزۀ ماه رمضان ندارد، بلکه اشاره به روزۀ ماه رمضان از باب مصداق غالب و مشهور روزۀ واجب است.

۲ـ اطلاق «ثلاثة لا یفطرن الصائم: القیٔ والاحتلام والحجامة» با روایات شمارۀ دو و سه تقیید می‌خورد.

۳ـ روایت نخست با چهارم در تعارض است.

٤ـ خون دادن در حال روزه نیز اگر منجر به ضعف جسمانی شود؛ به گونه‌ای که فـرد مجبـور شـود روزه‌اش را برای جبران ضعف واردشده، افطار کند، کراهت دارد.

آشنایی با آرای فقیهان

دیدگاه فقیهان شیعی

محقق حلی

محقق حلی در تبیین حجامت با اشاره به اینکه حجامت نوعی درمان بـرای برخـی دردهـا اسـت، نـه از زمـرۀ خوردنی و نوشیدنی و نه از جمله چیزهایی که به داخل بدن برسد، بر این باور است که اصل بر حلیت حجامت است، اما زمانی که در اثر آن ضعف بر شخص چیره و از ادامۀ روزه عاجز شود، حجامت برای وی مکروه است. عبارت ایشان چنین است:

> فَکانَ الأصلُ حِلَّها، نَعَم إذا خُشِیَ الضَعفُ (خیفَ مِن العَجـزِ عَـنِ الـصوم)، فَکَـرُهَ لِمـا لا یُؤمَنُ إفضائُها إلیه.[۲۷۰]

بنابراین، در صورتی که فرد از نظر جسمی قوی باشد و در اثر حجامـت، ضـعفی بـه وی نرسـد، کراهـت نخواهد داشت. روایت حلبی از امام صادق دلالتی روشن بر این شرط دارد:

> عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّه قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ يَحْتَجِم، فَقَالَ: «إِنِّي أَتَخَـوَّفُ عَلَيْـهِ أَمَا يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ» قُلْتُ: «فَمَاذَا تَتَخَوَّفُ عَلَيْه» قَالَ: «الْغَشَيَانَ أَوْ تَثُورَ بِهِ مِرَّةٌ» قُلْتُ: «أَرَأَيْتَ إِنْ قَوِيَ عَلَى ذَلِكَ وَلَمْ يَخْشَ شَيْئاً» قَالَ: «نَعَمْ إِنْ شَاءَ الله».[۲۷۱]

---

۲۷۰. المحقق الحلی، *المعتبر*، ج ۲، ص ٦٦٤.

۲۷۱. همان.

حلبی از امام صادق روایت می‌کند که از آن حضرت دربارهٔ روزه‌داری که حجامت می‌کند، پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمود: «از به هم خوردن حال وی هراسانم یا ممکن است یکباره خون فوران کند [از این رو خوش ندارم]». حلبی گوید: به حضرت عرض کردم: «اگر فرد قوی باشد و در اثر حجامت ضعفی بر وی عارض نگردد، چطور؟ فرمود: «بله اگر خدا بخواهد».

علامه حلی

حجامتی که ترس از ضعف بدن در آن نباشد، سبب افطار نیست و این مطلب مورد اجماع میان فقیهان شیعه است و افراد بسیاری از صحابه و تابعان چنین دیدگاهی داشتند.[۲۷۲] از فقیهان اهل سنت شافعی، مالک، ثوری، ابوثور، داود و اصحاب رأی به دلیل روایت «إنَّ النَّبِيَّ احتَجَمَ وَهُوَ صَائِمٌ» همین رأی را دارند.[۲۷۳]

محقق خوانساری

دلیل کراهت در روایات احتمال ضعف بدن در اثر آن بیان شده است، اما در صورت علم به ورود ضرر جسمی یا افطار روزه در اثر آن، حجامت کردن حرام خواهد بود. از دلیل بیان‌شده می‌توان استفادهٔ عموم کرد.[۲۷٤]

تعامل فقیهان شیعی با روایت «أفطر الحاجم والمحجوم»

الف) احتمالات صدوق

شیخ صدوق در کتاب *معانی الأخبار* در بیان معنای این روایت به سه دیدگاه اشاره کرده است که قول نخست از ابن‌عباس، دوم از خودش و سوم از مشایخ خودش است. نکته‌ای که حائز اهمیت است، توجه دادن صدوق به زمان صدور این روایت است که پیامبر آن دو را در ماه رمضان دیده است. عبارت ایشان چنین است:

> عَنْ عَبَايَةَ بْنِ رِبْعِيٍّ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «سَأَلْتُ ابْنَ‌عَبَّاسٍ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ حِينَ رَأَى مَنْ يَحْتَجِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَحْجُومُ»، فَقَالَ: «إِنَّمَا أَفْطَرَا لِأَنَّهُمَا تَسَابَّا وَكَذَبَا فِي سَبِّهِمَا عَلَى النَّبِيِّ لَا لِلْحِجَامَةِ.»[۲۷۵]

۱ـ در سبب صدور روایت نقل شده است که دلیل افطار روزهٔ حاجم و محجوم این بوده است که آن دو پشت سر مسلمانی غیبت می‌کردند و بر پیامبر خدا دروغ می‌بستند و ناسزا می‌گفتند. این توجیه را نراقی به طور خلاصه چنین آورده است: «رُوِیَ أنّه کانَ لِمَکانِ اغتیابِهِما مُسلِماً وتَسَابَّا وَكَذَبَا فِي سَبِّهِمَا عَلَى نَبیّ اللهِ».[۲۷٦]

همین توجیه را میرزای قمی پذیرفته است. سبب افطار حاجم و محجوم غیبت کردن آن دو پشت سر مسلمانی بوده است. در این توجیه سبب افطار، غیبت بوده است نه حجامت.[۲۷۷]

---

۲۷۲. العلامة الحلی، *تذکرة الفقهاء* (ط. ق)، ج ۱، ص ۲٦٦.

۲۷۳. همان.

۲۷٤. المحقق الخوانساری، پیشین.

۲۷۵. الشیخ الصدوق، *معانی الأخبار*، ص ۳۱۹.

۲۷٦. المحقق النراقی، *مستند الشیعه*، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۲۷۷. المیرزا القمی، *غنائم الأیام*، ج ۵، ص ۲۲۱.

۲ـ قالَ مُصَنِّفُ هذا الكتاب: «وَللحديثِ مَعنىً آخَرَ وَهُو أنّه مَن احْتَجَمَ فَقَد عَرَضَ نَفسَه للاحتياجِ إلى الإفطارِ لِضَعفٍ لا يُؤمَنُ أن يَعرِضَ له فَيُحْوِجَه إلى ذلك»؛ نویسندۀ این کتاب می‌گوید: «برای این حدیث، معنایی دیگر نیز هست و آن اینکه: فردی که حجامت می‌کند، خود را به باطل نمودن روزه، نیازمند می‌سازد؛ به علت ضعفی که او را نیازمند افطار خواهد ساخت و او مطمئن نیست که دچارش نشود».

۳ـ وَقَد سَمِعتُ بَعضَ المَشايخِ ـ بِنيسابورَ ـ يَذكُرُ في مَعنَى قَولِ الصادقِ (عليه السلام): «أفْطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَحْجُومُ»، أيْ دَخَلَا بذلكَ فِي فِطْرَتِي وَسُنَّتِي لِأنَّ الْحِجَامَةَ مِمَّا أمَرَ بِهِ وَاسْتَعْمَلَهُ؛[۲۷۸] از یکی از مشایخ، در نیشابور، شنیدم که دربارۀ این سخن امام صادق (علیه السلام) «أفْطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَحْجُومُ» می‌گفت: «یعنی در سرشت و سیرۀ من وارد شدند؛ زیرا حجامت از مواردی است که پیامبر بدان امر می‌فرمود و خود آن را انجام می‌داد».[۲۷۹]

ب) محقق حلی و خوانساری و نقد روایت «أفطر الحاجم والمحجوم»

پاسخ محقق حلی به روایت چنین است: «الطَعنُ فيها، والمُعارِضُ بالنَقلِ المَشهورِ: إنَّ النَّبِيَّ احتَجَمَ وَهُوَ صَائِمٌ».[۲۸۰]

محقق خوانساری نیز اشکالات روایت را چنین برمی‌شمرد:

۱ـ وَضَعْفُ سَنَدِ هذا الخَبرِ يَمْنَعُ مِن مُعارِضَتِه للأخبارِ السالِفة؛ ضعف سند این خبر مانع می‌شود که آن را با اخبار دیگر معارض بدانیم؛ [چون با وجود ضعف سندی، روایت کنار گذاشته می‌شود].

۲ـ مَعَ إمكانِ تأويلِه بأنّهُما قَرَبا مِن الإفطارِ للضَعفِ وَاحتمالِ دُخولِ الدَمِ فِي حَلقِ الحاجِمِ؛ همچنین امکان تأویل آن هست به اینکه آن دو نزدیک است که روزه‌شان را افطار کنند. محجوم به دلیل ضعف (به خاطر از دست دادن خون) و حاجم به دلیل امکان ورود خون در حلقش (به خاطر مکیدن خون).

۳ـ وَيَدُلُّ أيضاً على كراهَةِ أن يَحْجُمَ الرَجُلُ، ما رَواهُ الشيخُ عَن عَمّارِ الساباطي. قالَ: «سَئَلْتُ أبا عَبدِالله (عليه السلام) عَنِ الحاجِمِ يَحجُمُ وَهُوَ صائِمٌ،» قال: «لا يَنبَغي،» وَعَنِ الصائِمِ يَحتَجِمُ، قالَ: «لا بَأسَ»؛[۲۸۱] چنان‌که روایت شیخ طوسی از عمار ساباطی، گویای کراهت حجامت نمودن [دیگری] است. وی می‌گوید: «از امام صادق (علیه السلام) دربارۀ حجامت‌کننده‌ای که در حال روزه، [دیگری را] حجامت می‌کند، سؤال کردم». فرمودند: «شایسته نیست،» و همچنین از روزه‌داری که حجامت می‌شود، پرسیدم. فرمودند: «اشکالی ندارد».

دیدگاه فقیهان اهل سنت

میان فقهای اهل سنت در مسئلۀ حجامت اختلاف وجود دارد. در این زمینه دیدگاههایی مطرح است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

---

۲۷۸. الشيخ الصدوق، *معاني الأخبار*، ص ۳۱۹.

۲۷۹. یکی از معانی باب إفعال دخول در شیء است؛ نظیر: أصبحَ (أی دخل فی الصباح) و أمسَی (أی دخل فی المساء)؛ در اینجا نیز «أفطرَ» به «دَخَلَ فی الفطرة» معنا شده است.

۲۸۰. المحقق الحلی، *المعتبر*، ج ۲، ص ٦٦٤.

۲۸۱. المحقق الخوانساری، پیشین.

الف) تحریم حجامت در حال روزه؛ وجوب افطار با حجامت، دلیل آن اخذ دلالت ظاهری خبر «أفطر الحاجم والمحجوم» است. احمد بن حنبل و ابن‌اسحاق از جملهٔ طرفداران این دیدگاه هستند. احمد بن حنبل بر این باور است که هر کس حجامت کند یا حجامت شود، بایستی روزه‌اش را افطار کند. دلیل فتوای وی روایت نبوی «أفطر الحاجم والمحجوم» است.

ب) بیشتر فقیهان آن را مکروه می‌دانند و خبر «أفطر الحاجم والمحجوم» را به کراهت شدید حمل کرده‌اند.

ج) خبر «أفطر الحاجم والمحجوم» منسوخ است.[۲۸۲]

د) خبر «أفطر الحاجم والمحجوم» فاقد اصالت صدوری است. برخی محدثان اهل سنت آن را فاقد اصل و از جمله روایاتی می‌دانند که بر زبان عامهٔ مردم در کوچه و بازار جاری است.[۲۸۳]

ه) نقصان ثواب: از جمله مواردی که روزه را باطل نمی‌کند، ولی اجر آن را کاهش می‌دهد، غیبت و سخن‌چینی است. شاهد این مطلب این حدیث پیامبر است که می‌فرماید: «أفطَرَ الحاجِمُ وَالمَحجُومُ له، لِأنّهُما كانا يَغتابانِ الناسَ وَالمَعنى ذَهَبَ أجرُهُما وَالصيامُ صَحيحٌ».

احمد مرتضی با استناد به این حدیث می‌گوید: «مِمّا يَدُلُّ عَلى أنّ الغيبَةَ وَالنَميمةَ لا يَنقُضانِ»؛[۲۸٤] این روایت بر این نکته دلالت دارد که غیبت و سخن‌چینی، روزه را باطل نمی‌کند.

دیدگاه مناوی

مناوی در شرح حدیث می‌گوید: «الحاجم والمحجوم در روایت هر دو روزه‌دار هستند. در این صورت معنای روایت چنین است که آن دو با عمل حجامت، روزهٔ خود را در معرض افطار قرار می‌دهند؛ حجامتگر هنگام مکیدن خون از رسیدن خون به داخل شکمش مطمئن نیست و حجامت‌شونده با خارج شدن خون از بدنش دچار ضعف قوای جسمی می‌شود و در آستانهٔ افطار روزه قرار می‌گیرد.»[۲۸۵] این گروه «أفطر» را به معنای حقیقی آن نگرفته‌اند.

دیدگاه شافعی

شافعی در کتاب *الأم* خود، بر این رأی است که حجامت، مفطر روزه نیست.[۲۸٦] او پس از روایت «أفطر الحاجم والمحجوم وأن النبی احتجم صائماً»، به روایتی اشاره می‌کند که ظاهرش خلاف این رأی است و حاکی از سیرهٔ دو نفر از صحابه به نامهای ابن‌عمر و عروه است که آن دو، در حال روزه حجامت نکردند. شافعی برای جمع دیگر اخبار با عمل این دو صحابی، می‌نویسد:

> وَلا أعلَمُ واحداً مِنهُما ثابتاً؛ وَلَو ثَبَتَ واحدٌ مِنهُما عَن النبيّ (صلی الله علیه وآله)، قُلتُ بِه، فَكانَت الحُجَّةُ في قَولِه؛ وَلَو تَركَ رَجُلٌ الحِجامةَ صائماً لِلتَوَقّي كانَ أحَبُّ إليَّ، وَلَو احتَجَمَ لَم أرَه يُفطِرُه.[۲۸۷]

---

۲۸۲. المناوی، *فیض القدیر شرح الجامع الصغیر*، ج ۲، ص ٦٩.

۲۸۳. العجلونی، *کشف الخفاء*، ج ۱، ص ۱٤٤.

۲۸٤. الامام أحمد المرتضی، *شرح الأزهار*، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲۸۵. المناوی، پیشین.

۲۸٦. الامام الشافعی، *کتاب الأم*، ج ۲، ص ۱۰٦.

۲۸۷. همان.

من هیچ یک از این دو روایت را صادرشده نمی‌دانم، و اگر صدور یکی از آن دو از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اثبات شود، آن را می‌پذیرم؛ چرا که سخن ایشان حجت است و اگر فردی حجامت را در حال روزه از سر پرهیزکاری ترک کند، نزد من محبوب‌تر است، در حالی که اگر حجامت کند، این کار را مبطل روزه‌اش نمی‌دانم.

وی در جای دیگری از کتابش در این‌باره می‌نویسد:

فإنْ تَوَقَّی رَجُلٌ الحجامةَ کانَ أَحَبُّ إلیَّ احتیاطاً ولأنْ لایَعْرِضَ صومُه أنْ یَضْعُفَ فَیُفطِرَ وَإن احتَجَمَ فلا تُفَطِّرُهُ الحِجامةُ إلا أنْ یَحدِثَ بَعدَها ما یُفطِّرُه مِمّا لَو لَم یَحتَجِمْ فَفَعَلَه فَطَّرَه.[288]

پس اگر شخصی از حجامت پرهیز کند، نزد من محبوب‌تر است تا احتیاط کرده باشد و اینکه روزه‌اش باعث نشود ضعیف گردد و به افطار روزه مجبور شود؛ البته اگر حجامت کرد، این کار (به تنهایی) روزهٔ او را باطل نمی‌کند مگر اینکه پس از حجامت مفطری مرتکب شود که حتی بدون اقدام به حجامت، ارتکاب آن، روزه‌اش را باطل می‌گرداند.

او در جایی دیگر چنین می‌گوید:

والذی أحفَظُ عَن بَعضِ أصحابِ النَبیّ وَالتابعینَ وَعامَةِ المَدَنیّینَ، أنّه لا یُفَطِّرُ أحَدٌ بالحِجامَة.[289]

آنچه از برخی اصحاب پیامبر و تابعان و عموم اهل مدینه حفظ کرده‌ام، این است که روزهٔ هیچ کس با حجامت باطل نمی‌شود.

چکیده

- ✓ حجامت در فقه شیعه از رفتارهای مکروه در حال روزه است و از جمله رفتارهای تضعیف‌کنندهٔ بدن به شمار می‌رود.
- ✓ برخی فقیهان بر این دیدگاه هستند که حجامت نمودن در ماه رمضان مکروه است و انجام آن به حال ضرورت و زیان نداشتن برای بدن معلق شده است.
- ✓ دربارهٔ حکم حجامت در حال روزه دو دسته روایت گزارش شده است: دستهٔ نخست روایاتی است که بیانگر جواز و کراهت آن در حال زیان‌رسانی و ترس از زیان آن بر جان حجامت‌شونده است. دستهٔ دوم تک روایتی است که از طریق اهل سنت و شیعه از پیامبر نقل شده است. دلالت ظاهری این روایت، مفطِر بودن حجامت برای روزه است.
- ✓ از روایات باب حجامت می‌توان سه حکم جواز، کراهت و حرمت حجامت در حال روزه را استنباط کرد که هر یک ساختارهای حکمی خاص خودشان را دارند.

---

۲۸۸. همان، ص ۱۱۹.

۲۸۹. الامام الشافعی، *کتاب الأم*، ج ۲، ص ۱۱۹.

- ✓ محقق حلی در تبیین حجامت با اشاره به اینکه حجامت نوعی درمان برای برخی دردها است، بر این باور است که اصل بر حلیت حجامت است، اما زمانی که در اثر آن ضعف بر شخص چیره و از ادامهٔ روزه عاجز شود، حجامت برای وی مکروه است.
- ✓ علامه حلی بر این باور است که حجامتی که ترس از ضعف بدن در آن نباشد، موجب افطار نیست و این مطلب، اجماعی میان فقیهان شیعه است.
- ✓ دلیل کراهت در روایات حجامت، احتمال ضعف بدن در اثر آن بیان شده است، اما در صورت علم به ورود ضرر جسمی یا افطار روزه در اثر آن، حجامت کردن حرام خواهد بود.
- ✓ شیخ صدوق در کتاب *معانی الأخبار* در بیان معنای روایت «أفطر الحاجم والمحجوم» به سه دیدگاه اشاره کرده است.
- ✓ محقق حلی و خوانساری روایت «أفطر الحاجم والمحجوم» را نقد کرده‌اند.
- ✓ میان فقیهان اهل سنت در مسئلهٔ حجامت و تحلیل روایت «أفطر الحاجم والمحجوم» اختلاف نظر وجود دارد.

جلسهٔ چهاردهم

آشنایی با کفارات صوم

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ مفهوم کفاره و انواع آن؛
- ✓ روایات و احکام کفارات.

درآمد

موضوع این جلسه، بررسی فقه الحدیثی روایات مربوط به کفارات صوم است. مفهوم کفـاره، گـزارش احادیـث مربوط به آن، معناشناخت و نکات فقه الحدیثی روایات و آشنایی با احکام و انواع کفاره، از جمله مباحث مطرح در این جلسه است.

معناشناخت کفاره

کفاره در لغت

واژهٔ «کفّاره»، از ریشهٔ «کفر»، معانی گوناگونی دارد که وجه جامع همهٔ آنها پوشاندن یک چیز مادی یا معنوی است؛ از این رو در ادب عربی به زارع، کافر می‌گویند؛ زیرا دانه‌های بذر را در زیر خاک پنهان می‌کند. همچنین به منکران خدا کافر کلامی می‌گویند؛ زیرا با پنداری ناصواب وجودی بس روشن و حقیقتی جاری در هستی را مستور می‌پندارند. در حوزهٔ احکام اسلامی نیز به هر آنچه که بدان گنـاهی زدوده شـود، کفـاره مـی‌گوینـد. از همین رو برخی لغت‌شناسان گفته‌اند که کفارات را از این رو کفاره می‌گویند که به وسیلهٔ آنها گناهان پوشـانده می‌شود؛ همانند روزه گرفتن و صدقه دادن که سبب پوشاندن یا آمرزش گناهان می‌شود.[۲۹۰]

کفاره در اصطلاح

کفاره در اصطلاح فقهی گونه‌ای از مجازاتهای شرعی است که قانونگذار اسلامی، آن را برای بـه جـا نیـاوردن

---

۲۹۰. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۱۴۸.

عمدی اعمال عبادی واجبی مانند روزه، نذر و ... یا تأخیر انداختن عمدی انجام برخی از آنها، مانند قضای روزه، یا جبران و تدارک ثواب، مانند کفارهٔ نخواندن نوافل روزانه، و گاه به عنوان تنبیه مکلف خاطی در فقه جزا در نظر گرفته است. در فقه اسلامی در برخی از ابواب فقهِ عبادات، مانند صوم، و فقه جزا، همانند قتل، برای برخی از کج‌رویها در کنار مجازات مالی و بدنی، مجازات دیگری به نام کفاره نیز تشریع شده است.

برای نمونه در روایات برای فعل مجرمانهٔ «قتل» ، کفاره در نظر گرفته شده است:

> عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّه أَنَّهُ قَالَ: «کفَّارَةُ الْقَتْلِ عِتْق رَقَبَة أَوْ صَوْمُ شَهْرَینِ مُتَتَابِعَینِ إِذَا لَـمْ یجِـدْ مَا یعْتِقُ أَوْ إِطْعَامُ سِتِّینَ مِسْکیناً إِنْ لَمْ یسْتَطِعِ الصَّوْمَ».[۲۹۱]
>
> از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «کفارهٔ قتل، آزاد کردن برده یا اگر برده‌ای پیدا نکرد، دو ماه پیاپی را روزه بگیرد یا اگر قادر به روزه گرفتن نباشد، شصت فقیر را سیر کند».

همچنین در حوزهٔ عبادات برای «تخلف از نذر»، کفاره تعیین شده است که روایت زیر نمونهٔ روشنی بر این مدعا است:

> عَنْ عَلِیّ وَإِسْحَاقَ ابْنَی سُلَیمَانَ بْنِ دَاوُدَ أَنَّ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَخْبَرَهُمَا قَالَ: «کَتَبْتُ إِلَی الْفَقِیهِ: یا مَوْلَای نَذَرْتُ أَنْ أَکونَ مَتَی فَاتَتْنِی صَلَاةُ اللَّیلِ، صُمْتُ فِی صَبِیحَتِهَا. فَفَاتَهُ ذَلِک. کیفَ یصْنَعُ وَهَلْ لَهُ مِنْ ذَلِک مِنْ مَخْرَجٍ وَکمْ یجِبُ عَلَیهِ مِنَ الْکفَّارَةِ فِی صَوْمِ کلِّ یوْمٍ تَرَکهُ إِنْ کفَّرَ إِنْ أَرَادَ ذَلِک؟» فَکتَبَ: «یُفَرِّقُ عَنْ کلِّ یَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ کَفَّارَةً».[۲۹۲]
>
> علی و اسحاق از فرزندان سلیمان بن داود نقل می‌کنند که ابراهیم بن محمد به ما خبر داد که به امام حسن عسگری (علیه السلام) نوشتم: «ای مولای من، نذر کردم که هرگاه نماز شب من قضا شود، فردای آن روز را روزه بگیرم. اما آن روز را روزه نگرفتم. چه کنم؟ آیا راه فراری هست و اگر بخواهم آن را به جا آورم، چقدر کفاره برای هر روزی که [روزهٔ آن را] ترک کردم بر من واجب است؟» [حضرت برای او] نوشت: «به ازای هر روز آن، یک مد طعام، کفاره بدهید».

محتوای روایت گویای این نکته است که تخلف از نذر مستوجب کفاره است و شخص راوی به این نکته توجه داشته است. از همین رو پرسش وی از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مقدار کفارهٔ تخلف از نذر است، نه اصل وجوب کفاره برای تخلف از نذر. عبارت «کم یجب علیه من الکفاره» نشانهٔ متنی این نکته در روایت است. پاسخ حضرت در تعیین مقدار کفاره نیز، مهر تأییدی بر پیش‌فرض حکمی پرسش‌کننده در این مسئله است.

۲۹۱. *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ٤۹۱.

۲۹۲. *وسائل الشیعه*، ج ۲۲، ص ۳۹٤.

کفارهٔ صوم

یکی از ابواب فقهی که بحث کفاره در آن مطرح است، باب صوم است. بنا به دلایل گوناگون ممکن است یک مکلف نتواند یا نخواهد روزهٔ واجب خود را با شرایط شکلی و محتوایی درست به پایان برساند و یا از روی عوامل خارجی، مانند اکراه، نتواند در زمان شرعی، روزهٔ خود را بگیرد. در این موارد که مکلف نتوانسته یا نخواسته است روزهٔ واجب خود را در زمان اصلی آن به جا بیاورد، در شرایطی ویژه بحث کفاره مطرح می‌شود که از آن به کفارهٔ صوم یاد می‌شود. کفارهٔ صوم، عبارت است از جریمه‌ای که برای باطل کردن روزهٔ معین شده است. عنوان کفارهٔ صوم مختص روزهٔ ماه رمضان نیست و همهٔ اقسام روزه‌های واجب را شامل می‌شود. روشن است که کفارهٔ صوم چیزی غیر از قضای روزه است؛ مراد از قضای روزه، روزهٔ واجبی است که مکلف، آن را به جای روزهٔ باطل‌شده به جا می‌آورد.

هدف ما در این درس، بررسی روایات کفارهٔ روزهٔ ماه رمضان و برخی از اقسام روزه‌های واجب است که در ادامه به گزارش و تحلیل فقه الحدیثی روایات مربوط می‌پردازیم.

الف) اقسام کفارهٔ صوم

۱ـ کفارهٔ تخییری

مراد از کفارهٔ تخییری آن است که شارع یکی از چند چیز را بر عهدهٔ مکلف می‌نهد و او می‌تواند هر کدام را که بخواهد، برگزیند، اما نمی‌تواند همهٔ آنها را ترک کند و چیز دیگری بپردازد؛ به بیان دیگر در کفارهٔ تخییری مکلف در انتخاب نوع کفاره اختیار دارد، اما تعداد و انواع آن را شارع مشخص می‌کند؛ برای نمونه در روایت زیر مراد از کفاره، نوع تخییری آن است:

> عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّداً يَوْماً وَاحِداً مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ قَالَ: «يُعْتِقُ نَسَمَةً أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِيناً فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ تَصَدَّقَ بِمَا يُطِيقُ».[۲۹۳]
>
> عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی که یک روز از ماه رمضان را عمداً و بدون عذر افطار کند، نقل کرده است که امام فرمودند: «برده‌ای آزاد کند یا دو ماه پیاپی روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند و اگر نتوانست، هر مقدار که می‌تواند به فقرا طعام بدهد».

نکتهٔ تخییری بودن کفارات مطرح‌شده در این روایات را از حرف «أو» می‌توان استنباط کرد. در ادبیات عرب اثبات شده است که این حرف برای معنای اختیار و انتخاب به کار می‌رود. به طور معمول و بیشترِ کفاراتی که بر روزه‌دار واجب می‌شود، از این نوع است.

۲۹۳. *وسائل الشیعه*، ج ۲۲، ص ۴۵.

۲ـ کفارهٔ تعیینی

کفارهٔ تعیینی آن است که مکلف بایستی همان موردی را که شارع در حکم کفاره تعیین کرده است، به جا آورد؛ برای نمونه در روایتی از امام رضا (علیه السلام) چنین گزارش شده است:

فَإِنْ أَفْطَرَ یوْمَ صَوْمِ النَّذْرِ فَعَلَیهِ الْکفَّارَةُ شَهْرَینِ مُتَتَابِعَینِ.[۲۹۴]

اگر کسی روزهٔ نذری خود را، که بر وی واجب شده است، بشکند، بر وی کفارهٔ دو ماه روزهٔ پیاپی واجب است.

۳ـ کفارهٔ جمع

کفارهٔ جمع آن است که مکلف بایستی همهٔ طرفهای تخییر را با هم جمع کند و یکجا بپردازد. یکی از نمونه‌های کفارهٔ جمع، افطار روزه با کار حرام است:

عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِی .... قَالَ الرضا: «.... مَتَی جَامَعَ الرَّجُلُ حَرَاماً أَوْ أَفْطَرَ عَلَی حَرَامٍ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فَعَلَیهِ ثَلَاثُ کفَّارَاتٍ: عِتْقُ رَقَبَةٍ وَصِیامُ شَهْرَینِ مُتَتَابِعَینِ وَإِطْعَامُ سِتِّینَ مِسْکیناً وَقَضَاءُ ذَلِک الْیوْمِ».[۲۹۵]

عبدالله بن سلام هروی از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «هنگامی که مرد در ماه رمضان از روی حرام جماع کند یا با چیز حرام افطار کند، بر او سه کفاره واجب است: آزاد کردن برده، روزهٔ دو ماه پیاپی و سیر کردن شصت فقیر و قضای روزهٔ آن روز».

آزاد کردن یک بَرده، دو ماه روزه گرفتن که ۳۱ روز آن باید پی‌درپی باشد و سیر کردن شصت فقیر جریمه‌هایی است که برای ابطال عمدی روزه در فقه اسلامی تشریع شده است. کسی که کفارهٔ جمع بر او واجب می‌شود، باید هر سه را انجام دهد و چون اکنون آزاد کردن بنده میسر نیست، مورد دوم و سوم را انجام می‌دهد. چنانچه گذشت، یکی از اقسام کفارات صوم، خود روزه گرفتن است که واجب است، مگر اینکه شخص توان به جا آوردن آن را نداشته باشد. این واجب نیز بسان دیگر تکالیف شرعی از قواعد عمومی تکلیف پیروی می‌کند و توان و شرایط مکلف در به جا آوردن آن مورد نظر شارع مقدس است.

ب) کفارهٔ ابطال عمدی با حلال و حرام

۱ـ ابطال عمدی روزهٔ رمضان

اگر کسی روزهٔ ماه رمضان را از روی عمد باطل کند، بایستی علاوه بر قضای آن روز، یکی از موارد زیر را به طور تخییری به عنوان کفاره به جا آورد:

الف) آزاد کردن برده؛

ب) دو ماه روزه گرفتن (که ۳۱ روز آن باید پی‌درپی باشد)؛

---

۲۹۴. *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ۴۹۱.

۲۹۵. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۵۳.

ج) سیر کردن شصت فقیر (دادن یک مُد طعام به هر یک از آنها).

روایات زیر به این مفهوم اشاره دارد:

۱ـ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّداً يَوْماً وَاحِداً مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ قَالَ: يُعْتِقُ نَسَمَةً أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِيناً فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ تَصَدَّقَ بِمَا يُطِيقُ».[۲۹۶]

عبد الله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مردی که روزهٔ یک روز از ماه رمضان را از روی عمد و بدون عذر باطل کند، نقل کرده است که حضرت فرمودند: «بنده‌ای را آزاد نماید یا دو ماه را پی‌درپی روزه بدارد یا شصت مسکین را طعام دهد و اگر نتوانست، هر آنچه می‌تواند به فقرا طعام بدهد».

۲ـ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَتَى أَهْلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّداً» قَالَ: «عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيناً أَوْ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَقَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَمِنْ أَيْنَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ الْيَوْمِ».[۲۹۷]

از سماعه نقل شده است که از ایشان دربارهٔ مردی که در ماه رمضان از روی عمد با همسرش نزدیکی کند پرسش کردم. حضرت فرمودند: «بر او است که بنده‌ای را آزاد نماید یا شصت مسکین را طعام دهد یا دو ماه را پی‌درپی روزه بدارد و نیز روزهٔ آن روز را نیز قضا کند. گرچه هیچ‌گاه مثل آن روزی را که از دست داده است، به دست نمی‌آورد.»

نکات فقه الحدیثی

الف) روایت نخست عام و روایت دوم خاص است. منظور از خاص بیان یکی از مصادیق عام است، نه تخصیص اصطلاحی موجود در اصول فقه؛

ب) در هر دو روایت، قید عمدی بودن افطار مورد تأکید قرار گرفته است، اما در روایت اول از باب توضیح بر بدون عذر بودن افطار هم تأکید شده است؛

ج) تخییری بودن کفاره را از کاربرد حرف «أو» میان کفارات می‌توان دریافت.

۲ـ کفارهٔ افطار با حرام

گاه ممکن است شخص روزه‌دار، روزهٔ خود را با کار یا خوردنی حرام افطار کند. حکم افطار با حرام در روایات با افطار با فعل حلال متفاوت است. این‌گونه افطار کفارهٔ جمع دارد که روایات زیر بدان اشاره دارد:

الف) مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمْرِيِّ يَعْنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ فِيمَنْ أَفْطَرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّداً بِجِمَاعٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ أَوْ بِطَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ أَنَّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ كَفَّارَاتٍ.[۲۹۸]

۲۹۶. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ٤٥.

۲۹۷. همان، ص ٤۹.

۲۹۸. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۵۵.

از محمد بن عثمان (یکی از نواب اربعه) از امام دوازدهم (علیه السلام) روایتی نقل کرده است دربارهٔ کسی که روزه‌ای از روزهای ماه رمضان را به عمد با جماع یا غذایی که بر او حرام است، افطار می‌کند. [حضرت فرمودند که] بر او سه کفاره واجب است.
ب) عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِی قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا: «یا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، قَدْ رُوِی عَنْ آبَائِک فِیمَنْ جَامَعَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ أَفْطَرَ فِیهِ ثَلَاثُ کفَّارَاتٍ وَرُوِی عَنْهُمْ أَیضاً کفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ فَبِأَی الْحَدِیثَینِ نَأْخُذُ؟» قَالَ: «بِهِمَا جَمِیعاً؛ مَتَی جَامَعَ الرَّجُلُ حَرَاماً أَوْ أَفْطَرَ عَلَی حَرَامٍ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فَعَلَیهِ ثَلَاثُ کفَّارَاتٍ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَصِیامُ شَهْرَینِ مُتَتَابِعَینِ وَإِطْعَامُ سِتِّینَ مِسْکیناً وَقَضَاءُ ذَلِک الْیوْمِ وَإِنْ کانَ نَکحَ حَلَالًا أَوْ أَفْطَرَ عَلَی حَلَالٍ فَعَلَیهِ کفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ وَإِنْ کانَ نَاسِیاً فَلَا شَیءَ عَلَیهِ».[۲۹۹]
عبدالله بن سلام هروی می‌گوید: «به امام رضا (علیه السلام) گفتم که ای فرزند رسول خدا، از پدرانتان روایت شده است که هر کس در ماه رمضان جماع یا افطار کند، بر او سه کفاره واجب است و همچنین از آنها نقل شده است که یک کفاره بر او واجب است. به کدام یک از آنها عمل کنیم؟» امام فرمودند: «به هر دوی آنها؛ هنگامی که مرد در ماه رمضان از روی حرام جماع کند یا با چیز حرام افطار کند، بر او سه کفاره واجب است: آزاد کردن برده؛ روزهٔ دو ماه پیاپی و سیر کردن شصت فقیر و قضای روزهٔ آن روز. ولی اگر از طریق حلال [با همسر یا کنیزش] نزدیکی کند یا با چیز حلالی افطار کند، بر او یک کفاره واجب است و اگر از روی فراموشی باشد، کفاره‌ای بر او واجب نیست».

نکات فقه الحدیثی

الف) مراد از افطار با فعل حرام یا غذای محرّم، رفتارها و خوردنیهایی است که در غیر حالت روزه نیز انجام یا خوردن آنها حرام است که بدان حرام ذاتی می‌گویند؛
ب) افطار روزهٔ واجب با فعل یا شیء محرّم کفارهٔ جمع دارد. یکی از مصادیق روزهٔ واجب، روزهٔ ماه رمضان است که در این روایات از باب مصداق غالب بدان اشاره شده است؛
ج) وجوب کفارهٔ جمع را می‌توان از تعبیر «فَعَلَیهِ ثَلَاثُ کفَّارَاتٍ» استنباط کرد.

شرایط عمومی کفارات صوم

الف) از روی علم و عمد

یکی از شرایط وجوب کفارهٔ روزه در روایات، افطار عمدی روزه است؛ یعنی اگر فرد از روی علم و عمد روزهٔ واجب خود را بشکند، بر وی کفاره واجب می‌شود، اما چنانچه از روی فراموشی روزه‌اش را افطار کند، چیزی بر وی واجب نمی‌شود.

---

۲۹۹. همان، ص ۵۳.

۱ـ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ ثُمَّ ذَكَرَ، قَالَ: «لَا يُفْطِرْ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ رَزَقَهُ اللَّهُ فَلْيُتِمَّ صَوْمَهُ».[۳۰۰]

از امام صادق (علیه السلام) دربارۀ مرد روزه‌داری پرسش شد که از روی فراموشی بخورد و بیاشامد، سپس یادش بیاید. امام فرمود: «افطار نکند؛ زیرا آن، رزق و روزی است که خداوند به او اعطا کرده است، بنابراین روزه‌اش را به پایان برساند».

۲ـ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِي .... قَالَ الرضا: «... وَإِنْ كَانَ نَكَحَ حَلَالاً أَوْ أَفْطَرَ عَلَى حَلَالٍ فَعَلَيهِ كفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ وَإِنْ كانَ نَاسِياً فَلَا شَيءَ عَلَيهِ».[۳۰۱]

عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کنند که اگر کسی در حالی که روزه است با همسرش نزدیکی کند یا با چیز حلالی افطار کند، تنها یک کفاره بر او واجب است و اگر از روی فراموشی باشد، کفاره‌ای بر او واجب نمی‌شود.

۳ـ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَامَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ نَاسِياً» قَالَ: «يُتِمُّ صَوْمَهُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ».[۳۰۲]

سماعه می‌گوید: «از امام، دربارۀ مرد روزه‌داری که از روی فراموشی بخورد و بیاشامد، پرسش کردم.» امام فرمودند: «روزه‌اش صحیح است و قضا ندارد».

٤ـ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ: «مَنْ صَامَ فَنَسِيَ فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ فَلَا يُفْطِرُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ نَسِيَ فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقٌ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَلْيُتِمَّ صِيَامَهُ».[۳۰۳]

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که امام علی (علیه السلام) می‌فرمود: «اگر روزه‌دار از روی فراموشی بخورد و بیاشامد، به خاطر فراموشی‌اش افطار نکند؛ زیرا آن رزقی است که خداوند به او عطا کرده است، پس روزه‌اش را تمام کند».

ب) عدم اکراه

فقدان اکراه برای افطار یکی دیگر از شرایط وجوب کفاره است که در روایات بدان اشاره شده است؛ برای نمونه اگر مردی همسر خود را که روزۀ واجب گرفته است، به آمیزش جنسی اکراه کند، قضا و کفارۀ روزه بر زن واجب نمی‌شود، بلکه مرد باید آن را بپردازد. البته اگر خود زن تمایل داشته باشد، دیگر این حکم جاری نخواهد بود:

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِی رَجُلٍ أَتَی امْرَأَتَهُ وَهُوَ صَائِمٌ وَهِی صَائِمَةٌ فَقَالَ: «إِنْ كانَ اسْتَكرَهَهَا، فَعَلَيهِ كفَّارَتَانِ وَإِنْ كانَتْ طَاوَعَتْهُ فَعَلَيهِ كفَّارَةٌ وَعَلَيهَا كفَّارَةٌ وَإِنْ كانَ أَكرَهَهَا فَعَلَيهِ ضَرْبُ خَمْسِينَ سَوْطاً نِصْفِ الْحَدِّ وَإِنْ كانَتْ طَاوَعَتْهُ ضُرِبَ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ سَوْطاً وَضُرِبَتْ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ سَوْطاً».[۳۰٤]

---

۳۰۰. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۵۰.

۳۰۱. همان، ص ۵۳.

۳۰۲. همان، ص ۵۱.

۳۰۳. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۵۲.

۳۰٤. همان، ص ٥٦.

مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مردی کـه بـا زنـش نزدیکـی کـرده باشد، در حالی که هر دو روزه باشند، پرسش کرد. حضرت فرمودند: «اگر مـرد، او را بـه این عمل مجبور نماید، مرد باید دو کفاره به جا آورد؛ اگر زن و مرد هر دو راضی باشـند، بر مرد و زن هر کدام کفاره‌ای واجب می‌شود؛ اگر مـرد، او را مجبـور نمایـد، مـرد بایـد پنجاه ضربه، به اندازهٔ نصف حدّ زنا، تازیانه بخورد و اگر زن و مرد هر دو به ایـن عمـل راضی باشند هر کدام ۲۵ ضربهٔ تازیانه می‌خورند».

ج) توان مالی و جسمی مکلف

در کفارات به میزان توانایی مالی و جسمی مکلفان نیز توجه شده است. بیشتر کفارات مالی، آزاد کردن بـرده و سیر کردن فقیران و دادن لباس مناسب به آنها است. می‌توان گفت که خداوند از باب امتنان، ایـن لطـف را در حق بندگان خطاکار خود نموده است که با پرداخت مقداری از مالشان از سر تقـصیرات آنهـا بگـذرد. کفـاراتی چون روزه گرفتن نیز پس از کفارات مالی و در آخر نیز استغفار آمده است که می‌توان آنها را کفارات غیرمـالی یا معنوی نامید.

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: «کلُّ مَـنْ عَجَـزَ عَـنِ الْکفَّـارَةِ الَّتِـی تَجِبُ عَلَیهِ مِنْ صَوْمٍ أَوْ عِتْقٍ أَوْ صَدَقَةٍ فِی یمِینٍ أَوْ نَذْرٍ أَوْ قَتْلٍ أَوْ غَیرِ ذَلِـک مِمَّـا یجِـبُ عَلَی صَاحِبِهِ فِیهِ الْکفَّارَةُ فَالاسْتِغْفَارُ لَهُ کفَّارَةٌ».[۳۰۵]

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که امام فرمود: «هر کـس کـه از ادای کفارهٔ واجب خود، همچون کفارهٔ روزه، آزاد کردن برده، سوگند، نذر، قتـل و یـا غیـر آن عاجز باشد، استغفار برای او کفاره است».

البته فقدان توان مالی یا جسمی یک مفهوم نسبی و بسته به حال افراد، متغیر است؛ از این رو در روایـات آمده است که توان وی به هر مقدار که می‌رسد، همان را به جا آورد:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ فِي شَـهْرِ رَمَـضَانَ فَلَـمْ يَجِدْ مَا يَتَصَدَّقُ بِهِ عَلَى سِتِّينَ مِسْكيناً قَالَ: «يَتَصَدَّقُ بِقَدْرِ مَا يُطِيقُ».[۳۰۶]

عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ مردی که با زنـش در مـاه رمـضان نزدیکی کند و توان مالی برای سیر کردن شصت مسکین را نداشته باشد، نقل مـی‌کنـد که امام فرمود: «هر مقدار که می‌تواند، اطعام کند».

چکیده

✓ واژهٔ «کفّاره»، از ریشهٔ «کفر»، معانی گوناگونی دارد که وجه جامع همهٔ آنها پوشاندن یـک چیـز مـادی یـا معنوی است.

---

۳۰۵. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۳۶۷.

۳۰۶. همان، ص ٤٦.

- ✓ کفارهٔ صوم، عبارت است از جریمه‌ای که برای باطل کردن روزهٔ معین شده است که مختص روزهٔ ماه رمضان نیست و همهٔ اقسام روزه‌های واجب را شامل می‌شود.
- ✓ کفارهٔ صوم اقسامی دارد که عبارت‌اند از: تخییری، تعیینی و جمع.
- ✓ کفارهٔ تخییری آن است که مکلف در انتخاب نوع کفاره اختیار دارد، اما تعداد و انواع آن را شارع مشخص می‌کند.
- ✓ کفارهٔ تعیینی آن است که مکلف بایستی همان موردی را که شارع در حکم کفاره تعیین کرده است، به جا آورد.
- ✓ کفارهٔ جمع آن است که مکلف بایستی همهٔ طرفهای تخییر را با هم جمع کند و یکجا به جا آورد.
- ✓ اگر کسی روزهٔ ماه رمضان را از روی عمد با چیز حلالی باطل کند، بایستی علاوه بر قضای آن روز، یکی از موارد زیر را به طور تخییری به عنوان کفاره به جا آورد: آزاد کردن برده؛ دو ماه روزه گرفتن (که ۳۱ روز آن باید پی‌درپی باشد) و سیر کردن شصت فقیر (دادن یک مُد طعام به هر یک از آنها).
- ✓ اگر کسی روزهٔ ماه رمضان را از روی عمد با حرام باطل کند، در این حالت باید کفارهٔ جمع به جا آورد.
- ✓ شرایط عمومی کفارات صوم عبارت‌اند از: الف) از روی علم و عمد؛ ب) فقدان اکراه؛ ج) توان مالی و جسمی مکلف.

جلسهٔ پانزدهم

آشنایی با روزه‌های مستحبی

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ اقسام روزه؛
- ✓ روایات روزه‌های مستحبی؛
- ✓ مفاهیم و نکات فقه الحدیثی روایات روزه‌های مستحبی.

درآمد

در یک نگاه کلی، روزه را می‌توان از نظر نوع حکم به واجب، مستحب، حرام و مکروه تقسیم کرد. در فقه شیعه روزهٔ ماه رمضان، واجب؛ روزهٔ عید فطر و عید قربان، حرام؛ و روزهٔ تاسوعا و عاشورا با شرایطی مکروه است. نمونه‌های دیگر اقسام سه‌گانهٔ بالا به شرح زیر است:[۳۰۷]

روزه‌های واجب

ـ روزهٔ ماه مبارک رمضان؛

ـ روزهٔ قضا؛

ـ روزهٔ کفاره؛

ـ روزهٔ استیجاری: روزه‌هایی که شخص مزد می‌گیرد و به نیابت از میّت انجام می‌دهد؛

ـ روزهٔ روز سوم از روزهای اعتکاف؛

ـ روزهٔ بدل قربانی حج: اگر حاجی نتواند قربانی کند، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت از حج روزه بگیرد؛

ـ روزه‌ای که به سبب نذر واجب شود؛

ـ روزهٔ قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب می‌شود.

---

۳۰۷. *العروة الوثقی*، ج ۲، *کتاب الصوم*، فصل ۱۵، ص ۲٤٤ ـ ۲٤۰.

روزه‌های حرام

ـ روزهٔ عید فطر (روز اول ماه شوال)؛
ـ روزهٔ عید قربان (روز دهم ماه ذی‌الحجه)؛
ـ روزهٔ نذر معصیت؛
ـ روزهٔ ایام تشریق (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی‌الحجه) برای کسی که در منا باشد؛
ـ روزهٔ سکوت: روزه گرفتن با این نیت که با کسی سخن نگوید؛
ـ روزهٔ وصال: روزه گرفتن دو روز پی‌درپی بدون آنکه در میان آنها مبطلی انجام دهد؛ البته با قصد وصال، نه به طور اتفاقی؛
ـ روزهٔ آخر شعبان به نیت اول رمضان؛
ـ روزهٔ مستحبی فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود؛
ـ روزهٔ مستحبی فرزند که پدر یا مادر او را از آن نهی کرده باشند (بنا بر احتیاط واجب)؛
ـ روزهٔ مستحبی زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد (بنا بر احتیاط واجب).

روزه‌های مکروه

ـ روزهٔ مستحبی میهمان بدون اجازهٔ میزبان؛
ـ روزهٔ مستحبی میهمان با نهی میزبان؛
ـ روزهٔ مستحبی فرزند بدون اجازهٔ پدر؛
ـ روزهٔ عاشورا؛
ـ روزهٔ روز عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز شود؛
ـ روزهٔ روزی که معلوم نیست که عرفه است یا عید قربان.

در این جلسه روایات مربوط به روزه‌های مستحبی را بررسی خواهیم کرد و با انواع روزه‌های مستحبی و نکات فقه الحدیثی روایات مربوط با این مسئله آشنا خواهیم شد.

روزه‌های مستحبی

روزه گرفتن در تمام روزهای سال به جز روزهایی که روزه گرفتن در آنها حرام و مکروه است، مستحب است، ولی دربارهٔ بعضی ماهها و روزها سفارش بیشتری شده است. روزه‌های مستحبی در مقایسه با روزه‌های واجب، علاوه بر تعدد، گاه با توصیهٔ اکید شارع اسلامی نیز همراه است. راز فقدان تأکید در روزه‌های واجب، بسان روزه‌های مستحب، در تکلیف و الزام‌آوری آنها نهفته است که تخطی از آن بر مکلف روا نیست، در حالی که روزه‌های مستحبی چنین نیستند و مکلفان در انجام دادن یا انجام ندادن آنها مختارند؛ از این رو شارع اسلام در گزاره‌های آن از ابزار توصیه، ترغیب و تشویق فراوان بهره جسته است.

روایات

روزه‌های مستحبی در روایات را می‌توان به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد: دستهٔ نخست روایاتی است که روزه گرفتن در یک محدوهٔ زمانی وسیع و گسترده، همانند یک ماه و گاه یک فصل، را توصیه می‌کنند. روایاتی که بر روزه گرفتن در ماه رجب و زمستان توصیه دارند، از این نمونه است. روشن است که مستند بیشتر روزه‌های مستحبی روایات است که روایات زیر از این قسم است:

الف) أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا قَالَ: «مَنْ صَامَ خَمْساً وَعِشْرِینَ مِنْ رَجَبٍ جَعَلَ اللَّهُ صَوْمَهُ ذَلِكَ الْیوْمَ كَفَّارَةَ سَبْعِینَ سَنَةً»؛[۳۰۸] احمد بن محمد بن ابی‌نصر از امام رضا نقل کرده است که ایشان فرمودند: «هر کس ۲۵ روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند روزه‌اش را در روز قیامت، کفارهٔ هفتاد سال او قرار می‌دهد».

ب) قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ: «رَجَبٌ نَهَرٌ فِی الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَیاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَمَنْ صَامَ یوْماً مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهَرِ»؛[۳۰۹] امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «رجب نام رودی در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است. هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از آن نهر به او می‌نوشاند».

ج) رُوِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: «الصَّوْمُ فِی الشِّتَاءِ هُوَ الْغَنِیمَةُ الْبَارِدَةُ»؛[۳۱۰] از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «روزه در زمستان غنیمتی نیکو است».

د) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلّی اللهُ عَلَیه وآلِه): «الصَّوْمُ فِی الشِّتَاءِ الْغَنِیمَةُ الْمُبَارَكَةُ»؛[۳۱۱] پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «روزه در زمستان غنیمتی مبارک است».

ه) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ یقُولُ: «الشِّتَاءُ رَبِیعُ الْمُؤْمِنِ؛ یطُولُ فِیهِ لَیلُهُ فَیسْتَعِینُ بِهِ عَلَى قِیامِهِ وَیقْصُرُ فِیهِ نَهَارُهُ فَیسْتَعِینُ بِهِ عَلَى صِیامِهِ»؛[۳۱۲] از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «زمستان بهار مؤمن است؛ شب آن طولانی است و می‌تواند از آن برای قیام در شب کمک بگیرد. روز آن [نیز] کوتاه است و می‌تواند از آن برای گرفتن روزه کمک بگیرد».

روزهای زمستان کوتاه و شب‌های آن طولانی است و فرصت مناسبی است برای مؤمنان تا از این فرصت برای عبادت بهره جویند. از این رو در روایات از این فصل به بهار مؤمن تعبیر شده است. یکی از بهترین اعمالی که مؤمن در روزهای کوتاه زمستان می‌تواند انجام دهد، روزه گرفتن است و چون کوتاه‌مدت است و هوا نیز خنک است، در مقایسه با روزهٔ تابستان، از نظر جسمی نیز فشار زیادی، بر روزه‌دار وارد نمی‌شود. پس چه بهتر که از این فرصت طلایی برای نزدیکی به خداوند بهره جست و این همان راز استحباب روزه و شب‌زنده‌داری در زمستان است که با ساعت زمانی طبیعت و انسان سازگارتر است.

دستهٔ دوم روایاتی است که بر روزه گرفتن در روزهایی خاص و مهم توصیه دارند که فهرست برخی از آنها عبارت‌اند از:[۳۱۳]

ـ هر پنج‌شنبه و جمعه؛

---

۳۰۸. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ٤٨٢.

۳۰۹. *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ٥٦، ح ۲؛ *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ٤٧٢.

۳۱۰. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ٤١٤.

۳۱۱. همان.

۳۱۲. همان.

۳۱۳. *العروة الوثقی*، ج ۲، *کتاب الصوم*، فصل ۱۵، ص ۲٤٠.

ـ نخستین چهارشنبه، پس از دههٔ اول هر ماه؛
ـ روز مبعث (۲۷ ماه رجب)؛
ـ عید غدیر (۱۸ ذی‌الحجه)؛
ـ روز میلاد پیامبر اکرم (۱۷ ربیع الاول)؛
ـ روز اول تا نهم ذی‌الحجه؛
ـ روز عرفه؛ چنانچه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعاهای آن روز نشود؛
ـ روز اول و سوم محرم؛
ـ روز اول فروردین؛
ـ روزهای ۱۳، ١٤ و ۱۵ هر ماه.

اینک به بررسی روایات مربوط به برخی از گونه‌های روزهٔ مستحبی می‌پردازیم.

روز عرفه

روز نهم ذی‌الحجه در روزهای حج منزلتی ویژه دارد. این روز، روز نیایش عارفانه با خدا، روز طلب بخشودگی و پذیرش توبهٔ بندگان خالص خدا است. یکی از اعمالی که در این روز بدان توصیه شده است، روزه گرفتن در آن است:

الف) رَسُولُ اللَّهِ (صلّی اللهُ عَلَیه وآلِه): «وَصَوْمُ عَرَفَةَ کَفَّارَةُ سَنَتَینِ سَنَةٍ قَبْلَهُ وَسَنَةٍ بَعْدَهُ»؛[٣١٤] پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «روزهٔ روز عرفه، کفارهٔ دو سال است؛ سال پیش از آن و سال پس از آن».

ب) قالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): «صَوْمُ ...... یَوْمُ عَرَفَةَ کَفَّارَةُ سَنَتَینِ»؛[٣١٥] *«روزهٔ روز عرفه کفارهٔ دو سال است»*.

ج) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَوْمِ یومِ عَرَفَةَ، فَقَالَ: «أَنَا أَصُومُهُ الْیوْمَ وَهُوَ یوْمُ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ»؛[٣١٦] محمد بن مسلم از یکی از امامان (امام صادق یا امام کاظم (علیهما السلام)) نقل می‌کند که از ایشان دربارهٔ روزهٔ روز عرفه پرسش شد. حضرت فرمودند: «من این روز را روزه می‌گیرم و آن، روز دعا و درخواست [از خداوند] است».

د) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ یومِ عَرَفَةَ، فَقَالَ: «مَنْ قَوِی عَلَیهِ فَحَسَنٌ إِنْ لَمْ یمْنَعْكَ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ یوْمُ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ فَصُمْهُ وَإِنْ خَشِیتَ أَنْ تَضْعُفَ عَنْ ذَلِكَ فَلَا تَصُمْهُ»؛[٣١٧] محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که از ایشان دربارهٔ روزهٔ روز عرفه پرسیدم. حضرت فرمودند: «هر کس توانش را دارد و مانع دعا کردنش نشود، خوب است روزه بگیرد؛ چرا که آن روز، روز دعا و درخواست است. و اگر ترسیدی که در اثر روزه گرفتن ضعیف شوی، روزه نگیر».

---

٣١٤. حاج حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ٥٢٩.
٣١٥. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ٤٥٣.
٣١٦. همان، ص ٤٦٤.
٣١٧. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ٤٦٥.

نکات فقه الحدیثی

۱ـ برای تبیین استحباب روزهٔ روز عرفه از ساختار تلویحی ـ ترغیبی استفاده شده است. روایات، روزه گرفتن در این روز را کفارهٔ دو سال و کفارهٔ نه سال[۳۱۸] بیان داشته است. برخی از روایات، همانند روایت سوم، نیز بیانگر سیرهٔ معصوم در روزه گرفتن این روز است و چون فعل آن در شکل مضارع به کار رفته است، بر نوعی استمرار هم دلالت دارد.

۲ـ منظور از کفاره در این روایات کفارهٔ واجب نیست، بلکه مراد، سببی برای تکمیل کاستی‌های احتمالی در عبادات است که جنبهٔ حقّ اللهی دارند؛ البته کاستی‌ای که به حال عبادت مضر نباشد.

۳ـ با درنگ در روایت چهارم می‌توان دریافت که دعا خواندن در روز عرفه بر روزه گرفتن در صورت مانعة الجمع بودن هر دو، اولویت دارد؛ از این رو استحباب روزهٔ عرفه به حال جسمی و توانمندی افراد نیز بستگی دارد.

روز جمعه

مضاعف شدن ثواب اعمال در روز جمعه، به ویژه اعمال عبادی، یکی از ویژگیهایی است که در روایات برای روز جمعه آمده است. در این میان روزه گرفتن این روز اهمیت ویژه‌ای دارد و مورد تأکید روایات است:

الف) عَنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله): مَنْ صَامَ یوْمَ الْجُمُعَةِ صَبْراً وَاحْتِسَاباً أُعْطِی ثَوَابَ صِیامِ عَشَرَةِ أَیامٍ غُرٍّ زُهْرٍ لَا تُشَاکِلُ أَیامَ الدُّنْیا»؛[۳۱۹] از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که *رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کس روز جمعه را از روی صبر و به امید ثواب روزه بگیرد به او ثواب روزهٔ ده روز نورانی، که مانند روزهای دنیا نیست، و داده می‌شود».*

ب) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ فِی الرَّجُلِ یُرِیدُ أَنْ یعْمَلَ شَیئاً مِنَ الْخَیرِ مِثْلَ الصَّدَقَةِ وَالصَّوْمِ وَنَحْوَ هَذَا قَالَ: «یسْتَحَبُّ أَنْ یکُونَ ذَلِکَ یوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ الْعَمَلَ یوْمَ الْجُمُعَةِ یضَاعَفُ»؛[۳۲۰] از امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ امور خیری که شخص گاهی انجام می‌دهد، مانند صدقه و روزه و مانند این، [سؤال شد] ایشان فرمودند: «مستحب است که این کارها در روز جمعه انجام گیرد؛ چرا که [ثواب] عمل در روز جمعه مضاعف می‌شود».

ج) عَنِ ابْنِ سِنَانٍ، یَعْنِی عَبْدَ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: رَأَیتُهُ صَائِماً یوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقُلْتُ لَهُ: «جُعِلْتُ فِدَاکَ، إِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُ یوْمُ عِیدٍ، فَقَالَ: «کَلَّا إِنَّهُ یوْمُ خَفْضٍ وَدَعَةٍ»؛[۳۲۱] از عبدالله بن سنان نقل شده است که گفت: روز جمعه حضرت صادق (علیه السلام) را دیدم که روزه‌دار هستند. به ایشان گفتم: فدایتان شوم مردم بر این باورند که جمعه روز عید است. حضرت فرمودند: «بله، قطعاً جمعه روز آسایش و راحتی است».

---

۳۱۸. همان، ص ٤٦٦.

۳۱۹. همان، ص ٤١٢.

۳۲۰. همان.

۳۲۱. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ٤١٣.

روز غدیر

روز غدیر در فرهنگ اسلامی جایگاهی والا دارد. این روز، اتمام نعمت و اکمال دین و واگذاری مدیریت جامعهٔ اسلامی به معصوم است. مهم‌ترین حادثهٔ این روز، تشریع مدیریت معصومانه در نهاد اسلام است که نخستین و آغازین مدیر از این سلسله، علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است. روزه داشتن این روز شکرانهٔ نعمتی است که خداوند با انتخاب بهترین فرد از افراد امت اسلام، آنها را از هرگونه کج‌روی و انحراف در امان داشته است. هجدهم ذی‌الحجه، روز غدیر است و بزرگ‌ترین عید اسلامی به شمار می‌آید و علاوه بر روزه گرفتن، کارهای دیگری نیز در این روز اجر و قرب بسیاری دارد؛ همانند اطعام کردن، صدقه دادن، صلهٔ ارحام و روزه گرفتن که روزه گرفتن این روز معادل روزهٔ شصت سال است.

الف) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «صَوْمُ یوْمِ غَدِیرِ خُمٍّ کَفَّارَةُ سِتِّینَ سَنَةً»؛[۳۲۲] از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «روزهٔ روز غدیر خم، کفارهٔ شصت سال است».

ب) عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): کَمْ لِلْمُسْلِمِینَ مِنْ عِیدٍ فَقَالَ: «أَرْبَعَةُ أَعْیادٍ» قَالَ: قُلْتُ: قَدْ عَرَفْتُ الْعِیدَینِ وَالْجُمُعَةَ، فَقَالَ لِی: «أَعْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا یوْمُ الثَّامِنَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ ذِی الْحِجَّةِ وَهُوَ الْیوْمُ الَّذِی أَقَامَ فِیهِ رَسُولُ اللَّهِ (صَلّی اللهُ عَلَیه وَآلِه) أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) وَنَصَبَهُ لِلنَّاسِ عَلَماً.» قَالَ: قُلْتُ: «مَا یجِبُ عَلَینَا فِی ذَلِکَ الْیوْمِ» قَالَ: «یجِبُ عَلَیکُمْ صِیامُهُ شُکْراً لِلَّهِ وَحَمْداً لَهُ مَعَ أَنَّهُ أَهْلٌ أَنْ یشْکَرَ کُلَّ سَاعَةٍ وَکَذَلِکَ أَمَرَتِ الْأَنْبِیاءُ أَوْصِیاءَهَا أَنْ یَصُومُوا الْیوْمَ الَّذِی یقَامُ فِیهِ الْوَصِی یتَّخِذُونَهُ عِیداً وَمَنْ صَامَهُ کَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّینَ سَنَةً»؛ مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) پرسید: مسلمانان چند عید دارند؟ حضرت فرمودند: «چهار عید». گفتم: من تنها دو عید (فطر و قربان) و جمعه را می‌شناسم. حضرت فرمودند: «بزرگ‌ترین آن عیدها روز هجدهم ذی الحجه است و آن روزی است که در آن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برای زعامت امت منصوب کرد.» گفتم: در این روز چه عملی بر ما واجب است؟ حضرت فرمودند: «روزهٔ این روز بر شما واجب است به دلیل شکرگزاری و ستایش پروردگار با اینکه باری‌تعالی شایستهٔ شکرگزاری در هر لحظه است و همچنین انبیای اوصیای خود را به روزه‌داری و عید قرار دادن این روز ترغیب کرده‌اند و روزه گرفتن در این روز از عمل شصت سال برتر است».

نکته: در این روایت وجوب، بر مستحب مؤکد حمل می‌شود.

ایام البیض

روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری را ایام البیض گویند. در روایات بر روزه گرفتن در این روزها بسیار تأکید شده است؛ برای نمونه به روایات زیر توجه کنید:

الف) عَنِ الْحُسَینِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ أَنَّ عَلِیاً (علیه السلام) کَانَ یَنْعَتُ صِیامَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله)، قَالَ: «صَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) الدَّهْرَ کُلَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ تَرَکَ ذَلِکَ وَصَامَ صِیامَ دَاوُدَ یوْماً لِلَّهِ وَیوْماً لَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ تَرَکَ ذَلِکَ فَصَامَ الْإِثْنَینِ وَالْخَمِیسَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ تَرَکَ ذَلِکَ وَصَامَ الْبِیضَ ثَلَاثَةَ أَیامٍ مِنْ کُلِّ شَهْرٍ فَلَمْ یزَلْ ذَلِکَ صِیامَهُ حَتَّی قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَیهِ»؛[۳۲۳] از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که

---

۳۲۲. همان، ص ٤٤١.

۳۲۳. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ٤۳۷.

روزهٔ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را این‌گونه توصیف می‌کردند: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تمام روزها را روزه گرفت. سپس این رویّه را ترک کرد. سپس به شیوهٔ داود (علیه السلام) روزه گرفت؛ روزی را برای خدا و روزی را برای خود. سپس این رویّه را نیز ترک کرد و دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها را روزه می‌داشت. پس از چندی این رویّه را نیز ترک کرد و روزهٔ ایام بیض، سه روز در ماه را، روزه می‌گرفت. و همیشه این‌گونه روزه می‌گرفت تا آنکه خداوند روح او را به سوی خود قبض نمود».

ب) عَنْ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله): «أَتَانِی جَبْرَئِیلُ فَقَالَ: قُلْ لِعَلِیٍّ صُمْ مِنْ کُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَیامٍ یکْتَبْ لَکَ بِأَوَّلِ یومٍ تَصُومُهُ عَشَرَةُ آلَافِ سَنَةٍ وَبِالثَّانِی ثَلَاثُونَ أَلْفَ سَنَةٍ وَبِالثَّالِثِ مِائَةُ أَلْفِ سَنَةٍ.» قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ أَلِی ذَلِکَ خَاصَّةً أَمْ لِلنَّاسِ عَامَّةً؟ فَقَالَ: «یعْطِیکَ اللَّهُ ذَلِکَ وَلِمَنْ عَمِلَ مِثْلَ ذَلِکَ» فَقُلْتُ: مَا هِی یا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْأَیامُ الْبِیضُ مِنْ کُلِّ شَهْرٍ وَهِی الثَّالِثَ عَشَرَ وَالرَّابِعَ عَشَرَ وَالْخَامِسَ عَشَرَ»؛[۳۲۴] از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «جبرئیل بر من وارد شد و گفت: به علی بگو سه روز از هر ماه را روزه بگیرد تا برای روز اول که روزه می‌گیرد، [روزهٔ] ده هزار سال و برای روز دوم، [روزهٔ] سی هزار سال و برای روز سوم [روزهٔ] صد هزار سال نوشته شود.» گفتم: ای رسول خدا، آیا تنها برای من این‌گونه است یا برای دیگران نیز چنین پاداشی است؟ حضرت فرمودند: «خداوند این پاداش را به هر کس که چنین عمل کند، عطا می‌کند.» گفتم: این سه روز چه روزهایی است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «[این سه روز] ایام البیض هر ماه است که [مراد همان] سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم آن ماه است».

سه روز آخر شعبان

در روایات به روزه گرفتن در سه روز پایانی ماه شعبان توصیه شده است؛ برای نمونه به روایت زیر توجه کنید:

> قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): «مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ مِنْ آخِرِ شَعْبَانَ وَوَصَلَهَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ شَهْرَیْنِ مُتَتَابِعَیْنِ»؛[۳۲۵] امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر کس سه روز آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و به روزهٔ ماه رمضان وصل کند، خداوند ثواب روزهٔ دو ماه پی‌درپی را برایش می‌نویسد».

نکات فقه الحدیثی

۱ـ از تحلیل روایات دستهٔ دوم از روزه‌های مستحبی چنین می‌توان دریافت که این روزها در اسلام اهمیت و جایگاه مهم و والایی دارند و به دلیل پاس‌داشت و شکر نعمتهای اعطایی خداوند در آن روز به مردمان، روزه داشتن آنها مستحب دانسته شده است.

---

۳۲۴. همان.
۳۲۵. *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۴۹۸.

۲ـ روزهای اشاره‌شده در روایات دستهٔ دوم، روزهای حادثه‌ساز و تحول‌آفرین در جهان، به ویژه جهان اسلام، هستند؛ همانند میلاد و بعثت نبوی و روز غدیر. در برخی موارد نیز تنها جنبهٔ معنوی و عبادی محض دارند؛ همانند روزهای پنج‌شنبه و جمعه.

۳ـ ساختار حکمی بیشتر روایات روزه‌های مستحبی از قسم گزاره‌های تلویحی ـ ترغیبی است. این روایات، مخاطب را به روزه گرفتن در مقابل اجر معنوی ترغیب کرده است که این اجر گاه جنبهٔ غفران گذشته را دارد که از آن به عنوان کفاره یاد شده است. ساختار برخی از روایات نیز سیره است. این قسم از روایات با گزارش سیرهٔ معصوم، مخاطب را به تأسی از عملکرد معصوم در روزه گرفتن برخی از روزها توصیه کرده است.

چکیده

- ✓ در یک نگاه کلی، می‌توان روزه را از نظر نوع حکم به واجب، مستحب، حرام و مکروه تقسیم کرد.
- ✓ روزه گرفتن در تمام روزهای سال، به جز روزهایی که روزه گرفتن در آنها حرام و مکروه است، مستحب است، ولی دربارهٔ بعضی از ماهها و روزها سفارش بیشتری شده است.
- ✓ روز نهم ذی‌الحجه در روزهای حج منزلتی ویژه دارد. این روز، روز نیایش عارفانه با خدا، روز طلب بخشودگی و پذیرش توبهٔ بندگان خالص خدا است. یکی از اعمالی که در این روز بدان توصیه شده است، روزه گرفتن در آن است.
- ✓ منظور از کفاره در روایات روزهٔ عرفه کفارهٔ واجب نیست، بلکه مراد، سببی برای تکمیل کاستی‌های احتمالی در عبادات است که جنبهٔ حقّ اللهی دارند؛ البته کاستی‌ای که به حال عبادت مضر نباشد.
- ✓ با درنگ در روایات چنین می‌توان دریافت که دعا خواندن در روز عرفه بر روزه گرفتن، در صورت مانعة الجمع بودن هر دو، اولویت دارد؛ از این رو استحباب روزهٔ عرفه به حال جسمی و توانمندی افراد نیز بستگی دارد.
- ✓ مضاعف شدن ثواب اعمال در روز جمعه، به ویژه اعمال عبادی، یکی از ویژگیهایی است که در روایات برای روز جمعه آمده است. در این میان روزه گرفتن این روز اهمیت خاصی دارد بوده و مورد تأکید روایات است.
- ✓ هجدهم ذی‌الحجه، روز غدیر است و بزرگ‌ترین عید اسلامی به شمار می‌آید و علاوه بر روزه گرفتن، کارهای دیگری نیز در این روز اجر و قرب بسیاری دارد؛ همانند اطعام کردن، صدقه دادن، صلهٔ ارحام و روزه گرفتن که روزه گرفتن آن روز معادل روزهٔ شصت سال است.
- ✓ روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری را ایام البیض گویند.